

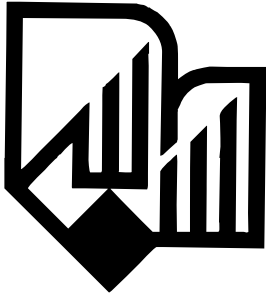


دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی

شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



- تحولات دوره‌ی مس‌وسنگ جدید دشت ملایر (مطالعه‌ی موردی: تپه‌های «قلعه‌نو» و «دغالی») **خلیل‌الله بیک محمدی، محسن جانجان**
۲۶-۷ ▶
- اندیشه‌ی ایرانشهر در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی **ساره پورشعبانیان، زهرا پورشعبانیان**
۴۱-۲۷ ▶
- مطالعه‌ی تغییرات بافت شهری قزوین در دوره‌ی قاجار براساس متون **شیما احمدصفاری**
۵۶-۴۳ ▶
- معماری و شهرسازی در دوره‌ی اتابکان لر کوچک **امیر طهماسبی، پیمان شادل، نسرین حسنعلی‌زاده درخشان**
۷۶-۵۷ ▶
- تأثیر روستاهای تاریخی در جذب گردشگران (مطالعه‌ی موردی: روستاهای استان اردبیل) **حمید خانعلی، افراسیاب گراوند، مهران خالدی‌پاوه**
۹۰-۷۷ ▶
- توسعه‌ی گردشگری پایدار در شهرها (مطالعه‌ی موردی: شهرستان خلخال و جاذبه‌های گردشگری آن) **حامد تقی‌زاده، فاطمه خوشکام، پریناز بخشی**
۱۰۳-۹۱ ▶



دوف _____ صلنامه‌ی
ع _____ لمی
تخصص _____ می
باس _____ تن
ش _____ ناخت



خبرنامه
پایه
سر



انجه _____ ن علم _____ می
گ _____ روه باستان شناسی
دانه _____ شگاه
حق _____ ق
اردبیل _____ می

دوفصلنامه‌ی علمی- تخصصی باستان‌شناخت

نشریه‌ی انجمن علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی

شماره‌ی هشتم، دوره‌ی پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صاحب امتیاز، انجمن علمی باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی
مشاور و زیرنظر: دکتر حبیب شهبازی شیران / مدیر مسئول: دکتر خلیل‌الله بیک‌محمدی
سر دبیر: سید مهدی حسینی نیا / ناشر: دانشگاه محقق اردبیلی



شماره



هیأت تحریریه

یعقوب محمدی‌فر

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

رضا رضالو

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

محمدابراهیم زارعی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

عباس مترجم

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

حبیب شهبازی شیران

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

کریم حاجی‌زاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

مرتضی حصاری

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

امیرصادق نقشینه

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

بهرروزافخمی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

اردشیر جوانمردزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

نشانی نشریه: اردبیل، خیابان دانشگاه، دانشگاه محقق اردبیلی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر انجمن‌های علمی.
پست الکترونیکی: khalil_bm@yahoo.com

طراحی لوگو، جلد و صفحه‌آرا: خلیل‌الله بیک‌محمدی طبع

مقالات مندرج لزوماً نقطه‌نظر دوفصلنامه باستان‌شناخت نیست و مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان گرامی است. استفاده از مطالب و کلیه تصاویر نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

- تحوالات دوره‌ی مس‌وسنگ جدید دشت ملایر (مطالعه‌ی موردی)
۷-۲۶ تپه‌های «قلعه‌نو» و «ذغالی»
خلیل‌الله بیک محمدی، محسن جانجان
- اندیشه‌ی ایرانشهر در سیاست نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی
۲۷-۴۱ ساره پورشعبانیان، زهرا پورشعبانیان
- مطالعه‌ی تغییرات بافت شهری قزوین در دوره‌ی قاجار براساس متون
۴۳-۵۶ شیما احمدصفاری
- معماری و شهرسازی در دوره‌ی اتابکان لُر کوچک
۵۷-۷۶ امیر طهماسبی، پیمان شادل، نسرین حسنعلی‌زاده درخشان
- تأثیر روستاهای تاریخی در جذب گردشگران (مطالعه‌ی موردی):
۷۷-۹۰ روستاهای استان اردبیل
حمید خانعلی، افراسیاب گراوند، مهران خالدی‌پاوه
- توسعه‌ی گردشگری پایدار در شهرها (مطالعه‌ی موردی): شهرستان خلخال
۹۱-۱۰۳ و جاذبه‌های گردشگری آن
حامد تقی‌زاده، فاطمه خوشکام، پریناز بخشی



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و مهندسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

تحولات دوری مس و سنگ جدید دشت ملایر (مطالعه‌ی موردی تپه‌های «قلعه‌نو» و «ذغالی»)

خلیل‌الله بیک‌محمدی

دکترای باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، مدیر دفتر پژوهش و آموزش حوزه هنری استان همدان
khalil_bm@yahoo.com

حسن جانجان

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه همدان

از صص: ۲۶-۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

دوره‌ی مس و سنگ جدید با ظهور سیستم‌های پیچیده‌ی مدیریتی در آغاز شهرنشینی و توسعه‌ی گسترده‌ی تبادلات سیاسی و اقتصادی برپایه‌ی پیدایش خط و نگارش همراه است. در این دوره، شاهد ظهور یک افق فرهنگی همسان (از اواخر هزاره‌ی ۴ و اوایل هزاره‌ی ۳ ق.م.) در محوطه‌هایی مانند: گودین، گیان، سه‌گابی، حصار، ازبکی، سیلک، قبرستان، شهرسوخته، یحیی، ملیان، میمنت‌آباد و سفالین با مرکزیت شوش در فلات ایران هستیم. سرمنشأ اصلی ظهور جوامع پیچیده و دوران آغاز نگارش، بین‌النهرین عراق و همگام با دوره‌ی اوروک بوده است. با ظهور و گسترش این فرهنگ در هزاره ۴ ق.م.، شاهد گسترش تبادلات و دادوستد با یک محوطه‌ی مرکزی در شاهرهای اصلی تبادلات اقتصادی همراه هستیم. دلیل آن، ظهور زندگی کوچ‌نشینی و اقتصاد معیشتی مبتنی بر دام‌داری و حکومت‌های خانسالاری برپایه‌ی یک حکومت مرکزی (شوش) بوده و این ادعا نیز با کاهش وسعت و حتی شمار محوطه‌ها با رسوبات و نهشته‌های استقرارهای کم‌عمق در فلات ایران قابل اثبات است. دشت ملایر در استان همدان و از نواحی غربی ایران نیز از جمله مناطقی است که دارای آثاری از دوره‌ی مس و سنگ جدید و آغاز نگارش است. در پی بررسی و شناسایی نواحی غربی دشت ملایر در سال ۱۳۹۰ ه.ش.، تعداد ۸۰ محوطه شناسایی شد که ۱۳ محوطه متعلق به دوره‌ی مس و سنگ جدید و تحولات آغاز شهرنشینی را دارا هستند. سنت‌های سفالی رایج در منطقه‌ی مورد مطالعه، از سنت سفال‌های زاگرس مرکزی پیروی کرده و شامل سنت‌های سفالی محوطه‌هایی همچون: گیان، سه‌گابی و گودین و از منظر باستان‌شناختی تحت تأثیر و هم‌افق با فرهنگ‌های تپه‌های گیان ۷ و گودین VII-V است. **کلیدواژگان:** افق فرهنگی، مس و سنگ جدید، آغاز نگارش، ملایر.

مقدمه

آغازنگارش (آغازشهرنشینی) ایران تحت‌عنوان دوره‌ی مس و سنگ جدید، با نفوذ سیستم جهانی اوروک (Algaze, 1993) و ظهور یک افق فرهنگی (Abdi, 2003) با نام «پدیده‌ی آغازیلامی»^۱ (Alden, 1982) از ۳۶۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م. را دربر می‌گیرد. برای نخستین بار توسعه‌ی گسترده‌ی سیاسی و اقتصادی که در جوامع پیش‌ازتاریخ ایران رخ داد، مربوط به اواخر دوره‌ی اوروک میانه و جدید (۳۶۰۰-۳۲۰۰ ق.م.) و دوره‌ی آغازیلامی (۳۲۰۰-۲۹۰۰ ق.م.) بود که شبکه‌هایی اقتصادی و سیاسی تأسیس گردید که از طریق آن فلات مرکزی ایران را به جنوب غرب ایران، جنوب بین‌النهرین و شمال شرق ایران متصل کرد (Alden, 1982: 613). جان آلدن (Alden 1982, 1987) معتقد است: در دوره‌ی آغازیلامی همزمان با شوش III، دروازه‌ای برای دادوستد با بین‌النهرین و سرزمین‌های مرتفع زاگرس و فلات مرکزی ایران ظاهر می‌گردد. شوش III در مقام یک سامانه‌ی شبکه‌ی مبادلاتی بین‌المللی (International Exchange Network System) که سرزمین‌های فلات ایران را شامل می‌شده و طی یک شبکه‌ی مبادلاتی تمامی نقاط (غربی، شرقی، شمالی و جنوب ایران) را به هم متصل می‌کند (Lamberg-Kalovsky & Tosi, 1989). این شبکه‌ی مبادلاتی بی‌سابقه با مرکزیت شوش بر پایه‌ی گل‌نوشته‌ها و سفال‌های لبه‌واریخته، ظروف سفالی کف‌نخ‌بر، سینی‌های اوروکی، مهرهای استوانه‌ای در این مناطق قابل شناسایی هستند. مواد فرهنگی اوروک جدید و آغازیلامی که در امتداد شاه‌راه اصلی تجاری شرق-غرب که همان جاده‌ی بزرگ خراسان می‌باشد، یافت گردیده که خود شاهده‌ی براین ارتباطات و اشاعه‌ی فرهنگی در اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م. است (Kohl 1978 & Lamberg-Karlovsky, 1990). الگازه (2001, 1989) معتقد است؛ این توسعه‌ی فرهنگی در اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م.، زمینه را برای پیچیدگی‌های فرآینده اجتماعی و سیاسی در مناطق پیرامونی جنوب بین‌النهرین فراهم نموده است. با وجود شواهد فراوان مبنی بر گسترش فرهنگ‌های اوروک و آغازیلامی در اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م. که بیشتر مراکز عمده‌ای را در کنار شاهراه‌های ارتباطی تحت تأثیر قرار داده است، بسیاری از استقرارهای هم‌دوره به صورت بومی توسعه پیدا کرده و تأثیرات فرهنگی خاصی را از این دوره از خود نشان نداده است (Alden, 1982: 613).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

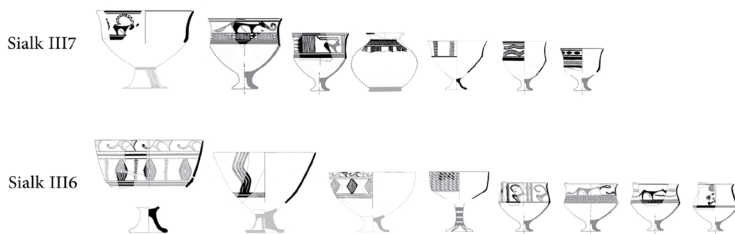
همان‌گونه که اشاره شد؛ این دوره در ایران با دوره‌ی مس‌وسنگ جدید (۳۶۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م.) معرفی شده، که خود به دوزیر دوره تقسیم می‌گردد: دوره‌ی اول، مس‌وسنگ جدید I را می‌توان با نفوذ فرهنگ اوروک (میانه و جدید) در لایه‌های گودین VI و VII، سیلک 7-III5 مورد تحلیل قرار داد؛ این دوره از تاریخ ۳۶۰۰ ق.م. شروع و در تاریخ ۳۴۰۰ ق.م. پایان می‌یابد. برپایه‌ی کاوش‌های انجام شده در تپه قبرستان (فاضلی، ۱۳۸۳) و تپه میمنت‌آباد (یوسفی، ۱۳۹۰) به واسطه‌ی سفال‌های مشابه مانند: سفال‌های لبه‌واریخته (شکل ۱)، ظروف پایه‌دار با نقش پلنگ و بز که شاخصه‌ی اصلی این دوره است (شکل ۲)، سفال‌هایی ظریف و خوش پخت با رنگ و نقش سیاه برزمینه‌ی نخودی که عمدتاً نقش حیواناتی مانند؛ گاو (شکل ۴) و بزرا دربرمی‌گیرند، ارتباط با سایر نواحی این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوره‌ی دوم، مس‌وسنگ جدید II که خود به دو دوره‌ی a و b (مس‌وسنگ جدید IIa تا ۳۴۰۰ تا ۳۲۰۰ ق.م. و مس‌وسنگ جدید IIb تا ۲۹۰۰ تا ۳۲۰۰ ق.م.) تقسیم می‌شود. پدیده‌ی آغاز ایلامی (مس‌وسنگ جدید IIb) در لایه‌های: شوش III، تپه یحیی IVc، ملیان (دوره‌ی بانث)، تپه سفالین، گودین V شناسایی شده است که از ۳۲۰۰ ق.م. آغاز و در ۲۹۰۰ ق.م. به پایان می‌رسد (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹: ۴۰)، (جدول ۲).

پدیده‌ی آغاز ایلامی

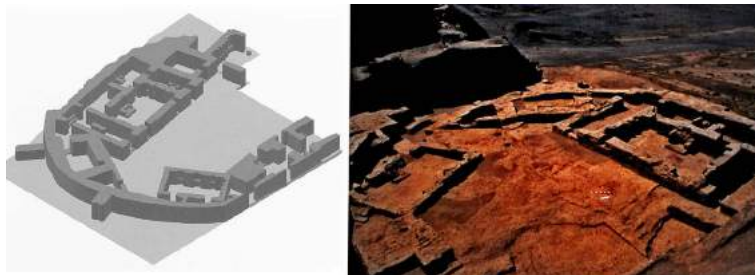
پدیده‌ی آغاز نگارش در ایران با نفوذ فرهنگ اوروک و تأثیرات آن با پدیده‌ای به نام «آغاز ایلامی» (مس‌وسنگ جدید IIb ۳۲۰۰ تا ۲۹۰۰



شکل ۱. نمونه سفال‌های لبه‌واریخته (اوروکی) گودین VI (Gopnik & Rothman, 2011: 89, Fig: 4.6).



شکل ۲. طرح نمونه سفال‌های منقوش (BOB) پایه‌دار مس‌وسنگ جدید به‌دست آمده از محوطه‌ی میمنت‌آباد (میمون آباد) رباط‌کریم (یوسفی‌زشک، ۱۳۹۰).



شکل ۳. دژ بیضوی تجار شوشی با ساختارهای اوروکی-آغازایلامی در طبقه‌ی IV تپه‌ی گودین (Gopnik & Rothman, 2011: 65, fig: 4.1 & 84, Fig: 4.9).

ق.م. معرفتی می‌شود. پدیده‌ی آغازایلامی و نام‌گذاری آن براساس دوره‌های فرهنگی دشت شوشان، اصولاً بر مبنای تغییرات سفالینه‌ها یا شیوه‌های معماری بوده که تقسیمات گاهنگاری نسبی را برای محوطه‌های مختلف پیش‌ازتاریخ فراهم ساخته است. اما دوره‌ی فرهنگی جدیدی نیز بعد از فرهنگ‌های اوروک در ایران وجود دارد که به روشنی می‌توان گفت مبنای مادی آن، مواد فرهنگی مربوط به سیستم‌های مدیریت اداری تشکیل داده است (سرداری‌زارچی، ۱۳۸۳: ۱۷). این دوره به گفته‌ی ونسان شایل (Scheil, 1905)، و به باور پاتس «متون شوش III» نامیده می‌شود (Potts, 1999: 74). در سال ۱۹۰۲ «ژاک دمورگان» با کشف اولین، دو گل‌نبشته‌ی آغازایلامی از شوش در کنار سایر یافته‌های مدیریتی و با نگاهی بر تحولات بین‌النهرین از این نقطه به‌عنوان مرکز ایالت آغازایلامی یاد کرده است (Amiet, 1968: 43). بسیاری از باستان‌شناسان با پافشاری بر مرکزیت شوش، توسعه



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و موزه‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

و گسترش فرهنگ آغازایلامی در بخش وسیعی از فلات مرکزی ایران را متأثر از فرهنگ اوروک می‌دانند (Alden, 1982: 13).

گفتیم که آغازایلامی واژه‌ای است برای سیستم نوشتاری که در دشت شوشان و سرزمین‌های مرتفع غرب ایران و شرق بین‌النهرین بین ۳۱۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م. پدیدار گشت (Wright and Johnson, 1975: 269). دوره‌ای که با جمدت‌نصر/ اوروک III، سراسر سلسله‌های عتیق I در بین‌النهرین برابر است (Ameit, 1979: 168)؛ چنان‌که می‌توان گفت، با دوره‌ی پیش از خود تشابهات و تفاوت‌هایی دارد. اما این تفاوت‌ها چنان است که تفکیک این دوره را از یکدیگر اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و فرهنگ آغازایلامی را نمی‌توان مرحله‌ی بعدی پیشرفت فرهنگ اوروک به حساب آورد؛ چراکه بین این دو، نوعی گسستگی واقع شده است (Amiet, 1979: 196).

گسترده‌ی آغازایلامی را در سطوح 16-14b در اکروپل در شوش (Le Brun, 1971: 122)، تپه‌ی IVc (Lamberg-Karlovsky, 1970: 17)، سیلک IV2 (Ghirshman, 1938: 60)، تپه‌ی ملیان (لایه‌ی III) دوره‌ی بانس جدید (Nicholas, 1990: 88)، ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ۲۳)، شهر سوخته I (Tosi, 1984: 123) می‌توان مشاهده کرد.

کامیار عبدی با پیشنهاد ترک واژه‌ی «دوره» و در عوض استفاده از «افق آغازایلامی» برای این محدوده‌ی زمانی، افق را برای این محدوده زمانی به‌کار می‌برد (Abdi, 2003: 150). افق آغازایلامی با یک سیستم نگارشی، هنر مهنر سازی و دیگر داده‌های ساختار مدیریتی پیچیده‌ی بدون خاستگاه بین‌النهرینی است؛ زیرا برای مثال، سفالی که در لایه‌های آغازایلامی شوش (لایه‌های ۱۶ تا ۱۳) به چشم می‌خورد، با سفال معاصر با آن در بین‌النهرین تفاوت دارد (Pittman, 1997: 135). به گفته‌ی «پیرامیه»، قرارگیری فلات مرکزی ایران به‌عنوان شاهراه تجاری با تمدن‌های آسیای میانه و دسترسی به منابع بسیار شمال افغانستان پیشرفت دوچندان این پیشه را به‌دنبال دارد که وی از آن با عنوان «عصر تجارت» یاد می‌کند. اوج این دوره از نگاه آمیه، اوایل هزاره‌ی سوم است که سرتاسر فلات ایران را دربر می‌گیرد. از این رو پیشرفت تعاملات تجاری در ایران هم‌زمان با پدیده‌ی «آغازایلامی» است (Ameit, 1979: 169). دوره‌ی آغازایلامی، فرهنگی در قالب سیستم نوشتاری و بوروکراسی پیچیده‌ی اداری است که در دشت شوشان و سرزمین‌های بلند غرب ایران و شرق بین‌النهرین (۳۱۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م.) رخ داده است (Wright &



(Johnson, 1975: 269). آلدن نیز به نوبه‌ی خود، دوره‌ی آغازایلامی را یک «پدیده‌ی فرهنگی» گسترده (پدیده‌ی آغازایلامی) در سراسر سرزمین ایران می‌داند که از ۳۳۰۰ تا ۲۸۰۰ ق.م. به مدت ۵ قرن ادامه می‌یابد (Alden, 1982: 613). پیدایش سیستم نگارشی در ایران دارای ابهامات بسیاری بوده و شاید در ۳۳۰۰ ق.م. جدای از دگردیسی سیستم اداری و پیدایش نگارش در بین‌النهرین آغاز شده و در ۳۰۰۰ ق.م. به پایان رسیده است (Englund, 2004: 102). پژوهش‌های اخیر، گویای این است که حکومت آغازایلامی، حکومتی خانسالاری بوده و این مردم براساس داده‌های تپه سفالین اقوامی کوچ‌رو، با مرکزیت مکانی تل ملیان در جنوب شرق ایران بوده‌اند (حصاری و یوسفی‌زشک، آبان‌ماه ۱۳۸۹: نشست نظریه‌پردازی، دانشگاه آزاد ورامین-پیشوا).

بیشتر تعاریف بالا از پدیده‌ی آغازایلامی، به ساختار تشکیلات اداری خلاصه شده و به روند اقتصاد معیشتی، ساختار اجتماعی، سیاسی و مدیریتی دوره‌ی آغازایلامی از ۳۲۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م. می‌پردازد.

مس و سنگ جدید I و II در زاگرس مرکزی (۳۶۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م.)

این دوره براساس کاوش‌های گودین و دربرگیرنده‌ی فازهای: گودین VII (حسین‌آباد)، گودین VI (چشمه‌نوش) و گودین V می‌باشد. سفال‌های خشن، بدون پوشش با تمپر گاه و پخت ناکافی درصد قابل توجهی از سفال‌های فاز حسین‌آباد را تشکیل می‌دهد. بدنه‌ی این سفال‌ها دارای خمیدگی ملایمی به سمت داخل بوده و دارای کف معقرمی باشند. وجود ردیفی از تزیینات ریز دورتادور بدنه و دو دسته در قسمت لبه از دیگر ویژگی‌های شاخص این سفال‌ها می‌باشد (Levine & Young, 1987: 73).

گونه‌ی دیگری از سفال‌های شاخص این دوره سفال، در اصطلاح باستان‌شناسی ایران، گونه‌ی «S» نامیده می‌شود که از لحاظ شکل ظاهری شباهت زیادی به سفال‌های توصیف شده دارد. با این تفاوت که برخلاف آن‌ها دارای پوشش و پرداخت نهایی می‌باشد. در فاز بعدی این دوره (چشمه‌نوش) از مقدار سفال‌های خشن کاسته شده و سفال‌های ظریف منقوش جایگزین آن‌ها می‌گردد (همان). برخلاف تمامی نواحی زاگرس که با پایان دوره‌ی مس و سنگ میانی و شروع دوره‌ی مس و سنگ جدید در نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ۴ ق.م. با



شکل ۴. نمونه سفال‌های منقوش (BOB) حیوانی گودین VI (Gopnik & Rothman, 2011: 79, Fig: 4.6).

کاهش چشمگیر استقرارها مواجهند (Abdi, 2003; Henrickson, 1991). فرضیه‌ایی که برای کاهش تعداد محوطه‌ها در سراسر منطقه‌ی زاگرس با پایان دوره‌ی مس‌وسنگ میانی و شروع دوره‌ی مس‌وسنگ جدید می‌توانسته به‌علت کاهش زندگی مبتنی بر کشاورزی و یک‌جانشینی و تأکید بیشتر بر زندگی کوچ‌روی بوده (Henrickson, 1985a)، می‌تواند به‌مورد منطقه‌ی مورد نظر (ملایر) نیز تعمیم داد. البته در این دوره، تعدادی از استقرارها نیز در دشت دیده شده که دارای انباشت‌های چندین متری از رسوبات این دوره بوده و نمی‌تواند به‌عنوان استقرارهای کوچ‌رو و موقت فرض شود. در پایان الگویی که می‌تواند برای استقرارهای دوره‌ی مس‌وسنگ جدید منطقه‌ی ملایر پیشنهاد کرد، روند روبه‌کاهش تعداد روستاهای یک‌جانشین در مقاسیه با افزایش تعداد استقرارهای کوچ‌رو و موقت است.

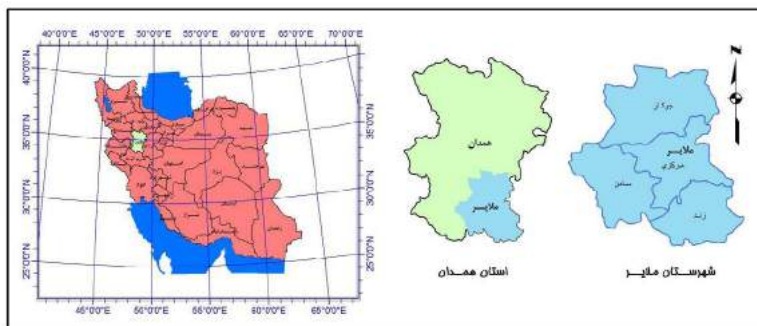
موقعیت جغرافیایی دشت ملایر

استان همدان دارای ۷ شهرستان است که ملایر بزرگ‌ترین شهرستان و وسعتی حدود ۳۲۱۰ کیلومتر مربع دارد. این شهرستان شامل چهار شهر: ملایر، سامن، زنگنه و ازندریان و چهار بخش: مرکزی، جوکار، زند و سامن است. شهرستان ملایر در ۴۸ درجه و ۴۹ طول جغرافیایی و ۳۴ و ۱۷ دقیقه‌ی عرض جغرافیایی قرار دارد و از شمال به همدان، از شرق به اراک، از جنوب به بروجرد و از طرف غرب به شهرهای تویسرکان و

شکل ۴. نمونه سفال‌های منقوش (BOB) حیوانی گودین VI (Gopnik & Rothman, 2011: 79, Fig: 4.6).

تاریخ پیش از میلاد	جنوب غرب ایران	ژاکوس مرکزی	فلات مرکزی	بین‌النهرین	قبل از میلاد
۳۷۰۰-۴۰۰۰		گودین VIII	حصار Ic سپک-5-III3	اوروک قدیم	۴۰۰۰
		گودین VII, VI:3	قبرستان II چشمه علی II		۳۸۰۰
۳۴۰۰-۲۶۰۰	شوش II	گودین VI:2	سپک III5-7 قبرستان III- IV چشمه علی III حصار IIa	اوروک میانه (۲۶۰۰-۳۴۰۰)	۲۶۰۰
۳۲۰۰-۲۴۰۰	جدید IIa	گودین VI:1, V	سپک IV1 میون آباد	اوروک جدید (۲۴۰۰-۳۲۰۰)	۳۲۰۰
۳۱۰۰-۲۳۰۰	کپ فرهنگي	-	کپ فرهنگي		۲۲۰۰
۲۹۰۰-۳۱۰۰	جدید IIb	گودین V	سپک IV2 تپه یحیی IVc حصار IIb تپه سلطانین	جنت نصر (۳۱۰۰-۲۹۰۰)	۳۱۰۰
	آغا ایلامی				۲۹۰۰

نهباند محدود شده است. ارتفاع متوسط این شهرستان از سطح آب‌های آزاد ۱۷۸۰ متر و فاصله‌اش از همدان ۸۶ کیلومتر است. پوشش گیاهی شهرستان ملایر از نوع استپ کوه‌پایه‌ای است. ملایر از نظر آب و هوایی، در مرز آب و هوای معتدل کوهستانی و نیمه‌بیابانی ایران قرار گرفته و خصوصیات هر دو نوع آب و هوا را داراست. متوسط بارندگی سالیانه‌ی آن به ۲۴۲/۲ میلی‌متر می‌رسد. دشت میان‌کوهی ملایر^۲ معبر طبیعی بین دشت‌های میان‌کوهی لرستان، همدان و کرمانشاه با ویژگی‌ها و قابلیت‌های خاص اقلیمی‌اش، پتانسیل لازم شرایط مساعد زیست‌محیطی جهت استقرار جوامع انسانی را دارا می‌باشد.



نقشه ۲. وضعیت جغرافیایی شهرستان ملایر در استان همدان بر روی نقشه ایران (نگارندگان).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

دشت ملایر، در حاشیه‌ی شرقی زاگرس مرکزی، دره‌های کم وسعت است و رودها و نهرهایی که آن جاری هستند، عموماً از برف و باران فصول مرطوب سال تغذیه می‌شوند و در فصل تابستان که گیاهان نیاز به آب دارند، یا کلاً خشک می‌شوند، یا آب آن‌ها به حداقل میزان آب‌دهی می‌رسند. مهم‌ترین رودخانه‌ی شهرستان ملایر، رودخانه‌ی «حرم‌آباد» (که از حوضه‌ی آبریز گاماسی‌آو به‌شمار آمده) که سرشاخه‌های آن از کوه‌های راسوند اراک و کوه‌های جنوبی بخش زند (مانند: رودهای کلان، اردک‌لو، چشمه‌علی محمد) سرچشمه گرفته و پس از عبور از روستاهای این بخش و پیوستن شاخه‌هایی از اطراف آن به شهر ملایر می‌رسد و سپس در اطراف شهر نهداند به رود گاماسی‌آو پیوسته و سرانجام به رود کرخه می‌ریزد (جعفری، ۱۳۸۵: ۳-۱۶۱)، (نقشه ۴).

تحولات فرهنگی دوره‌ی مس‌وسنگ جدید در دشت ملایر

بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در دوره‌ی مس‌وسنگ جدید دشت ملایر وضعیت مناسب اقلیمی موجب گسترش بیشتر زیستگاه‌ها در غرب ایران گردید؛ به‌طوری‌که حتی زیستگاه‌هایی از این دوره در ارتفاع ۲۰۰۰ متری نیز شناسایی شده‌اند، اما در اواخر این دوره، یعنی مس‌وسنگ جدید (حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م. نوعی کاهش محسوس زیستگاه‌ها در منطقه به‌وجود آمد. مطالعات اخیر به‌روشنی نشان می‌دهد در این مقطع زمانی نوعی تغییر بافت‌های استقراری پراکنده به‌سوی شکل‌گیری نوعی الگوی خطی در حاشیه‌ی رودخانه‌ی گاماسی‌آو به‌سوی غرب زاگرس مرکزی مشاهده می‌شود (سعیدی‌هرسینی، ۱۳۸۵: ۵۱۵). این بدان معناست که احتمالاً اندکی فشار محیطی و یا بروز خشک‌سالی‌های کوتاه مدت که از خصیصه‌ی ذاتی اقلیم زاگرس است، عملاً جمعیت ساکن در دوره‌ی میانی مس‌وسنگ را وادار نمود تا با تغییر در استراتژی معیشتی خود از دامداری و کشاورزی دیم به‌سوی کشاورزی آبی در دلتاها و حواشی رودخانه‌ها جابه‌جا شوند و این درست هم‌زمان با رواج شیوه‌ی کشت آبی در غرب ایران است که منشاء آن از ده‌لران دوره‌ی سبز و چغامامی در مرزهای غربی زاگرس با بین‌النهرین گرفته شده بود؛ شاید به‌واسطه‌ی مهاجرت یا پدیده‌ی انتشار این شیوه‌ی نوین که در واقع پاسخی سیستماتیک

به پیامدهای ناشی از خشک‌سالی در زاگرس بود، به‌عنوان یک شیوه‌ی مهارکننده انتخاب گردید. در چنین فضایی کاهش محسوس جمعیت بومی در مناطق حاشیه‌ای مرتفع و کوهستانی اتفاق می‌افتد و این خود می‌توانسته برای قومی که به تدریج در حال اشغال مناطق کم‌سکنه و یا خالی از سکنه بوده‌اند، فضایی بسیار مناسب به وجود آورده باشد (مترجم، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

نفوذ دوره‌ی مس و سنگ جدید (درب‌گیرنده دوره‌ی اوروک میانه، جدید و دوره‌ی آغاز ایلامی) در غرب با دو محوطه‌ی کلیدی گیان (نهبوند) و گودین (کنگاور) بر پایه‌ی مطالعات دقیق و گسترده شناسایی گردیده است. اما با صورت گرفتن بررسی‌های روشمند شهرستان ملایر در سال‌های اخیر (بختیاری، ۱۳۸۷) و (جانجان، ۱۳۹۱) محوطه‌هایی از دوران مس و سنگ جدید در ملایر شناسایی و ثبت گردیده که در پیچه‌ی جدیدی از استقرارهای دوران آغازنگارش را برای محققین ایجاد کرده است. در این پژوهش‌ها محوطه‌هایی از دوران مس و سنگ جدید (آغازنگارش) در ملایر مورد شناسایی قرار گرفته است که موج حرکت، دادوستد و گسترش استقرارهای اواخر هزاره‌ی ۴ ق.م. را به سمت غرب و بخش‌هایی از نواحی شرق زاگرس مرکزی (همدان) را نشان می‌دهد. با بررسی‌های صورت گرفته در دشت ملایر؛ ۷ محوطه مربوط به دوران مس و سنگ جدید از بخش زند (جانجان، ۱۳۹۱) و ۹ محوطه از بخش سامن (بختیاری، ۱۳۸۸) شناسایی شده است (جدول ۲).

در تفسیر این محوطه‌ها وضعیت مناسب اقلیمی موجب گسترش بیشتر زیستگاه‌ها در ارتفاع ۲۰۰۰ متری و فراتر از آن نیز شناسایی شده‌اند، این امر در بخش زند بیشتر از بخش سامن خودنمایی می‌کند. محوطه‌های مس و سنگ جدید در بخش زند در ارتفاع بین ۱۸۸۹ تا ۲۲۳۰ متر از سطح دریا قرار گرفته، اما در مقایسه با بخش سامن ارتفاع، کمی پایین‌تری یعنی؛ در ارتفاع بین ۱۶۶۲ تا ۲۱۳۳ متر از سطح دریا قرار دارند که نشان از مساعد بودن اقلیم جغرافیایی زاگرس و حتی حرکت و کوچ عمودی در این دوره بوده است (جدول ۲). اما در این دوره (یعنی حدود ۳۶۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م.) نوعی کاهش محسوس زیستگاه‌ها در منطقه‌ی زاگرس و حتی در سایر نقاط استقرار این دوره به وجود آمد. در تفسیر این نکته‌ی اقتصاد مبتنی بر کوچ‌روی و عمق کم ارتفاع آثار محوطه‌های دوره‌ی مس و سنگ جدید رویکرد بهتری برای پاسخ به این سوال است.

جدول ۲. محوطه‌های شناسایی شده از دوره‌ی مس‌وسنگ جدید (اوروک-آغازایامی) دشت ملایر (نگارندگان).

تعداد	نام محوطه	مکان قرار گیری شهر	وسعت (مترمربع)	ارتفاع از سطح دریا (متر)		دوره استقراری
				N	E	
-	گودین	کنکاور گودین	۵۵۰۰۰	۳۴۳۰۷۸	۴۸۵۵۰۳۴	مس و سنگ قدیم، میانی، جدید، فرغ قدیم، دوران عصر آهن
-	گیان	نهادند گیان	۵۲۵۰۰	۳۴۱۰۵۲	۴۸۱۴۳۸۵	مس و سنگ تا دوران عصر آهن
۱	تپه چهار چشمه I	ملایر زند	۵۷۶۰	۳۲۳۰	۳۷۴۴۴۸	مس و سنگ جدید، الماسی
۲	تپه چهار چشمه II	ملایر زند	۴۴۴	۲۲۳۷	۳۷۴۵۱۱	مس و سنگ میانی و جدید
۳	محوطه کلان‌سیر	ملایر زند	۶۵۰۰	۳۰۱۷	۳۷۷۵۰۷	مس و سنگ میانی و جدید
۴	تپه سنگ‌پایین	ملایر زند	۶۰۰۰	۱۹۴۴	۳۷۸۱۱۶۵	مس و سنگ قدیم، میانی، جدید، الماسی
۵	تپه قلعه نو	ملایر زند	۱۷۰۰۰	۱۹۵۹	۳۷۶۷۰۱	مس و سنگ قدیم، میانی، جدید، فرغ قدیم، آهن، الماسی
۶	تپه زغالی	ملایر زند	۱۸۲۰۰	۲۱۱۲	۳۷۲۲۳۰۹	مس و سنگ قدیم، میانی، جدید، فرغ قدیم، آهن، الماسی
۷	تپه مهدویه II	ملایر زند	۶۷۵۰	۱۸۸۹	۳۷۳۳۳۵۰	مس و سنگ میانی و جدید، الماسی
۸	تپه زیر فرودگاه	ملایر سامن	۲۸۲۵	۱۶۴۲	۲۷۲۶۵۳۸	مس و سنگ قدیم، میانی، جدید، فرغ قدیم
۹	تپه دهنو I	ملایر سامن	۷۶۵۰	۱۶۸۵	۲۷۳۹۲۵	مس و سنگ میانی و جدید، فرغ
۱۰	تپه پیری	ملایر سامن	۱۶۰۰۰	۱۶۹۵	۲۷۹۳۶۲	مس و سنگ جدید، فرغ قدیم
۱۱	تپه چغا خانون	ملایر سامن	۵۰۰۰	۱۶۸۸	۲۷۰۴۲۲	مس و سنگ جدید
۱۲	تپه باویی	ملایر سامن	۵۸۰۰	۱۶۴۶	۲۶۵۸۰۴	مس و سنگ جدید، فرغ، آهن
۱۳	تپه چغا گز	ملایر سامن	۸۹۴۵	۱۶۲۰	۲۶۵۲۸۶	مس و سنگ جدید، فرغ
۱۴	تپه ضربه علی	ملایر سامن	۶۳۰۰	۲۱۱۲	۲۹۲۱۷۸	مس و سنگ جدید، فرغ
۱۵	تپه چون کاروان	ملایر سامن	۱۵۰۰۰	۱۹۹۵	۲۸۶۰۰۵	مس و سنگ جدید، فرغ، آهن، الماسی
۱۶	تپه آسلیه	ملایر سامن	۱۱۵۵۰	۱۹۱۲	۲۸۷۶۶۲	مس و سنگ جدید، الماسی، ساسلی



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

در بحث تحلیل نفوذ فرهنگ اوروکی در دشت ملایر، می‌توان حضور سفال‌های لبه‌واربخته که شاخص‌ترین نوع سفال این دوران است را بیان داشت که به‌وفور در محوطه‌های مس‌وسنگ جدید در ملایر مشاهده می‌شوند. از نکته مشخصات حضور آثار فرهنگ اوروکی، می‌توان حضور سفال‌هایی را که در شرق زاگرس مرکزی (همدان) با نام سفالینه‌های گودین V, VI, VII را اشاره کرد که در محوطه‌های این دوره یافت گردیده و نشان از نفوذ فرهنگ اوروک و تأثیرات گسترده‌ی گودین V, VI, VII در بخش‌های مختلف نواحی شرقی زاگرس مرکزی و هم‌افق بودن با این فرهنگ و دوره را عنوان کرد. همان‌گونه که اشاره گردید، در تفسیر این موضوع، می‌توان گودین و گیان را با قرارگیری در مسیر حرکت کوچ‌روها و همچنین پل ارتباطی در مسیر دادوستد اقتصادی به سمت بخش‌هایی از زاگرس مرکزی و نواحی شرقی و شمالی آن دانست و از این دو محوطه می‌توان به‌عنوان هسته‌ی اصلی در غرب نام برد. در این پدیده، گیان و گودین را به‌عنوان محدوده‌ی هسته‌ی مرکزی و محوطه‌های پیرامونی این دو محوطه را برهم‌کنش‌های فرهنگی این دو محوطه معرفی کرد.

در بخش زند شهرستان ملایر باید از دو محوطه، بر اساس آثار فرهنگ اوروکی و وسعت آن‌ها، به‌عنوان شاخص‌ترین محوطه‌های این دوره نام برد؛ این دو محوطه عبارتند از: تپه ذغالی و تپه قلعه‌نو (نقشه ۱).



نقشه ۱. نقشه هوایی محوطه‌های شاخص مس‌وسنگ جدید زاگرس مرکزی و دو محطه‌ی شاخص ملایر (نگارندگان).

تپه ذغالی

با وسعت ۱۸۲۰۰ متر مربع، در ارتفاع ۲۱۱۲ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد، این محوطه بیشترین وسعت را در بین محوطه‌های دیگر، در بین محوطه‌های دوران مس‌وسنگ جدید را به خود اختصاص داده است. در این محوطه نفوذ و حضور سفال‌های گودین VII, VI, V شناسایی گردیده است. در بین سفال‌های فرهنگ اوروکی تپه ذغالی سفال‌های لبه‌وارپخته (شکل ۵)، سفال‌های پایه‌دار منقوش حیوانی با رنگ سیاه روی نخودی (BOB)، (شکل ۷ و ۶) مشاهده می‌شوند که مَهر تأیید بر هم‌افق بودن با گودین VII, VI, V است. این تپه از جمله تپه‌های ملایر است که آثار دوره‌ی پیش‌ازتاریخ (مس‌وسنگ قدیم) تا دوره‌ی تاریخی (اشکانی) را به‌طور پیوسته در خود دارد و با توجه به فراوانی و تنوع



شکل ۵. سفال لبه‌وارپخته‌ی (اوروکی) به‌دست آمده از تپه ذغالی (جانجان، ۱۳۹۱: ۵۰۸).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

گونه‌های سفالی این دوره‌ها در گاهنگاری و پراکندگی استقرارهای این دوران در ناحیه‌ی کوهستانی ملایر بسیار حایز اهمیت است. در تپه ذغالی سفال‌های دوره‌ی مس‌وسنگ و تمامی گونه‌های سفال Red Slip, BOB و تنوع سفالینه‌های ساده، منقوش نخودی و قهوه‌ای روشن تا تیره با نقوش قهوه‌ای و سیاه شناسایی شده است. همچنین سفال‌های شاخص عصر مفرغ قدیم و جدید از نوع سفال یانیق با دسته‌های حلقوی نخجوانی و سفال گودین III منقوش نیز در سطح به‌وفور یافت می‌شود. از حضور آثار عصر آهن می‌توان به سفال‌های خاکستری ساده‌ی تیره و روشن با فرم‌های زاویه‌دار و لاله‌ای شکل آهن I اشاره کرد. در گونه‌شناسی اولیه‌ی آن‌ها به‌نظر می‌رسد، عمده آثار استقرار در این تپه نیز مربوط به دوره‌ی مفرغ و آهن باشد. سفال‌های شاخص دوره‌ی اشکانی این محوطه نیز شامل گونه‌هایی از لبه‌های خم‌ه و سبوه‌های بزرگ با تزیین‌کننده و قطعاتی از سفال کلینکی ظریف است که در سطح تپه و زمین‌های مجاور آن یافت می‌شوند.



شکل ۶. سفال منقوش (BOB) حیوانی به‌دست آمده از تپه ذغالی (جانجان، ۱۳۹۱: ۵۰۸).

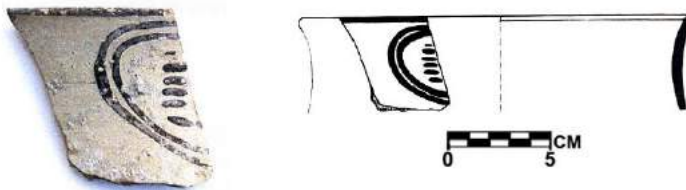


شکل ۷. پایه‌ی سفالی منقوش (BOB) به‌دست آمده از تپه ذغالی (جانجان، ۱۳۹۱: ۵۰۸).

تپه قلعه‌نو

قلعه‌نو با وسعت ۱۷۰۰۰ مترمربع، در ارتفاع ۱۹۵۹ متر از سطح آب‌های آزاد قرار دارد؛ این محوطه بعد از تپه ذغالی، بیشترین وسعت را نسبت به دیگر محوطه‌های دوران مس و سنگ جدید بخش زند را به خود اختصاص داده است. در این محوطه نیز نفوذ و حضور سفال‌های گودین V, VI, VII مشاهده می‌گردد.

با توجه به شواهد سطحی، آثاری از استقرار گسترده طیف دوران مختلف (مس و سنگ قدیم تا دوره‌ی اشکانی) را نشان می‌دهد. این تپه به نام قلعه‌نو، نام خود را از روستای قلعه‌نو گرفته و به نظر می‌رسد خود روستا به واسطه‌ی این تپه بزرگ به نام قلعه‌نو خوانده می‌شود. در سطح تپه پراکندگی سفال‌های متنوعی از دوره‌ی کامل مس و سنگ، تمامی گونه‌های سفال Red Slip, BOB و تنوع زیادی از سفالینه‌های ساده و منقوش نخودی (شکل ۸) و قهوه‌ای روشن تا تیره با نقوش قهوه‌ای و سیاه وجود دارد؛ علاوه بر آن سفال‌های شاخص عصر مفرغ قدیم و جدید از نوع سفال یانیق و سفال گودین III در سطح به وفور یافت می‌گردند. از عصر آهن می‌توان به سفال‌های خاکستری آهن I اشاره کرد. سفال‌های شاخص دوره‌ی اشکانی این محوطه قطعاتی از سفال کلینکی ظریف است که در سطح تپه تراکم بسیار زیادی دارد.



شکل ۸. سفال منقوش (BOB) حیوانی به دست آمده از تپه قلعه‌نو (جانجان، ۱۳۹۱: ۳۱۳).

نتیجه‌گیری

با نگاهی به موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی ملایر در ناحیه‌ی شرقی زاگرس مرکزی متوجه موقعیت بینابینی این منطقه با مناطق همجوار (کنگاور-گودین، جنوب غرب-شوش و حتی فلات مرکزی ایران-سیلک) خواهیم بود. توالی پیش‌ازتاریخ استقرارهای این مناطق در طی بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت پذیرفته تا حد زیادی مشخص شده است. این منطقه از نظر الگوهای استقرار و گونه‌های



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و تاریخ
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



سفالی از متأثر از گودین است. ملایر در دوره‌ی مس و سنگ جدید با روند کاهش استقرارها مواجه است، ولی در کنگاور استقرارها در این دوره افزایش می‌یابد. با این وجود شباهت الگوی استقراری ملایر در دوره‌ی مس و سنگ جدید، گونه‌های شاخص سفالی سطح محوطه‌های این دوره را متأثر از کنگاور نشان می‌دهد. کاوش‌های لایه‌نگارانه همراه با نمونه‌برداری تعدادی از آثار این دوره، به‌خصوص تپه‌زاغه و تپه قلعه‌نو که لایه‌های دوره‌های نوسنگی جدید(?)، مس و سنگ قدیم، میانی و جدید تا دوره‌ی تاریخی (اشکانیان) را دارا است، نه تنها کمک شایانی در روشن شدن دقیق تأثیرات فرهنگی هریک از دوره‌های مورد بحث در ملایر را ترسیم خواهد کرد؛ بلکه تاریخ شروع و پایان دوره‌ی مس و سنگ جدید منطقه را که هنوز به‌درستی مشخص نشده است را روشن می‌سازد. با شروع دوره‌ی مس و سنگ قدیم شاهد افزایش بی‌شمار محوطه‌ها در ماهیدشت بوده و این درحالی‌ست که در کنگاور یک محوطه از این دوره گزارش شده است. در دوره‌ی مس و سنگ میانی و به‌ویژه مراحل آغازین این دوره، فرهنگ‌های یک‌دست‌تری در منطقه رایج می‌شود. هر دو حوزه‌ی (کنگاور و ملایر) به بیشترین تراکم استقراری رسیده و از نظر سنت‌های سفالی، شباهت ویژه‌ایی به چشم می‌خورد؛ با شروع دوره‌ی مس و سنگ جدید باز هم شرایط تغییر می‌یابد، در کل منطقه‌ی زاگرس شاهد کاهش چشم‌گیر استقرارها هستیم که ملایر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با کاهش تعداد استقرارها روبه‌رو شده است. در پایان براساس این شواهد، می‌توان منطقه‌ی مورد بحث در این پژوهش (دشت ملایر) تحت تأثیر منطقه‌ی کنگاور (گودین) در شرق در زاگرس مرکزی به‌شمار آورد.

پی‌نوشت

1. Proto – Elamite.

۲. ملایر دارای ۳ مسیر دره‌ای و ورودی است. نخست، دشت نوشیجان و دره‌ی جوارک است که ملایر را به همدان متصل می‌کند. دوم، دره‌ی سامن است که با عبور از کنار کوه علمدار و نقاره‌خانه کریدور ورودی نهاوند به بروجرد است (با گذر از کنار کوه سفیدکوه از نهاوند به همان مسیری منتهی می‌شود که سامن را به بروجرد می‌رساند و سپس با گذر از دشت میانکوهی نهاوند، همسو با رودخانه‌ی «گاماسیاب» از «پیروزان» و همجوار با کوه تاریخی طبل‌خانه به کرمانشاه می‌رسد.) سوم، دره‌ی دیگر است که از سوی دیگر کوه «علمدار» و پس از گذشتن از کوه «سَرده» به گوراب، زنگنه و سپس به توره‌ی اراک می‌رسد.

کتابنامه

- بختیاری، ذبیح الله (۱۳۸۸)، «گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر بخش جوکار». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، جلد ۱ و ۲ (منتشر نشده).

- بلمکی، بهزاد؛ و مترجم، عباس (۱۳۸۸)، «گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان بهار». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- پرو. ژان. دلفوس (۱۳۷۶)، شوش و جنوب غرب ایران. ترجمه‌ی هایده اقبال، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش، نشر انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

- جانجان، محسن (۱۳۹۱)، «گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر بخش زند و مرکزی». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، جلد ۱ و ۲ (منتشر نشده).

- رستم‌پور، رضا (۱۳۹۰)، «تعاملات فرهنگی، تجارت و پیدایش جوامع پیچیده در اواخر هزاره‌ی چهارم و اوایل هزاره‌ی سوم قبل از میلاد در فلات مرکزی ایران». پایان‌نامه برای دریافت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد گرایش باستان‌شناسی (پیش از تاریخ)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی، تابستان (منتشر نشده).

- سرداری زارچی، علیرضا (۱۳۸۴)، «فن مدیریت اداری و شکل‌گیری جوامع پیچیده در جنوب غرب ایران در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

- سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی حوضه‌ی رودخانه‌ی گاماسیاب در دوران مس سنگی». پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی. تهران (منتشر نشده).

- سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ چایچی، احمد؛ و طلایی، حسن (۱۳۸۷)، «گزارش مقدماتی بررسی استقرارهای عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه‌ی گاماسیاب)». مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۲، دوره، ۵۷، ص. ۱۸۰.

- عبدی، کامیار (۱۳۷۷)، «گسترش فرهنگ اوروک». مجله‌ی



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و تاریخ
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۱ (شماره‌ی اول و دوم)، شماره‌ی پیاپی ۲۱ و ۲۲.

- عزیززاده، عباس (۱۳۸۷)، شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان. تهران.

- قرخلو، مهدی؛ و امیریان، سهراب (۱۳۸۲)، «سیستم اطلاعات جغرافیایی و کاربرد آن در باستان‌شناسی». مجله‌ی نامه انسان‌شناسی، بهار و تابستان، شماره‌ی ۳، صص: ۱۶۷-۱۷۸.

- گیرشمن، رومان (۱۳۷۹)، سیلک کاشان. ترجمه‌ی اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

- مترجم، عباس (۱۳۹۰)، «نشانه‌هایی از یک مهاجرت قومی به شمال غرب و غرب ایران در هزاره‌ی سوم ق.م. در پرتوکاوش‌های باستان‌شناسی». فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)، شماره‌ی ۱، دوره‌ی اول، پاییز و زمستان، صص: ۱۳۷-۱۴۶.

- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۹)، نخستین و دومین فصل حفریات باستان‌شناختی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ (۱۳۷۷-۱۳۷۸). پژوهش‌کنده باستان‌شناسی، سلسله گزارش‌های مقدماتی، شماره‌ی ۱. - مظفری، احمد (۱۳۸۴)، «تپه گیان». مجله‌ی رشد آموزش تاریخ، شماره‌ی ۱۹، تابستان، صص: ۶۱-۶۴.

- نظری‌ارشد، رضا (۱۳۸۶)، «گزارش فصل نخست بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش گل‌تپه و مرکزی شهرستان کبودرآهنگ». آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).

- ویت، مری؛ و دایسون، رابرت (۱۳۸۲)، گاهنگاری ایران از حدود هشت هزار تا دوهزار پیش از میلاد. ترجمه‌ی اکبر پورفرج و احمد چایچی، نشر نسل باران.

- یانگ، کایلر (۱۳۴۷)، «گزارش کاوش‌های گودین تپه». ترجمه‌ی مجید وهرام، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، مرداد و آبان، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶، صص: ۲۲۵-۲۴۲.

- یوسفوند، نسیم (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل پراکنش استقرارهای دوره‌ی مس‌وسنگ دشت ملایر». پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی‌ارشد در رشته باستان‌شناسی گرایش پیش‌تاریخ، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (منتشر نشده).
- یوسفی زشک، روح الله (۱۳۸۹)، «پیدایش نهادهای پیش حکومتی در فلات مرکزی ایران؛ خانسالارهای آغازیلامی در تپه سفالین-پیشوا». رساله دکترای تخصصی، باستان شناسی-پیش از تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- یوسفی زشک، روح الله (۱۳۹۰)، «گزارش لایه نگاری محوطه‌ی میمنت آباد-رباط کریم» (منتشر نشده).

- Abdi, K., (2003), "The Early Development of Pastoralism In The Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4.

- Alden, J. R., (1982), "Trade And Politics In Proto-Elamite Iran." In: *Current Anthropology*, Vol. 23, No. 6, December, 613 – 640.

- Alden, J. R., (1982), "Market Exchange As Indirect Distribution: An Iranian Example", In Ericson, J. E And Earle, T (Eds.), *Contexts For Prehistoric Exchange*, New York, Academic Press, 83-101.

- Algaze, G., (1989), "The Uruk Expansion: Cross Cultural Exchange In Early Mesopotamian Civilization", *Current Anthropology* 30, 571-608.

- Alizadeh, A., (2009), "Prehistoric Mobile Pastoralists in South-Central And Southwestern Iran In Nomads, Tribes & State In Ancient Near-East", Edited By: Jeffery Szuchman, Pp. 129-145. *Oriental Institute Seminars* No. 5. Chicago: The Oriental Institute of The University of Chicago.

- Englund, R. K., (2004), "The State of Decipherment of Proto-Elamite." In: S. Houston, Ed., *The First Writing: Script Invention As History And Process* (Cambridge, UK: Cambridge University Press) 100 – 149.

- Ghirshman, R; (1938), *Fouilles De Sialk*, Volume I. Paris: Geuthner.

- Gopnik. H & Rothman. M, (2011), *On The High Rod: The History of Godin Tepe of Iran*, Bibliotheca Iranica, Archaeology, Art And Architecture, Series, No, 1.

- Henrickson, E. F. (1991), "Chalcolithic Era". In: *Encyclpaedia Iranica*, E, Yarshter (Ed) Vol. V, Fasc. 4, Costa Mesa, California: Mazda



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و مینا‌نگار
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز-زمستان
۱۳۹۷

Publishers. Pp. 347-353.

- Henrickson, E. F., (1985a), "The Early Development of Pastoralism In The Central Zagros Highlands (LuriStan)", *Iranica Antiqua* 20, 1985a, Pp. 1-42.

- Lamberg-Karlovsky, C. C., (1970), *Excavation At Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, American School of Prehistoric Research, Bulletin, 27, Peabody Museum, Harvard University.

- Levine, L. D., & Young, Jr., T. C., (1987). "A Summary of The Ceramic Assemblages Of The Central Western Zagros From The Middle Neolithic To The Late Third Millennium B.C." In: *Pr'Ehistoire De La Mesopotamia: La Mesopotamia Prehistories Et Exploration Recent Du Djebel Hamrin, E' Ditions De La Centre National De La Recherche Scientifique*, Paris, Pp. 15-53.

- Pittman, H., (1997), "The Administrative Function of Glyptic Art In Proto – Elamite Iran: A Survey of The Evidence". *Sceaux D'orient Et Leur Employ. Res Orientales*. Vol. X: 133 – 153.

- Potts, D., (1999), *The Archaeology of Elam: Formation And Transformation of An Ancient Iranian State*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Potts. D. T., (1999), *The Archaeology of Elam* (Cambridge, UK: Cambridge University Press).

- Preucel, R. W., & Hodder. I., (1996), *Process, Structure and History*, In Preucel, R.W.

- Rothman, M., (2001), *Uruk Mesopotamia And Its Neighbors: Cross-Cultural Interactions and Their Consequence In The Era of State Formation*. Santafe SAR Press.

- Scheil, V., (1905), *1900 Textes Elamites-Semitique (Memories De La Delegation En Perse 2; Paris, France: Ernest Leroux) Document En Ecriture Proto-Elamite (MDP 6)*. Parise: Leroux. 1923 Textes De Comptabilite Proto-Elamites (Memories De La Delegation En Perse 17; Paris.

- Scheil, V., (1905), *Documents En Ecriture Proto-Elamite (MDP6)*. Paris: Leroux.

- Tosi, M., (1979), *The Proto-Urban Cultures of Eastern Iran And The Indus Civilization: Notes And Suggestions For A Spatial-Temporal Frame To Study The Early Relationship Between India And Iran*, In *Taddei. M (Ed), South Asian Archaeology 1977, Serries Minor 6*,

Istituto Universitario Orientale Seminario Di Studi Asiatici, Naples, 149-71.

- Tosi, M., (1984), "The Notion of Craft Specialization And Its Representation In The Archaeological Record of Early States In The Turanian Basin", In Spriggs, M(Eds.), *Marxist Perspective In Archaeology*, Cambridge University Press, Cambridge, 22-53.

- Wright, H. T. & Johnson, G., (1975), *Population, Exchange And Early State Formation In Southwestern Iran*, American Anthropologists, 77, 267-89.

- Young, T. C. Jr., (1969), *Excavations At Godin Tepe. First Progress Report Occasional Papers No: 17 Art And Archaeology* Toronto.

- Young, T. C. Jr. & Levine, L. D., (1974), *Excavation of The Godin Project: Second Progress Report Occasional Papers No: 26 Art And Archaeology*, Toronto.



BASTAN SHENAKHT
SPECIAL SCIENTIFIC
BIANNUAL JOURNAL
Special Scientific Biannual
Journal Academic Institute
of Archaeology University
of Mohaghegh Ardabili

VOL. 5, NO. 8

Autumn-Winter

2019

8



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و تاریخ
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

اندیشه‌ی ایران‌شهر در سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی

ساره پور شعبانیان

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

زهرا پور شعبانیان

دکتری تخصصی باستان‌شناسی اسلامی

Zahra_pourshabanian@yahoo.com

از صص: ۴۱-۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

چکیده

اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری، یکی از عوامل تداوم حیات سیاسی و فرهنگی ایران زمین به‌شمار می‌رود و تأمل جدی درباره‌ی هویت تاریخی و فرهنگی ایرانیان از مجرای تحلیل تداوم اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری قابل فهم‌تر است. رکن اصلی اندیشه‌ی ایران‌شهری که از جایگاه معنوی و ویژه‌ای در جهان بینی اعتقادی و آرمان‌گرایی سیاسی جامعه‌ی ایرانی برخوردار است، نهاد شاهی یا شهریاری است که مهم‌ترین مشخصه‌ی آن در اندیشه و خرد سیاسی ایرانی نیروهای ماورای طبیعی شهریاری و تأیید الهی او است. این اندیشه به دوره‌ی اسلامی نیز انتقال یافت و تأثیرات خود را بر این دوره نیز گذاشت. یکی از دوره‌هایی که این اندیشه نمود بیشتری در آن پیدا کرد دوره‌ی سلجوقی است. خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر مقتدر سلجوقیان که هم در زمینه‌ی سیاست عملی و هم در زمینه‌ی نظری حضور فعالی در این دوره داشت با نگارش سیاست‌نامه براساس الگوی ایران باستان، ارکان اندیشه‌ی ایران‌شهری را مجدداً رونق بخشید، و با این تدبیر تأثیر بسزایی در ارتباط بین دین و دولت ایجاد نمود.

کلیدواژگان: ایران‌شهر، سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک، سیاست‌نامه.

مقدمه

خواجه نظام‌الملک، به‌عنوان وزیر و نویسنده‌ی سیاست‌نامه، با بهره‌گیری از اندیشه‌ی ایران‌شهری، زمینه‌ی مشروعیت بخشی در حکومت ترکان سلجوقی را به‌وجود آورد. این اندیشه که الگوی حکومتی ایران باستان محسوب می‌شود، با بقا و تداوم ساختار حاکمیت با توجه به مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ارتباط است. خواجه نظام‌الملک کوشش نمود، تا جایی که امکان پذیر بود، فرمانروایان جدید را ادب و آداب فرمانروایی ایران‌شهری بیاموزد. خواجه نظام‌الملک، با آشنایی از فرهنگ اساطیری ایران، شالوده‌ی اندیشه‌ی سیاسی نوین خود را پایه‌گذاری نمود، و در آن عناصری از آرمان‌خواهی ایران‌شهری را با واقع‌گرایی سیاسی دوره‌ی اسلامی و عصر چیرگی ترکان بر ایران زمین جمع کرد. آن چه در این اقدام نظام‌الملک دارای اهمیت است، کوشش موفق وی در گسست از اندیشه‌ی سیاسی خلافت و شریعت‌نامه‌هاست. در حقیقت سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی، نوعی تفسیر اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری بود که درنهایت اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری را از جنبه‌ی آرمانی آن جدا و به نظریه‌ی مطلقه‌ی موجود در دوره‌ی اسلامی تبدیل کرد. خواجه نظام‌الملک در فصول گوناگون سیاست‌نامه به اهمیت برقراری عدالت و کارآمدی دیوان و دستگاه حکومت در برآورده کردن نیازها و حاجات مردم تأکید دارد، و به‌طور ویژه بر آگاهی کامل حاکم از احوال رعیت تأکید می‌کند و تدبیر سیاسی پادشاه درباره‌ی مسائل مملکت را به‌شکل مصداقی با بیان انواع حکایت‌ها مورد بحث قرار می‌دهد. بیش از سی‌ونه فصل سیاست‌نامه با تأکید بر اسلوب کلی اندیشه‌ی سیاسی ایران‌شهری نگاشته شده است. فصول انتهایی نیم‌نگاهی به زمانه‌ی سلجوقیان و بنیان سست و ناستوار حکومت آنان دارد و نیز خروج اسماعیلیه را در قالب نقدهای مستتر در حکایات سیاست‌نامه بازگو کند و شاه را به تأمل وادار کند. در این مقاله سعی شده نگاهی اجمالی به مفهوم ایران‌شهر در ایران باستان و تأثیرات آن در اندیشه‌ی خواجه نظام‌الملک طوسی گردد.

پادشاه آرمانی در دین زرتشتی

براساس قانون مینوی در دین زرتشت، اهورامزدا سرچشمه‌ی راستی و ضمیر پاک است؛ همه‌ی اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای مخالف



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
 باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
 نشریه‌ی انجمن علمی
 گروه باستان‌شناسی
 دانشگاه محقق اردبیلی
 زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
 شماره‌ی هشتم
 دوره‌ی پنجم
 پاییز و زمستان
 ۱۳۹۷

اشا (راستی)، برای انسان زیان‌آور است (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۸). جلوه‌ی بهترین‌اشه، بهترین راستی، پاکی و عدالت است (وارنر، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۵). و چیزی که فروغ آدمی را آلوده می‌کند و انسان را به سوی بدی‌ها می‌کشانند، گناه است. گناه باعث دور شدن انسان از خیر و نیکی می‌شود، آنان که درخشش‌های اخلاقی در وجود خود را خاموش می‌کنند، به انگره‌مینو می‌پیوندند و در تباهی غوطه‌ور می‌شوند (ناس، ۱۳۷۰: ۴۵۸). انسان مختار است میان اندیشه‌ی نیک و بد، یکی را انتخاب کند؛ در عین حال، زرتشت تأکید دارد که انسان در زندگی سه اصل-پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک- را شعار خود قرار دهد، و هر زمان که انسان بر مبنای سرشت اصلی خود (نیکی و راستی) رفتار کند روان و خردش با روان و خرد کل یگانه و متحد می‌گردد. این مفاهیم نشانگر این نکته است که انسان در اندیشه، گفتار و کردار نیک باید از خرد مقدس یاری بجوید و اساس زندگی خود را بر مبنای راستی بنیان نهد. بر اساس تعالیم آیین مزدیسنا، همان‌گونه که اهورامزدا بر جهان قدسی نظم می‌بخشد، به همان ترتیب، در سلسله‌مراتب پایین‌تر، یک قدرت متمرکز نیز بر زمین نظم و امنیت برقرار می‌کند؛ این قدرت متمرکز شاهی است که وظیفه‌ی وی برقراری نظم بر روی زمین است. امشاسپند شهریور (حَشَثَرَه وَئیریه)، جلوه‌ی قدرت، نیرو، تسلط بر خویشتن، شهریاری و سلطنت مطلوب است (گیمن، ۱۳۷۵: ۲۴۵)؛ شهریور در عالم مینوی (روحانی) نماینده‌ی سلطنت ایزدی، فرّ، اقتدار و سیطره‌ی خداوند است (آموزگار، ۱۳۸۴: ۱۷)؛ شهریور، نماد سلطنت پُر قدرت و توانا در زمین است که شکوه و استقرار خود را از اراده‌ی آفریدگار یافته است (مدرس‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۶۷)؛ حکومتی که پناه درویشان است و با چیرگی بر نیروهای بد و مخرب، حکومت را از آسیب آنان نگاه می‌دارد (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۳۳). در بُندهش آمده است؛ شهریور را کار آن است که عدل و داد در دل پادشاهان دهد، پیوسته پادشاهان را عادل نگاه دارد، و هر پادشاه که عادل بود دوست شهریور است (عقیقی، ۱۳۷۴: ۵۶۸). ایزد (ملک) در قرآن کریم و ایزد شهریور در اساطیر ایرانی، هر دو نمادی از فرمانروایی مطلق خداوند بر زمین و بهشت الهی هستند؛ حکومت‌های مورد آرزویی که بر اساس عدالت، برجیده شدن نیروهای شر، توانایی رزمی، لشکری و یاوری بر ستمدیدگان بنا شده‌اند و از تنعم، برکت و فزونی برخوردارند (مدرس‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۷۰).



فرّه ایزدی در شهریاران

در ابتدای یشت نوزدهم، فرّه‌ی ایزدی چنین تعریف شده است: فرّه، فروغی است ایزدی، به دل هرکه بتابد از همگان برتری یابد. از پرتو این فروغ است که کسی به پادشاهی رسد، برازنده‌ی تاج و تخت گردد و آسایش گستر و دادگر شود و همواره کامیاب و پیروزمند باشد (یشت‌ها، ۱۳۴۷، ج ۲: ۳۱۵). مفهوم کهن «فر» پس از اسلام در تفکر اشراق پذیرفته شد. «فر» با حفظ هسته‌ی مفهومی اولیه‌ی خود وارد حیطه‌ی عرفان شد و با عبور از این گذرگاه ذهنی و در انطباق با بینش اصولی آیین جدید، کالبد و هیئتی مورد قبول یافت. از سوی دیگر «فر» نمادی از نفس غیب بین در اندیشه‌ی سهروردی است. این نفس در صورت نمادین جام جم به تجسم درمی‌آید. «فر» از سوی دیگر، در این نظام فکری نورسکینه یا نورمحمدی است که تابش آن تمامی پیامبران را دربر می‌گیرد و وجه ممیزه‌ی این برگزیدگان عالم قدس، خواه پادشاه و خواه پارسا و خواه نیرومند است (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۴۹). خداوند این نیروی ایزدی را به کسی عطا می‌کند که قابلیت درخواست آن را داشته باشد، و برای به‌دست آوردن آن به تمام وظایف اخلاقی و معنوی و اجتماعی خود عمل کرده، دل او محمل این نیرو قرار گرفته و صاحب اقتدار و بصیرت می‌شود. مهم‌ترین جلوه‌ی بروز و ظهور این نیرو، در پادشاهان است. «جمشید» نمادی از شهریاران پیشدادی است که جلوه‌گر فرّه ایزدی به‌شمار می‌آید. دوران پادشاهی وی عصر طلایی حکومت در ایران باستان نام‌گذاری گردیده است. در هنگام پادشاهی او خوراک و آشام، فاسد نشدنی بود، جانوران و مردمان هر دو، فناپذیر بودند، آب‌ها و گیاهان هر دو، خشک نشدنی بود. در هنگام پادشاهی او، نه باد گرم می‌وزد و نه باد سرد می‌وزد. کسی پیرو فرتوت نمی‌شود، پدر و فرزند هر دو چون جوان پانزده ساله به‌نظر می‌آیند. مرگ وجود ندارد، جهان این چنین سرشار از آرامش و سعادت بود، پیش از این که او دروغ گوید و عصیان نسبت به پروردگار روا دارد. اما وقتی دروغ گفت، از تأکید الهی و موهبت فرّه‌ی ایزدی بی‌بهره شده فرّاز او آشکارا به پیکر مرغی (وارغن) بیرون رفت. فرّ، در سه نوبت از جمشید می‌گسلد، بخش اول را مَهر دریافت می‌کند که بر همه‌ی سرزمین‌های اهورایی تسلط می‌یابد؛ دومین بخش نصیب فریدون می‌شود که بر آژی‌دهاک پیروز می‌گردد و سومین بخش را گرشاسب دلاور که ازدهای شاخ‌دار و



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

زیانبخش را نابود می‌کند، نصیب می‌برد. به این ترتیب، با از دست رفتن فر، جمشید نمایندگی خداوند و فرمانروایی خود را از دست می‌دهد و اژی دهاک (ضحاک) سه پوزه‌ی زشت نهاد، بنا به روایت یشت‌ها بروی و ایران مسلط شده، ظلم و ستم آغاز می‌شود، و دوران شادی و بی‌مرگی پایان می‌پذیرد (آموزگار، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۵).

اندیشه‌ی ایرانشهری، نشأت گرفته از اعتقاد به فره‌ی ایزدی است و در اندیشه‌ی ایرانیان به پادشاهان و اقوام ایرانی تعلق داشته و چنان‌که در یشت‌ها آمده است «این فرّ همیشه از آن ایرانیان بوده و تا ظهور سوشیانت و دامنه‌ی رستاخیز از ایران روی برنخواهد تافت» (یشت‌ها، ۱۳۴۷، ج ۲: ۳۱۵).

پادشاه آرمانی از نگاه فردوسی در شاهنامه

در شاهنامه‌ی فردوسی مفهوم کاملی از فره‌ی ایزدی و ویژگی‌های شاه آرمانی ایران باستان وجود دارد. در شاهنامه، همچون یشت‌ها شرط اساسی و لازم برای پادشاهی ایران، داشتن فره‌ی ایزدی ذکر گردیده است؛ کسی کو بود شهریار زمین
هنر باید و گوهر و فرّ و دین
کسی را دهد تخت شاهی
که با فرّ و برزاست و باهوش و رای خدای (شاهنامه).

شهریار نیک، کسی است که به دین مزدیسنا و قانون آن، اشته گرویده و این عنصر را در خود درونی کرده باشد. مهم‌ترین و نخستین ویژگی پادشاهی نیک، پیوند وی با دین است. پادشاه خوب، تجلی‌گر روح خداوند بوده، نمادی از اقتدار و حاکمیت وی در روی زمین است. وظیفه‌ی اوست که مظاهر آفرینش، دین خوبی و شادی پیروانش را گسترش دهد؛ زیرا این تمایل و آرزوی خداوند برای همه‌ی انسان‌ها است (هینلز، ۱۳۸۸: ۹۸). در شاهنامه نیز، از مسئولیت خطیر پادشاه که همان اقامه‌ی دین و داد است، ابیات زیادی آورده شده است. در شاهنامه، کیومرث اولین پادشاه صاحب فرّ معرفی شده است؛ وقتی فرّ ایزدی، از کیومرث می‌تابد، تمام موجودات از دد و دام مطیع او می‌شوند. پس از او، هوشنگ، نخستین پادشاه پیشدادی، با استفاده از فرّ، آهن را از سنگ جدا و آهنگری پیشه می‌کند. پس از هوشنگ،



فرّ به طهمورث، و پس از وی به جمشید می‌پیوندند. او با فرّ کیانی، جهانیان را فرمانبردار خود می‌کند. پس از پیوستن فرّ به خاندان کیانیان که اولین آنان کی قباد است، بالاخره فرّ به کیکاوس می‌رسد، اما اعمال نابخردانه‌ی وی باعث می‌شود که فرّ او تیره شده و سرزمین ایران رو به ویرانی نهد. فره به ترتیب به شاهان سلسله‌های مختلف ایران می‌رسد و هریک با استفاده از آن به جهانگردی و جهانگشایی می‌پردازند. اصل گسست فرّ از شاه ناراست، مشخص می‌کند که بقا و تداوم فرّ تا زمانی است که از سامان مقرر کیهان یا همان اشته، عدول نکرده باشند؛ گسسته شدن فرّ جمشید به علت دعوی خدایی، و کیکاوس به علت بی‌خردی و موارد مشابه، همه نشان از این دارد که دوام و بقای پادشاهی از پیش تعیین شده و قطعی نیست و هر لحظه با پیمودن راه خلاف و ناراستی و عدول از حق، فرّ از ایشان جدا شده و در این صورت مردم نیز دیگر شاه را برگزیده و نماینده‌ی خدا نمی‌دانند، و علیه وی و بیدادگری‌هایش شورش می‌کنند. در نگاه فردوسی؛ مظهر رحمت ایزدی، شاه نیک و فرهمند، است که به واسطه‌ی فرّه خود جهان را از آلودگی، ستم و کینه‌ها پاک کرده و شر و دشمنی را به صفا و آشتی تبدیل کرده است و همه در صلح و صفا زندگی می‌کنند و صلح جهانی ایجاد می‌شود (فردوسی، ج ۸ و ۹).

خواجه نظام الملک طوسی

«ابو علی حسن بن علی بن اسحاق توسی»، ملقب به «خواجه نظام الملک» در قریه‌ی رادکان توس در خانه‌ای دهقانی به دنیا آمد (قادری، ۱۳۷۸: ۱۲۴). وی در کودکی مقدمات علوم اسلامی را همچون زبان عربی و قرآن خواند و در یازده سالگی به فقه و حدیث و سایر علوم شرعیه و فنون ادبی فارغ شد و فاضلی عالم و دبیری توانا گشت و اعمال دیوانی پرداخت و در بلاد خراسان، هرچند صباحی در خدمت امیری به سربرد. در بیست و یک سالگی با انحطاط سلطنت و هجوم ترکمانان سلجوقی به خراسان، خواجه در خدمت سلجوقیان به ناچار وارد شد و در آن دوره بحرانی و پُر التهاب کار سیاسی خود را آغاز نمود. تا قبل از ظهور سلجوقیان دولت دودمان‌های ایرانی و حتی تُرکان غزنوی، زودگذر و مستعجل بود و تنها سلجوقیان بودند که با گسترش متصرفات خود، وحدت ملی ایران را ممکن ساختند (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۹).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵-۴۰۸ ه.ق.)، وزیر برجسته‌ی سلاطین سلجوقی از کسانی است که در هر دو سیاست نظری و عملی کار کرده است. خواجه نظام‌الملک در مدت بیست‌ونه سال و هفت ماه و کسری وزارت در زیر دست آلبارسلان و ملکشاه در اداره‌ی امور و فتح بلاد و سرکوبی مخالفین این دو پادشاه چنان کفایت و حسن تدبیر به خرج داد که دولتی وسیع از حلب گرفته تا کاشغرا تحت امرایشان آورد و نام و نشان آن دو سلطان را در شرق و غرب عالم معلوم آن زمان، جاری و ساری کرد تا آنجا که باید قسمت عمده‌ی شهرت و پیشرفتی را که در کارها نصیب آلبارسلان و ملکشاه شده از برکت خردمندی و کاردانی خواجه دانست (طوسی، ۱۳۴۷: مقدمه).

سیر الملوک جلوه‌گاه اندیشه‌ی سیاسی خواجه نظام‌الملک طوسی

خواجه نظام‌الملک، شخصیتی علمی و عرفانی بود که با در نظر گرفتن مشکلات عدیده‌ی حکومت سلجوقیان اعم از: گرایش به عدم تمرکز و نتایج مترتب بر آن، مانند: تغییر مکرر پایتخت و ایجاد مراکز مختلف قدرت، تجاوز فزاینده‌ی طبقه‌ی نظامی به تمام سطوح فعالیت‌های کشاورزی، ناتوانی دیوان سالاری و تشکیلات کشوری در ارائه‌ی راه حل مناسب جهت برون‌رفت از چهارچوب سنتی حکومت ترکان، اعمال سلطه به بازوان حکومت در مراکز و ایالات شدت یافتن جنگ‌های داخلی در درون مرزهای اسلامی و جنگ‌های صلیبی در مرزهای غیر امپراتوری، اسماعیلیه‌ی نزاری و فعالیت چشمگیر آنان در الموت، اصفهان و قهستان است. شرایط ویژه‌ی حاکم بر جامعه، پس از تسلط ترکان با سنن خاص قبیله‌ایی آنان که در تعارض کامل با سنت رایج پادشاهی ایرانی بود، خواجه نظام‌الملک را ترغیب به تألیف کتابی ارزشمند که نتیجه‌ی سی سال تجربیات وی می‌باشد، نمود؛ تا بتوان مهم‌ترین مسأله‌ی پیش‌آمده در عرصه‌ی حکومت، یعنی نحوه‌ی مشروعیت‌بخشی و گزینش حاکم و حدود و اختیارات وی را مشخص و تبیین نماید (کلوزنز، ۱۳۶۳: ۴۷). مطالب موجود در کتاب سیاست‌نامه به‌طور کلی به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود: ۱. پند و اندرز و توصیه‌هایی که در تمام فصول به‌جز فصل‌های ۴۴-۴۷ خطاب به سلطان پیرامون مسائل مختلف مملکتی آمده است. ۲. حکایات، اخبار، احادیث و آیاتی که در تأیید پند و اندرزهای اولیه ذکر شده است.



مفهوم ایران‌شهر در سیر الملوک

در آغاز کتاب، چنین آمده است: «ایزد تعالی اندر هر عصری و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیند و او را به هنرهای پادشاهانه ستوده و آراسته گرداند و مصالح جهان و آرام بندگان بدو باز بندد و در وزیری نیامد. فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند و هیبت و حشمت او در دل‌ها و چشم خلایق بگستراند تا مردمان اندر عدل او روزگار می‌گذرانند و آمن همی باشند و بقای دولت او می‌خواهند» (طوسی، ۱۳۴۷: ۱۱).

- از دیدگاه نظام الملک، گزینش پادشاه از سوی خداوند صورت می‌گیرد، سپس فضایل پادشاهی در وی جمع می‌گردد. مسئولیت خطیر پادشاه که همان اقامه‌ی دین و داد است، تا عدل و امنیت برای خلایق به وجود آورد و آرامش بندگان در سایه‌ی آن، بقای دولت وی خواهند؛ بنابراین مشروعیتی که وی برای پادشاه در نظر می‌گیرد همچون نظریه‌ی فره ایزدی، برگزیدگی توسط خداوند است، اما پس از گزینش، این خداوند است که فضایل را در پادشاه متبلور می‌سازد. در ادامه‌ی عبارات آمده است: «چون العیاذ بالله از بندگان عصیان استخفافی بر شریعت و یا تقصیری اندر طاعت و فرمان‌های حق تعالی پدید آید و خواهد که بدیشان عقوبتی رساند و پاداش کردار ایشان را بچشانند... هر آینه از شومی عصیان، خشم و خذلان حق تعالی بدان مردمان در رسد، پادشاهی نیک از میان ایشان برود و شمشیرهای مختلف کشیده شود و خون‌ها ریخته آید و هر که را دست قوی تر هر چه خواهد همی کند، تا آن گناهکاران همه اندر میان فتنه‌ها و خون‌ریزش هلاک شوند... و از جهت شومی این گناهکاران، بسیاری از بی‌گناه در آن فتنه نیز هلاک شوند» (همان: ۱۱-۱۲).

- بنابراین چه پیش‌تر ذکر شد، در اندیشه‌ی ایران‌شهری آن چه موجب خشم خداوند و تباهی جهان می‌شود، عصیان پادشاه است؛ اما با توجه به این عبارت، در دیدگاه خواجه نظام الملک، عصیان و تقصیر بندگان است که خشم خداوند را بر می‌انگیزد و مردمان را مستوجب عقوبت می‌سازد، در نتیجه پادشاهی نیک از بین رفته و به جای آن فتنه و فساد ایجاد می‌شود (همان: ۱۲). ضمن آن‌که در اندیشه‌ی ایران‌شهری، بقای دولت به اعمال و رفتار پادشاه بستگی دارد و توصیه‌ایی برای دعای مردم جهت بقای آن ذکر نشده است. نزد ایرانیان باستان، یکی از الزامات مهم شاهی، اصل و نسب ایرانی است (یشت‌ها، ۱۳۴۷، ج ۲: ۳۱۵).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و تاریخ
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



در حالی که نظام‌الملک، ملک‌شاه را چنین توصیف می‌کند: «خداوند عالم شاهنشاه اعظم را از دو اصل بزرگوار، که پادشاهی و پیش‌روی در خاندان ایشان بود و پدر بر پدر همچین تا افراسیاب بزرگ، پدید آورد و او را به کرامت‌ها و بزرگی‌ها که ملوک جهان از آن خالی بودند، آراسته گردانید. پس آنچه بدان حاجت باشد، ملوک را از دیدار خوب و خوی نیکو و عدل و مردانگی و دلیری، و سواری و دانش و به کار بستن انواع سلاح، و راه بردن به هنرها، و شفقت و رحمت کردن بر خلق خدای عزوجل، و وفا کردن نذرها و وعده‌ها و دین درست و اعتقاد نیکو و دوست داشتن طاعت ایزد تعالی، لاجرم ایزد تعالی بر اندازه‌ی شایستگی و اعتقاد نیکو، او را دولت و مملکت داد و همه‌ی جهان را مسخر او گردانید و هیبت و سیاست او به همه‌ی اقالیم رسانید تا جهانیان خراج‌گذار اویند و به تقریبی که بدو می‌کنند از شمشیر او امن‌اند» (همان: ۱۳).

- نظام‌الملک، یکی از دو اصل بزرگوار که برای ملک‌شاه به‌عنوان برتری یاد می‌کند؛ رساندن نسب وی تا افراسیاب تورانی است که هرچند از نسل فریدون محسوب می‌شود (پادشاهی و پیش‌روی در خاندان ایشان بود، و پدر بر پدر همچین تا افراسیاب بزرگ، پدید آورد). اما کیکاوس، شهریار غیر ایرانی است؛ همچنان که در یشت‌ها ذکر شده است، از جمله نیروهای اهریمنی و شاهان بد محسوب می‌شود که فرّ متعلق به ایرانیان، از وی گریزان است و او پس از سه بار تلاش جهت به‌دست آوردن آن ناکام می‌ماند، و در شاهنامه نیز به‌عنوان شاه بی‌فر و بداندیش و تباهی‌آور معرفی شده است (یشت‌ها، ۱۳۴۷، ج ۲: ۳۴۱-۳۴۳). به نظر نمی‌رسد که فرّ مورد نظر وی، همان الزاماتی را داشته باشد که فرایزدی دوران باستان از آن برخوردار بوده است؛ زیرا ایرانی بودن، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرّه ایزدی است. نظام‌الملک، در ادامه پس از ذکر صفات ملک‌شاه، جهان را مسخر او می‌داند تا جهانیان خراج‌گذار او باشند و از شمشیر او ایمن؛ در حالی که، مطابق اندیشه‌ی سیاسی ایران باستان، جهان مسخر شاه می‌شود تا جهان و جهانیان در سایه‌ی عدالت پادشاه، به داد و رفاه روزگار بگذرانند و عالم، آباد شود. در جمله‌ی آغازین کتاب «تا مردمان اندر عدل او بگذرانند»، تقریباً همین منظور از بیان وزیر اعظم سلجوقی، استنباط می‌شود. و ایمنی از شمشیرش به میزان نزدیکی به وی، عنوان می‌کند.

- نکته‌ی قابل توجه در اندیشه‌ی خواجه نظام‌الملک این است که

پادشاهان و حاکمان اعم از نیک و بد، نزد پروردگار، به میزان عدلی که در میان مردمان به کار می‌بندند حساب و عقاب دارند: «پادشاهان را نگاه داشت رضای اوست عزاسمه، و رضای حق تعالی، اندر احسانی که با خلق کرده شود و عدلی که میان ایشان گسترده آید، بسته است. چون دعای خلق به نیکویی پیوسته گردد، آن ملک پایدار بود و هر روز به زیادت باشد و آن ملک از دولت و روزگار خویش برخوردار بود و بدین جهان نیکونامی و بدان جهان رستگاری یابد و حسابش آسان تر باشد که بزرگان گفته‌اند: الملک ببقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم. (معنی آن است که ملک با کفر پدید و با ستم و ظلم نیاید)، (طوسی، ۱۳۴۷: ۱۵).

- از دیدگاه نظام الملک، حکمرانان با هر مقامی که باشند خارج از حسابرسی حق تعالی نیستند و البته بازخواست و حسابرسی خدا بر میزان عدالت فرمانروا صورت می‌پذیرد؛ در حالی که در اندیشه‌ی ایران‌شهری، شاه فرهمند عین نیکی و خوبی و نماینده‌ی اهورایی خداوند بر روی زمین است، با وجود آنان جهان به نیکی درمی‌آید. در متون دینی پهلوی و حتی شاهنامه‌ی فردوسی تا وقتی که شاه مطابق آیین مزدیسنا عمل می‌کند و صاحب فرّ است، پادشاهان مطابق این آیین، در صورتی مورد عذاب و عتاب حق تعالی قرار می‌گیرند که به خاطر اعمال ناپسند، فرّ از آنان جدا گردد، در این صورت حقانیت حکومت خود را از دست می‌دهند، و مورد قهر و عذاب خداوند قرار می‌گیرند.

- حکایت‌های زیر نشان می‌دهد در اندیشه‌ی خواجه نظام الملک، حکمرانانی چون «یوسف نبی» نیز از حساب و کتاب آن دنیا معذور نیستند.

«یوسف پیغامبر (صلوات الله علیه و سلامه) چون از دنیا بیرون رفت، می‌آوردند او را تا حظیره‌ی ابراهیم علیه السلام تا او را نزد پدران خود دفن کنند. جبرئیل علیه السلام آمد و گفت: "هم اینجا بدارید که این جای او نیست که او را جواب ملکی که رانده است به قیامت بیاورد." پس چون حال یوسف پیغمبر ایدون باشد، بنگر تا کار دیگران چگونه باشد» (همان: ۱۵).

- امیران نیک از دیدگاه سیرالملوک، هرچند خصال نیکو دارند، اما آنان جدا از دایره‌ی قهر و لطف خدا کلکم راع و کلکم مسئول نیستند، و از آنان حساب و کتاب می‌شود و باید پاسخ به قیامت دهند و حتی کسی چون یوسف پیامبر علیه السلام مستثنی از این قاعده نیست.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
 باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
 نشریه‌ی انجمن علمی
 گروه باستان‌شناسی
 دانشگاه محقق اردبیلی
 زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
 شماره‌ی هشتم
 دوری پنجم
 پاییز و زمستان
 ۱۳۹۷



و یا در خبر چنین آمده است: «از پیغمبر ﷺ که هر که را روز قیامت حاضر کنند (از کسانی که ایشان را بر خلق حکمی و فرمانی بوده باشد) دست‌های او بسته بود. اگر عادل بوده باشد، عدل دست‌های وی گشاده کند و به بهشت رساند و اگر و هم در ظالم بوده باشد، جورش همچنان دست بسته با غل‌ها او را به دوزخ افکند» (همان: ۱۶).

«خبر است که روز قیامت هر که او را بر کسی فرمانی بوده باشد در این جهان، بر خلق یا بر مقیمان سرای و برزیردستان خویش، او را بدان سؤال کنند و شبانی که گوسفندان نگاه داشته باشد جواب از او بخواهند» (همان: ۱۶).

خواجه نظام الملک، هدف خود را از آوردن این حکایات مشخص می‌کند: «خداوند عالم (ملکشاه)، بدانند که اندر آن روز بزرگ جواب این خلیق که زیر فرمان اویند، از او خواهند پرسید و اگر به کسی حوالت کند نخواهند شنید. پس چون چنین است باید که ملک این مهم به هیچ‌کس باز نگذارد و از کار خلق غافل نباشد و چنان‌که تواند آشکارا و نهان احوال ایشان برمی‌رسد و دست‌های دراز از خلق کوتاه می‌کند و ظلم ظالمان از ایشان باز می‌دارد، تا برکات آن در روزگار دولت او می‌رسد» (همان: ۱۶-۱۷).

این جملات نشان‌دهنده‌ی دغدغه‌ی وزیر از ناامنی و بی‌عدالتی‌هایی است که پس از تسلط قبایل صحراگرد با آن مواجه شده است. حکایت‌های بیان شده در سیرالملوک پند و نصیحت به ملکشاه و حاکمان سلجوقی برای برقراری عدالت و امنیت، است. - در سیرالملوک، نظیر این حکایت‌ها در مورد شاهان ایران باستان نیز آورده می‌شود، پادشاهان ایران نیز، جز با اقامه‌ی عدل و داد از حساب آن دنیا مصون نیستند، و هدف آنان از مظالم نشستن بی‌واسطه با رعایا احتیاط از بهر جواب آن جهان است.

«در کتب پیشینیان که بیشتر از ملکان عجم دو کاهی بلند بساختندی و بر پشت اسب بر آنجا بایستاندی تا متظلمان که در آن صحراگرد شده بودند همه را بدیدندی و داد هر یک بدادندی (همان: ۱۸).

تمام این احتیاط‌ها را ملوک عجم برای رعایت عدل در میان رعایا، از بهر جواب آن جهانی کرده‌اند تا چیزی برایشان پوشیده نگردد» (همان: ۱۹).

خواجه نظام‌الملک، نسبت به ملوک ایران باستان، به‌ویژه انوشیروان، نظر بسیار مثبتی دارد؛ از قول انوشیروان می‌گوید: «تا دانسته باشی، پادشاهان همیشه در حق ضَعفا اندیشه‌ها داشته‌اند و در کار گماشتگان و مقطعان و غلامان احتیاط کرده‌اند از بهر نیک نامی این جهان و رستگاری آن جهان. و هر دو-سه سالی عمال و مقطعان را بدل باید کرد تا ایشان پای سخت نکنند و حصنی نسازند و دل مشغولی ندهند و با رعایا نیکوروند و ولایت آبادان بماند» (همان: ۵۵).

در حکایتی دیگر، انوشیروان به موید چنین می‌گوید: «هیچ گناهی نیست نزدیک خدای تعالی بزرگ‌تر از گناهان پادشاهان، و حق‌گزاردن ایشان نعمت ایزد تعالی را، نگاه داشتن رعیت است و داد ایشان دادن و دست ستمکاران از ایشان کوتاه کردن. پس چون شاه بیدادگر باشد، لشکر همه بیدادگر شوند و خدای را فراموش کنند و کفران نعمت آرند. هر آینه خذلان و خشم خدای در ایشان رسد، و بس روزگار برنیاید که جهان ویران شود و ایشان به سبب شومی گناهان همه کشته شوند و ملک از آن خانه تحویل کند» (همان: ۵۷-۵۸).

- در این حکایت خواجه نظام‌الملک؛ بزرگ‌ترین گناه شه‌پاران را ضایع کردن حق رعایا عنوان می‌کند که خشم و غضب خداوند را برمی‌انگیزد، و جهان را به نابودی می‌کشاند.

خواجه نظام‌الملک، سعی می‌کند با گزینش عدل، امنیت لازم را که باعث رفاه و آبادانی رعیت و پادشاه است را به وجود آورد، که به «چرخه‌ی عدالت» یا «دایره‌ی قدرت» معروف شده، که از اندیشه‌های ایران باستان است و در کتب اسلامی به کرات از آن نام‌برده شده است. - در روایت‌هایی مانند روایت زیر می‌توان استنباط نمود؛ همچون نظریه‌ی فره ایزدی عدل حاکم نه تنها انسان‌ها، بلکه حیوانات را نیز فرا می‌گیرد.

«عبدالله عمر بن خطاب، به وقت بیرون رفتن پدرش از دنیا، پرسید که (ای پدر ترا کی ببینم؟) گفت (بدان جهان) (گفت زودتر می‌خواهم) گفت شب اول یا شب دوم یا شب سوم مرا در خواب می‌بینی. عبدالله عمر بن خطاب بعد از دوازده سال از مرگ پدرش، او را در خواب می‌بیند و به وی می‌گوید که مگر نگفته بودی پس از سه شب تو را در خواب می‌بینم؟ گفت: ای پسر مشغول بودم، ... پولی (پلی) ویران شده بود و گماشتگان تیمار آبادان آن نداشته بودند. گوسفندی را بر

آن پول (پل) دست به سوراخی فرو شد و بشکست، تا اکنون جواب آن می‌دادم» (همان: ۱۶).

- نظام‌الملک، در حکایت عصیان و سرکشی یعقوب لیث صفاری علیه خلیفه‌ی عباسی، دلایل مشروعیت خلیفه را از زبان وی، چنین بیان می‌کند: «یعقوب عاصی شده است... هر آن کس که بر خلیفه‌ی رسول خدای عزوجل مخالف شود، با رسول خدای عزوجل خلاف کرده باشد و هر کس که سر از طاعت رسول ﷺ بیرون برد، همچنین باشد که سر از طاعت خدای تعالی بیرون کشیده باشد و از دایره‌ی مسلمانی بیرون شده باشد، چنان‌که خدای تعالی در محکم کتاب خویش "اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" می‌گوید (همان: ۲۲).

با ذکر آیه‌ی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول؛ که مورد استناد تقریباً اکثر فقها و بزرگان مسلمان جهت مشروعیت بخشیدن به فرمانروایان و حاکمان پس از پیامبر می‌باشد، وزیر اعظم سلجوقی به حیطة‌ی دانش سیاسی که مسلمین در طی چند قرن پس از پیامبر و بنابر ضروریات زمانه به آن دست یافته بودند، وارد می‌شود. این آیه که به "اولی الامر" معروف است، دستاویز اکثر اندیشمندان مسلمان جهت بخشیدن وجهه‌ی شرعی و دینی به قدرت‌های متعددی که یکی پس از دیگری سر برمی‌آورند، قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

الگوی آرمانی خواجه نظام‌الملک در پهنه‌ی کشورداری، اندیشه‌ای با سویه‌های ایرانشهری بود. سیاست‌نامه‌ی خواجه با بازپرداختی از نظریه‌ی شاهی آرمانی که بنیادی‌ترین عنصر اندیشه‌ی سیاسی ایرانشهری است، آغاز می‌شود؛ زیرا نظام‌الملک خواهان حکومتی یکپارچه و متمرکز بسان ساسانیان و پیروان آن شیوه در پس از اسلام، همچون سامانیان بود. وی از دشمنان سرسخت جریان‌های واگرا و استقلال طلب که کنش آنان به پراکندگی سامان کشور می‌انجامید، به‌شمار می‌آمد. این امر، به‌ویژه در هنگامی که تسلط ترکان می‌رود، کم‌کم بر ایران زمین تداوم یابد، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چراکه آنان به دلیل خوی قبیله‌ای و گریز از مرکز خود با هرگونه تمرکز قوایی مخالفت می‌ورزیدند و خواجه در این میان تلاش داشت تا با پشتوانه‌ی قدرت پادشاه، وزیر و سایر نهادها از قدرت قبایل تُرک بکاهد.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باشستان شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



در فصل اول سیاست‌نامه با یادآوری اهمیت عقل و خرد در حکمرانی اساس‌گزینش ماموران حکومتی را عدالت می‌شناسد. خواجه با تأکید بر این‌که آبادانی کشور شرط آسایش دو جهانی است، خواست مردم و طاعت خداوند برای حاکم را از اصول اساسی حکومت برمی‌شمارد. وی با ترسیم مصلحت‌گرایانه‌ی هستی و تبیین عمران و آبادانی کشور به مثابه روش عادلانه برای پادشاه، در واقع پرداخت دوباره مفهوم خیر و «اشه» در قالبی جدید است. خواجه‌نظام در فصول بعدی سیاست‌نامه اندر شناختن قدر نعمت ایزد تعالی ملوک را نگاشته و با بیان حکایت‌های از خلفا اهمیت شناخت قدرت خداوندی را متذکر می‌شود. خواجه در طی هر فصل با بیان حکایت‌ها و نصایح سعی در رفع مشکلات پیش‌روی حکومت دارد.

کتابنامه

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۴)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- جعفری، سعیده (۱۳۸۱)، «فرو نمادهای آن در هنر ساسانی»، مجله کتاب ماه هنر، شماره‌ی ۴۵-۴۶، صص: ۱۴۸-۱۴۹.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۴)، اصل و نسب و دین‌های ایران باستان، نشر موج، چاپ سوم.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۶۷)، درآمدی فلسفی بر اندیشه سیاسی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۴۷)، سیاست‌نامه، تصحیح: هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، تهران: انتشارات توس.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۶-۱۹۷۱)، شاهنامه، ۹ جلد، تصحیح: ی.ا. برتلس و دیگران، مسکو: انتشارات دانش.
- قادری، حاتم (۱۳۷۸)، اندیشه‌های سیاسی ایران و اسلام، تهران: سمت.
- کلونز، کارلا (۱۳۶۳)، دیوان سالاری در عهد سلجوقی (وزارت درعهد سلجوقی)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- گیمن، دوشن (۱۳۷۵)، دین ایران باستان، ترجمه‌ی رویا منجم،

تهران: انتشارات فکرروز.

- مدرس زاده، مریم (۱۳۸۰)، «بررسی تطبیقی مفهوم "ملک" در قرآن کریم با "شهریور" در اساطیر ایرانی و نقش فلز در دو آیین»، نشریه: علوم انسانی-فرهنگ، بهار و تابستان، شماره ی ۳۷ و ۳۸، صص: ۳۶۱ - ۳۷۶.

- ناس، جان (۱۳۸۶)، تاریخ جامعه ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- وارنر، رکس (۱۳۸۷)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ی ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر اسطوره، چاپ سوم.

- هینلز، جان راسل (۱۳۸۸)، اسطوره های ایرانی، مترجم: مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

- یشتها، (۱۳۴۷)، گزارش: ابراهیم پورداود، جلد ۲، تهران: انتشارات طهوری.



دوفصلنامه ی علمی-تخصصی
باستان شناسی و شناخت
نشریه ی انجمن علمی
گروه باستان شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه ی انتشار: باستان شناسی
شماره ی هشتم
دوره ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

مطالعه‌ی تغییرات بافت شهری قزوین در دوره‌ی قاجار براساس متون

شیما احمدصفاری

دکتری باستان‌شناسی گرایش اسلامی

Sh.saffari@yahoo.com

از صص: ۵۶-۴۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۰۳؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

چکیده

قزوین، از جمله شهرهایی است که به دلیل موقعیت مهم و استراتژیک خود در تمام ادوار تاریخی مورد توجه حکومت‌های مختلفی قرار گرفته و قرارگیری آن در شاهراه‌های ارتباطی ضامن حیات شهر و تداوم حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن در طی دوران گوناگون اسلامی بوده است. تا آن جا که این شهر در دوره‌ی صفویه و در زمان حکومت شاه تهماسب به پایتختی برگزیده شد و روند توسعه و گسترش شهرسازی آن در این دوره فزونی یافت، اما بعد از انتقال پایتخت در دوره‌ی صفویه وضعیت شهر روبه ویرانی نهاد و بعد از این دوره و نیز در دوره‌ی افشار در پیرامون شهر قزوین تقریباً هیچ چیز به جز روستاها و شهرهای ویران شده و روبه زوال دیده نمی‌شد. با آغاز دوره‌ی قاجار، بار دیگر امنیت و رونق تجاری در ایران به وجود آمده و با انتخاب تهران به عنوان پایتخت، قزوین نیز به علت نزدیکی با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. شهر قزوین به علت قرار گرفتن در مسیر راه رشت به تهران و نیز قرار گرفتن در مسیر جاده‌ی ابریشم بار دیگر یک دوره‌ی سازندگی جدید را تجربه می‌کند؛ به طوری که اوایل دوره‌ی قاجار بافت شهری از لحاظ ساختارهای مسکونی گسترش فزاینده‌ای داشته است. در همین دوره مهم‌ترین خیابان شهر، یعنی خیابان «سپه» محل برگزاری جشن‌های حکومتی می‌گردد و روند توسعه‌ی مجدد شهر از این نقطه آغاز می‌شود. هدف اصلی در این مقاله شناخت هویت بافت شهری قزوین در دوره‌ی قاجار است. نیل به این هدف در سایه نقل و تحلیل تاریخ و گردآوری داده‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی امکان پذیر خواهد بود.

کلیدواژگان: قزوین، بافت شهری، منابع مکتوب، قاجار.



مقدمه

در دوره‌ی قاجار بار دیگر ایران امنیت و رونق تجاری را تجربه می‌کند و قزوین نیز به جهت موقعیت خاص جغرافیایی خود و نزدیکی به پایتخت قاجارها، یعنی تهران، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و دیگر بار یک دوره از سازندگی را پشت سر می‌گذارد. در این دوره بافت شهری قزوین نسبت به دوره‌ی صفویه گسترده‌تر شده و مهم‌ترین خیابان شهر، یعنی خیابان «سپه» که در دوره‌ی صفویه محل برگزاری مراسمات حکومتی می‌گردد و در دوره‌ی قاجار نیز اهمیت خود را حفظ کرده و همچنان محلی برای برگزاری جشن‌های حکومتی بوده و نقطه‌ی عطفی برای توسعه‌ی شهر در جهات گوناگون می‌باشد. همچنین در دوره‌ی قاجار، بناهایی جدید و به سبک نوین، همانند مهمان‌خانه و مدرسه و نیز اولین دفتر تلگراف در قزوین ساخته می‌شود؛ لذا در مقاله‌ی پیش‌رو سعی بر این است تا با استفاده از متون و منابع مکتوب اولیه ساختار شهری قزوین را در دوره‌ی قاجار مورد مطالعه قرار داده و نیز بناهای ساخته شده در این دوره؛ از جمله بناهای مذهبی و غیر مذهبی، خواه به صورت واحد و خواه به شکل یک اندام مورد بررسی قرار گرفته تا در نهایت بتوان یک تصویر کلی از شهر قزوین در دوره‌ی قاجار و تغییرات ایجاد شده در این شهر را به ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه به دست آورد، برای این منظور خلاصه‌ای از وضعیت شهر از صدر اسلام تا دوره‌ی قاجار و سپس وضعیت شهر در دوره‌ی مذکور بیان می‌گردد.

برای این مهم از منابع دست اولی همچون ابن خردادبه (۱۳۰۶)، قدامه (۱۳۷۰)، بلاذری (۱۳۳۷)، خواندمیر (۱۳۸۰)، علی‌یزدی (۱۳۸۷)، حاج‌سیاح (۱۳۵۶)، اعتمادالسلطنه (۱۳۷۴)، ادیب‌الممالک (۱۳۴۹)، ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۷) و...؛ و نیز نوشته‌های سیاحان اروپایی از جمله: لیدی شل (۱۳۶۸)، بروگش (۱۳۶۷)، کارلاسرنا (۱۳۶۲) و... که در دوره‌ی قاجار از قزوین بازدید نموده و توصیفات خود را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند، استفاده شده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تاریخی است و بر دو شیوه‌ی اصلی مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز مطالعات میدانی استوار است که با ارزیابی و تلفیق منابع اسنادی و مطالعات میدانی نتایج مربوط به آن، بیان و استدلال شده است.

بافت شهر قزوین از صدر اسلام تا دوره ی قاجار

قزوین، از جمله شهرهای فتح شده توسط مسلمانان است که شواهد تاریخی و باستان‌شناختی، وجود عناصری از قبیل: حصار و دژ و مسجد که از ملزومات شهرهای اسلامی می‌باشد را در این شهر نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که جغرافی‌نویسان اسلامی از صدر اسلام تا قرون میانه از این خردادبه (۱۳۰۶) گرفته تا مستوفی (۱۳۶۲) توصیفات خود را از بافت شهری قزوین به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند و به‌وجود: دژ، حصار، مسجد و نیز بارو اشاره کرده‌اند، که به اختصار گفته‌های برخی از این مورخین ذکر می‌گردد.

روند شهرسازی و گسترش مناطق مسکونی در قزوین، پس از ورود اسلام به این سرزمین در سال ۲۴ ه.ق. شتابی دوچندان گرفت و در مدتی کوتاه به‌عنوان «باب‌الجنه» یا «دروازه‌ی بهشت» نامیده شد. در گفته‌های مورخینی مانند: ابن‌خردادبه (۱۳۰۶: ۲۱)، بلاذری (۱۳۳۷: ۳۲۹-۳۳۳)، به‌وجود حصار و دژ قزوین با نام فارسی «کشوپن» اشاره شده است. به‌وجود شارستان و حصار در بافت شهری قزوین و مسجد جامع در درون حصار شهر در متون مورخینی همچون مقدسی (۱۳۶۱، ج ۲: ۵۸۴) اشاره شده است. علاوه‌بر موارد مذکور، مقدسی به‌وجود ربضی که در آن دژی نیز هست، اشاره دارد. مورخین دیگری همچون ناصرخسرو (۱۳۷۰: ۷-۵) از باروی قزوین و بازارهای درون آن صحبت می‌کنند. قزوینی (۱۳۷۳: ۵۰۸-۵۰۴) در نیمه‌ی دوم سده‌ی هفتم هجری قزوین را شهری با دو قلعه در میان یکدیگر توصیف می‌کند که قلعه‌ی وسط را «شهرستان» می‌نامیدند. همچنین منهای سراج در زمان استیلای مغولان به‌وجود حصار بر کوهی که در حوالی شهر قزوین است اشاره داشته است (طبقات ناصری، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۸۱) و در کتاب حبیب‌السیر (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۳) از قزوین با عنوان قلعه یاد می‌شود. مستوفی (۱۳۶۲: ۷۷۹-۷۷۸) از مورخین نیمه‌ی سده‌ی هشتم هجری، علاوه‌بر حصار و بارو، از محلات نُه‌گانه‌ی قزوین یاد می‌کند. در سده‌ی نهم هجری شرف‌الدین علی‌یزدی از دیگر مورخین دوران اسلامی است و با توجه به این‌که بیشتر به بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی و جنگ‌های اتفاق افتاده در خلال این دوره پرداخته، به‌وجود قلعه‌ای در قزوین نیز اشاره می‌کند و با توجه به نوشته‌ی مورخان زمان صفوی، مانند «اسکندر منشی» این قلعه تا زمان شاه تهماسب نیز



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

وجود داشته است (علی‌یزدی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۳۴). در دوره‌ی صفویه که قزوین به پایتختی برگزیده شد، لقب «دارالسلطنه» را به خود گرفت. با انتخاب قزوین به‌عنوان پایتخت در دوره‌ی شاه تهماسب، در سال ۹۲۶ ش. / ۱۵۴۸ م. با طرحی از پیش اندیشیده شده تغییراتی در ساختار کالبدی شهر پدید آمد. در این دوره شهر به دلیل افزایش تراکم جمعیتی از نظر امکانات زندگی، به ویژه منابع آب در کمبود قرار گرفت؛ به همین دلیل با ساخت قنات‌های جدید و استفاده از آب رودخانه‌ها و تأسیس شبکه‌ی آب‌انبارها، شهر در محورهای جدیدی گسترش یافت. مرکزیت اصلی شهر که روی محدوده‌ی مسجد جامع قرار داشت، با اجرای این تغییرات به سوی شمال مسجد جامع، یعنی شبکه‌ی بازار و میدان شاه انتقال یافت؛ در واقع گسترش قزوین در این دوره در زمین‌های جعفرآباد که در شمال شهر قرار داشت و شامل زمین‌های کشاورزی می‌شد، اتفاق افتاد. قزوین مدت ۵۱ سال در دوره‌ی سلطنت شاه طهماسب، شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده و شاه عباس اول پایتخت ایران بود تا آن‌که شاه عباس در سال ۱۰۰۶ ه.ق. پایتخت را به اصفهان منتقل ساخت (ستوده، ۱۳۴۸: ۱۷۴-۱۷۳). شهر قزوین از زمانی که پایتخت به اصفهان منتقل شد، موقعیت خود را از دست داده و روبه خرابی و ویرانی می‌گذارد؛ هرچند که شاهان صفوی و جانشینان شاه‌عباس گاه‌گاهی در این شهر اقامت می‌کردند. پس از دوره‌ی صفویه و با شروع دوره‌ی افشار و نیز جنگ‌هایی که در نواحی مختلف در شهرهای ایران اتفاق افتاد، ساختار شهری در اکثر شهرها تغییرات بنیادینی نداشت. با توجه به مطالب پیش‌تر ذکر شده، قزوین پس از شاه تهماسب کم‌کم از دوره‌ی اوج خود فاصله گرفت و در طی دوره‌ی شاه‌عباس و پس از آن با انتقال پایتخت به اصفهان بیش از پیش از اهمیت آن کاسته شد. از طرفی دوره‌ی افشاریه و نیز دوره‌ی بعد از آن (یعنی زندیه)، کوتاه‌تر از آن بودند که در شهرسازی فعالیت زیادی آن‌گونه که در صفویه اتفاق افتاد، به چشم آید؛ زیرا هر کدام از این حکومت‌ها محدود به منطقه‌ی خاصی از ایران بودند و مانند دوره‌ی قبل از خود، یعنی دوره‌ی صفویه و نیز دوره‌ی قاجار که بعد از این حکومت‌ها بر سر کار می‌آیند، بر کل ساختار شهری ایران تسلط و اشراف نداشته و عمدتاً تغییر و تحولات شهرسازی آن‌ها به یک یا دو شهر خاص، همانند مشهد و شیراز محدود می‌گردد. بر طبق نقشه‌های برجای مانده از دوره‌ی صفوی پس از شاه



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

تھماسب بافت شهری قزوین تغییرات شاخصی نداشته تا جایی که با تطبیق نقشه‌های صفوی با نقشه‌های دوره‌ی قاجار، به وضوح می‌توان دریافت شهر در دوره‌ی افشار و زندیه هیچ‌گونه تغییر بنیادینی نکرده و گاهاً بناها همان ساختار و کارکرد دوره‌ی صفویه را داشته‌اند؛ به‌طور کلی نادر شاه بیش از آن که پادشاهی کشوردار باشد، پادشاهی کشورگشا بود، این نکته تا بدان جاست که در دوره‌ی افشار در پیرامون شهر قزوین تقریباً هیچ چیز به جز روستاها و شهرهای ویران شده و روبه زوال دیده نمی‌شد و این مطلب در نوشته‌های بعضی از سیاحان از جمله «هان‌وی» به آن اشاره شده است که برخی از مورخین معاصر مانند پاکزاد (۱۳۹۲: ۴۴۴) نیز به آن اشاره داشته‌اند.

بافت شهری قزوین در دوره‌ی قاجار

با آغاز دوره‌ی قاجار، بار دیگر امنیت و رونق تجاری در ایران به وجود آمده و با انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت، قزوین نیز به‌علت نزدیکی با آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. شهر قزوین به‌علت قرار گرفتن در سر مسیر راه رشت به تهران و نیز قرار گرفتن در مسیر جاده‌ی ابریشم بار دیگر یک دوره‌ی سازندگی جدید را تجربه می‌کند. والی شهر در دوره‌ی قاجار به‌نام «سعدالسلطنه» که از خود لیاقت کافی بروز می‌دهد، مدیریت توسعه‌ی شهر را در این دوره عهده‌دار می‌گردد. با بررسی نقشه‌های برجای مانده از دوره‌ی صفویه تا اوایل دوره‌ی قاجار، بافت شهری از لحاظ ساختارهای مسکونی گسترش فزاینده‌ای داشته است. شهر قزوین تا دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه به‌علت حمله‌ی مغولان بی‌بارو و حصار مانده بود، اما باغات گرداگرد شهر با مرزهای بلند و راه‌های باریک مالرو در فاصله‌ی باغ‌ها، خود در حکم حصار برای شهر بوده است. در این دوره با گسترش شهر قزوین تعداد محلات آن از ۹ به ۱۷ می‌رسد که غالباً اسامی این محلات با ویژگی‌های مکانی و افراد شاخص آن محله و نیز اصناف آن و غیره ارتباط دارد. اسامی این محلات که در کتب متفاوتی از جمله کتابچه‌ی سرشماری قزوین در سال ۱۲۹۸-۱۲۹۹ ه.ق. آمده است، عبارتند از: آخوند (بُن درخت)، بلاغی (فشتهول، فشتاول)، پنبه‌ریسه، تنورسازان، خندقبار (کنده‌وار)، خیابان، دباغان، دیمچ، راه‌چمان، راه‌ری، راه‌کوشک، سُکه‌شُریحان، سوق‌الانعام (گوسفند میدان، قوی میدان)، قُملاق، گُلبنیه و مغلاوک

چینی‌بندان). نام محله‌ی هفدهم شهر محله‌ی «حلاجان» نام دارد که اشاره‌ای به آن نشده است. در دوره‌ی قاجار مهم‌ترین خیابان شهر، یعنی خیابان سپه، دوباره محل جشن‌های حکومتی می‌گردد و این بار عملکرد عبوری مهم شهر منجر به شکل‌گیری بنایی جدید در جنوب خیابان می‌گردد که این بنا، «مهمان‌خانه‌ی قزوین» و نخستین مهمان‌خانه به سبک نوین در قزوین می‌باشد که به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار توسط «آقاباقر سعدالسلطنه» در سال ۱۲۹۷ هـ.ق. ساخته شد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۶۱۹). مهمان‌خانه، مهم‌ترین بخش مجموعه‌ای وسیع‌تر، موسوم به «مجموعه‌ی دولتی» بود؛ این مجموعه از سمت شمال، محدودکننده‌ی خیابان بوده و از جنوب به خیابان تهران می‌رسید و در سمت غرب آن نیز مسجد جامع قرار داشت. خیابان به‌عنوان مهم‌ترین گذر شهر صفوی، ستون فقرات نظام شهرسازی قزوین را شکل داده و از سردر عالی قاپو - ورودی اصلی دولتخانه‌ی صفوی - آغاز شده و تا جلوخان مسجد شاه امتداد می‌یافت. درست در همین نقطه، مهمان‌خانه و مجموعه‌ی دولتی دوره‌ی ناصری ساخته شد. مجموعه با استفاده از موقعیت ممتاز مکانی به‌واسطه‌ی وجود مسجد جامع، خیابان و بازارچه، به‌صورت جدی در کالبد شهر مطرح و با توجه به مدیریت، کارایی و عملکرد خود، تبدیل به هسته‌ای در مقابله با دیگر هسته‌های شکل‌دهنده‌ی شهر شد؛ به‌گونه‌ای که تعداد قابل توجهی کاروانسرا در اطراف مجموعه شکل‌گرفت و رقیبی برای بازار گردید (پرهیزکاری، ۱۳۸۶: ۲۶-۲۴).

این عمارت، دارای پلانی مستطیل‌شکل به ابعاد حدودی ۲۳×۳۷ متر با امتداد شرقی-غربی بود که به‌صورت تک ساخته شده و داخل حیاطی قرار داشت که شمال مجموعه‌ی دولتی را تشکیل می‌داد. مهمان‌خانه از چهار جهت، دارای دید و منظر بود که بهترین دید آن در جبهه‌ی شمالی به سمت حیاط و باغچه، خیابان دولتی و سردر عالی قاپو بود. بنا به‌صورت دو طبقه بر روی صفه‌ای مرتفع ساخته شده بود که برای دسترسی به صفه در چهار طرف آن، پلکان‌های آجری بود که در سمت شمالی به‌صورت مستقیم و سرپوشیده، و در دیگر جهات دو طرفه و فاقد پوشش بود. ساختمان طبقه‌ی اول بر روی صفه قرار داشت و شامل ده اتاق، قهوه‌خانه و آشپزخانه و رواقی دور تا دور بنای اصلی بود. طبقه‌ی دوم، طرحی متفاوت با طبقه‌ی اول داشت. در این



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

طبقه رواق تبدیل به ایوانی روباز شده که امکان گردش دور بنا را میسر می‌ساخت (همان: ۵۵-۵۱). طبقه‌ی دوم نیز دارای هشت اتاق بود که به وسیله‌ی ارسی‌های بزرگ در شمال و جنوب مهمان‌خانه، بنایی باشکوه و مجلل به وجود آورده و دارای تزئینات خارجی شامل کاشیکاری معقلی و هفت‌رنگ، لچکی قوس‌ها، نقش دولتی ایران «نقش شیر و خورشید» و ستون‌های تزئینی و رنگ‌آمیزی شیروانی، پرده‌های منقوش، و اُرسی‌های بزرگ با شیشه‌های الوان بود (حاج‌اقا محمدی و حمیدی، ۱۳۷۷: ۷۹)، که این مهمان‌خانه تا سال ۱۳۱۰ ش. دایر بود، اما در آن هنگام، آن را خراب کردند تا محوطه‌ای به نام «سبزه میدان» احداث شود. در طی دوره‌ی قاجار در غرب باغ سعادت‌آباد و غرب مدرسه‌ی پیغمبریه (ساروتقی) و شرق مسجد پنجه‌علی خیابانی ساخته شده که به خیابان سپه می‌پیوندد و «خیابان پیغمبریه» نام دارد. در شرق این خیابان دومین مهمان‌خانه‌ی قزوین با نام «گراند هتل» توسط ارباب برزوی شاپور در حدود سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ش. ساخته شد. بنای این عمارت از طرف خیابان، دو طبقه و از جانب حیاط، سه طبقه بود و طبقه‌ی بالای دکان‌ها و رستوران، اتاق‌های محل استراحت قرار داشت. این مهمان‌خانه در قسمتی از باغ سعادت‌آباد و حرم‌خانه صفوی ساخته شد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۶۲۰-۶۱۹).

در سال ۱۳۲۰ ه.ق. در سمت شرقی سردر عالی‌قاپو و متصل به گوشوار شرقی آن مدرسه‌ای با نام «مدرسه‌ی امید» احداث شد که امروزه مرکز اسناد میراث فرهنگی قزوین است (همان: ۴۹۲). با توجه به این‌که در دوره‌ی قاجار قزوین دوباره اهمیت خود را باز می‌یابد، سیاحان داخلی و خارجی زیادی از شهر دیدن کرده و توصیفات خود از این شهر را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. بر طبق توصیفات آن‌ها، شهر قزوین در دوره‌ی صفوی قابل‌مقایسه با دوره‌ی قاجار نیست. اولیویه، اولین سیاحی که در سال ۱۱۸۳ ه.ق. از قزوین دیدن نمود، آن را شهری دارای جمعیتی کمتر نسبت به دوره‌ی صفوی می‌داند و اشاره به این دارد که اکثر ابنیه و عمارات سلطنتی آن تخریب شده و خانه‌های ساکنین شهر بد می‌باشد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۶۷). در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۵۰ تا ۱۲۵۷ ه.ق. سیاحان متعددی از قزوین بازدید می‌نمایند که توصیفات مشابهی را از شهر بیان می‌دارند؛ از جمله‌ی این سیاحان می‌توان «بارون فیودور کورف»، «الکسیس سولتیکف»،

«کنت دوسرسی» و «اوژون فلاندن» را نام برد. فلاندن در توصیف خود از قزوین به این اشاره دارد که، این شهر دارای خیابان‌های عریضی بوده و نیز دارای بارویی در اطراف می‌باشد؛ همچنین خیابان سپه را که در دوره‌ی قاجار دوباره اهمیت خود را باز می‌نماید، خیابان عریضی توصیف می‌کند که در دو طرف آن درختان چناری کاشته شده بود و به قصر بزرگ شاهی منتهی می‌شد. از طرف دیگر به این نکته نیز اشاره دارد که در این دوره جمعیت قزوین به شدت کاهش یافته و شهر از زمین‌لرزه‌های زیادی آسیب دیده و دارای خانه‌های مخروبه و بد ساخت می‌باشد. همچنین فلاندن از جمله سیاحانی است که قزوین را جزو شهرهای صنعتی ایران در آن زمان می‌داند که شمشیرهای خوبی تولید می‌کرده است (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۰۳-۱۰۱).

در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۷ ه.ق. بناهای متعددی در شهر قزوین ساخته و یا تعمیر می‌شوند که از آن جمله می‌توان به این بناها اشاره کرد: ساخت بنای «گرمابه صفا» مشهور به «حاج محمدرحیم» در سال ۱۲۵۹ ه.ق. که این بنا در وسط بازارچه‌ی صفا کنار رودخانه‌ی سابق و خیابان مولوی فعلی قرار گرفته است. ساخت بنای «مسجد و مدرسه‌ی صالحیه» در سال ۱۲۶۲ ه.ق. که در محله‌ی قُملاق واقع شده است. در سال ۱۲۶۳ ه.ق. بنای دیگری که ساخته و یا تعمیر شد «سردر مسجد سبز» می‌باشد که عموم مردم آن را «سبزه مسجد» می‌گویند که در محله‌ی آخوند واقع شده است. «مقبره‌ی شهید ثالث»، بنای ساخته شده دیگری می‌باشد که بر طبق کتیبه‌ی آن در سال ۱۲۶۳ ه.ق. و در قسمت غرب شاهزاده حسین واقع شده است. «سرای حاج‌رضا»، در نیمه‌ی دوم قرن سیزدهم از دیگر بناهای ساخته شده است که کمی پایین‌تر از در شرقی سرای شاه و در جهت جنوب شرقی آن قرار دارد. شمال این سرا، محوطه‌ی شترخان و بارانداز است که در آن به بازار وزیر باز می‌شود. بنای دیگری در سال ۱۲۶۷ ه.ق. به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد که «بند»ی بر روی رودخانه‌ی دزج می‌باشد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۶۵ ه.ق. تا ۱۳۰۰ ه.ق. نیز افراد متعددی توصیفات خود را از قزوین نگاشته‌اند که از جمله‌ی این افراد می‌توان به «لیدی شل» اشاره داشت که وی هنگام بازدید خود از قزوین در سال ۱۲۶۵ ه.ق. آن را شهری با بناها و کاخ‌های ویران شده یا در حال



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و موزه‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



فرو ریختن توصیف می‌کند (لیدی شل، ۱۳۶۸: ۴۹). در سال ۱۲۷۳ ه.ق. «ادیب‌الممالک» از باغات بسیار قزوین و رودخانه‌های شهر صحبت می‌کند (ادیب‌الممالک، ۱۳۴۹: ۴۲-۴۰). از دیگر افرادی که در طی سال‌های ۱۲۷۹-۱۲۸۰ ه.ق. وارد قزوین می‌شود، «هنریش بروگش» است که بر طبق توصیفات وی، شهر دارای خرابی‌های بسیاری بوده و جمعیت زیادی نیز داشته است. همچنین وی در این زمان خیابان سپه را خیابانی عریض و زیبا معرفی می‌کند (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۷۹-۱۵۷). در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۸۶ ه.ق. و ۱۲۹۰ ه.ق. اردوی ناصرالدین شاه در شمال شهر قرار داشت که وی در این دوره وارد قزوین می‌شود (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۷: ۷). در طی سال‌های ۱۲۸۸ ه.ق. تا ۱۲۹۵ ه.ق. افرادی از جمله: «میرزا علی سررشته‌دار»، «فرهاد میرزا معتمدالدوله»، «میرزا سلیمان خان مهندس» و «مادام کارلاسرنا» از قزوین دیدن نموده و توصیفات مشابه را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. توصیف مادام کارلاسرنا، کامل‌تر از سایرین می‌باشد، به‌گونه‌ای که وی قزوین را شهری مخروطی با خانه‌های بد ساخت و فرو ریخته و کوچه‌های تنگ و کثیف توصیف می‌کند و همچنین اشاره به این دارد که بناهای باقی‌مانده از دوره‌ی صفویه در وضعیت خوبی نمی‌باشند. در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۲۹۴-۱۲۹۵ ه.ق. کارلاسرنا به ساخت اولین دفتر خط تلگراف و نیز اولین تلگراف‌خانه در ایران و در شهر قزوین اشاره می‌کند که هر دو در قصر سلطنتی قدیم دایر شده است. وی همچنین خیابان سپه را خیابانی با درختان شکوهمند توصیف کرده و نیز از باغ وسیع و عمارت کلاه‌فرنگی ساخته شده در وسط آن نام می‌برد (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۲۵۴-۲۴۹).

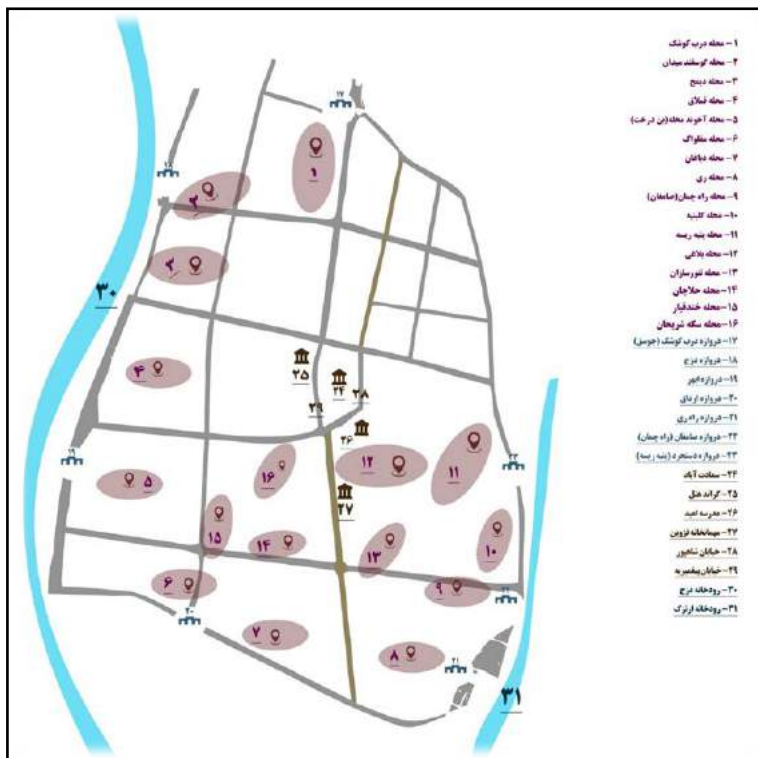
در سال ۱۲۹۶ ه.ق. «حاج سیاح» در بازدید خود از قزوین آن را شهر بزرگی معرفی کرده و اشاره به این دارد که در این سال عمارت چهلستون توسط سعدالسلطنه، حاکم وقت قزوین مرمت شده است (حاج سیاح، ۱۳۵۶: ۲۰۵-۲۰۴). اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۷ ه.ق. به بنای مهمان‌خانه اشاره داشته که از بناهای بزرگ زمان قاجار می‌باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۷۷)، و این بنا تا سال ۱۳۱۰ ه.ق. دایر بود و سپس آن را خراب کرده و به جای آن سبزه‌میدانی احداث شد که آن هم در موقع امتداد یافتن خیابان سپه تا ایستگاه راه آهن از میان رفت (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۲۱).

«مادام دیولافوآ» در بازدید خود از قزوین در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ه.ق. آن را شهری بزرگ با خانه‌هایی با ارتفاع یکسان می‌داند (دیولافوآ، ۱۳۷۱: ۱۲۵-۱۰۹). «اورسل» که در سال ۱۳۰۰ ه.ق. به ایران آمده و از قزوین دیدن نموده، آن را شهری با باغ‌ها و تاکستان‌های بسیار در اطرافش معرفی می‌کند. وی همچنین عمارت مهمان‌خانه‌ی قزوین را از لحاظ زیبایی با قصر سلطنتی اشتباه گرفته و ذکر می‌کند که تمام وسایل و تجهیزات هتل به سبک اروپایی بود. اورسل با وجود زوال و انحطاط قزوین، آن را یکی از شهرهای علمی ایران با وجود مدرسی که در این شهر دایر است، می‌داند و عنوان می‌دارد که مدارس این شهر در سرتاسر کشور از شهرت عمده‌ای برخوردارند. اورسل در بازدید خود از شهر از خیابان سپه نیز عبور کرده و آن را خیابانی بین قصر شاهی و مهمان‌خانه به صورت بلواری مشجر به درازای ششصد متر و پهنا‌ی دویست متر معرفی می‌کند که پُراز دحام‌ترین نقطه‌ی شهر نیز می‌باشد (اورسل، ۱۳۵۲: ۸۵-۶۲).

در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ه.ق. که اواخر حکومت قاجار است، افراد مختلفی، از جمله «بنجامین»، نخستین سفیر آمریکا در ایران در سال ۱۳۰۱ ه.ق.، «میرزا محمد حسین فراهانی» در سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲ ه.ق. و «بروگش» برای بار دوم در سال ۱۳۰۴ ه.ق. (۱۳۷۴: ۸۰-۷۲)، از قزوین دیدن کرده‌اند. این افراد در بازدید خود از شهر قزوین به بنای مهمان‌خانه‌ی آن اشاره داشته‌اند که از بناهای زیبای شهر در این دوره می‌باشد. فراهانی در بازدید خود از قزوین، آن را دارای جمعیتی بالغ بر سی هزار نفر، ششصد دکان، هشت کاروانسرا، سی حمام، چهل مسجد بزرگ و کوچک، نُه مدرسه و دوازده یخچال می‌داند. وی از محلات قزوین و نیز دروازه‌های شهر که برخی تعمیر شده و برخی به همان حالت خرابه باقی مانده است، نام می‌برد. بروگش، شهر قزوین را در زمان بازدید خود دارای خانه‌های مخروطی‌ی زیادی در کوچه‌ها و میادین شهر معرفی می‌کند. وی همچنین عنوان می‌کند که مساجد و قصرهای باشکوه دوره‌ی شاه تهماسب اغلب ویران شده و باغ‌های باشکوه سلطنتی به صورت باغ‌های ساده و نیمه‌مخروطه درآمدند. بروگش، خیابان اصلی شهر، یعنی خیابان سپه را خیابانی درختکاری شده معرفی می‌کند که دو طرف آن، خانه‌ها و مغازه‌های زیادی ساخته شده و این خیابان گردشگاه اصلی اهالی شهر به شمار می‌رود و در کنار



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
 باستان‌شناسی و مهندسی
 باستان‌شناسی علمی
 گروه باستان‌شناسی
 دانشگاه محقق اردبیلی
 زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
 شماره‌ی هشتم
 دوری پنجم
 پاییز و زمستان
 ۱۳۹۷



نقشه ۱. شهر قزوین در در دوره‌ی قاجاریه و تحولات شهری آن (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱، ۷۰۱: باز ترسیم توسط نگارنده).

خیابان از ساختمان بزرگی یاد می‌کند که مدخل باغ و عمارت سلطنتی شاه تهماسب اول است که همان سردر عالی قاپو می‌باشد و در زمان بازدید وی به محل سکونت حاکم قزوین اختصاص داشته است. از تمامی گفته‌های سیاحان در بازدیدشان از شهر قزوین این‌گونه برمی‌آید که با توجه به این که شهر در دوره‌ی قاجار اهمیت نسبی خود را باز یافته و گسترش پیدا می‌کند، و علاوه بر سمت شرق خیابان سپه، در قسمت غرب آن نیز محلاتی از جمله: محله‌های ابهر، ارداق، آخوند و گوسفندمیدان ساخته می‌شود و شهر در این زمان از سمت غرب نیز توسعه می‌یابد. با اینکه در این دوره بناهایی از جمله مهمان‌خانه که از بناهای بزرگ و مدرن قاجار می‌باشد و نیز اولین مدارس نوین، مانند مدرسه‌ی امید در این شهر ساخته می‌شود؛ اما همچنان به صورت شهری مخروبه با خانه‌ها و کوچه‌های بد و کثیف توصیف می‌شود.

در طی دوره‌ی قاجار، خیابان سپه همچنان به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین خیابان شهر مطرح بود.

نتیجه‌گیری

قزوین، از جمله شهرهایی می‌باشد که در تمامی ادوار تاریخی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است و مورخان بسیاری از صدراسلام تا دوره‌ی قاجار توصیفات خود را از این شهر به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند و به موقعیت استراتژیک این شهر و نیز قرارگیری آن در مسیرهای مواصلاتی شرق به غرب و شمال به جنوب که ضامن بقای شهر و نیز ادامه بقای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن در طی دوره‌های گوناگون اسلامی شده، اشاره داشته‌اند. با انتخاب شدن قزوین در دوره‌ی صفویه به‌عنوان پایتخت این دودمان روند توسعه و گسترش شهرسازی در آن آغاز شده و به اوج خود می‌رسد، تا آنجا که لقب «دارالسلطنه» بر آن اطلاق می‌گردد؛ اما با تغییر پایتختی در اواخر همین دوره، شهر روبه‌ویرانی گذارده و از دوره‌ی اوج خود فاصله می‌گیرد و این روند همچنان در زمان حکومت‌های افشار و زندیه نیز تداوم می‌یابد؛ زیرا در زمان این دو حکومت، تسلط بر کل ساختار شهری ایران وجود نداشته و عمدتاً تغییر و تحولات ساختار شهری فقط محدود به دو مرکز تحت حکومت این خاندان‌ها می‌شود. در دوره‌ی قاجار، بار دیگر شهر قزوین به‌دلیل موقعیت خاص خود و نزدیکی با تهران مورد توجه قرار گرفته و توسعه‌ی ساختار شهری قزوین روند فزاینده‌ای می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که همچنان در این دوره‌ی مهم‌ترین قسمت شهر، یعنی خیابان سپه، محل برگزاری مراسمات و جشن‌های حکومتی بوده و نیز عملکرد بنیادی مهمی برای توسعه‌ی ساختار شهری، همانند ساخت بناهای جدیدی از جمله مهمانخانه‌ها و مدارس به سبک نوین در جهات گوناگون پیدا می‌کند.

کتابنامه

- ابن خردادبه، عبيدالله بن عبدالله (۱۳۷۱)، المسالك و الممالك، مترجمان: سعید خاکرند و آندره میکل، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، مؤسسه فرهنگی حنفا.
- ادیب‌الممالک، عبدالعلی (۱۳۴۹)، دافع‌الغرور: سفرنامه‌ی آذربایجان، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: خوارزمی.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و موزه‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۴)، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، به کوشش: ایرج افشار، جلد ۱، تهران: اساطیر.

- اولیویه، آنتوان گیوم (۱۳۷۱)، سفرنامه‌ی اولیویه: تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره‌ی آغازین عصر قاجار، ترجمه‌ی محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی: غلامرضا وهرام، تهران: اطلاعات.

- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، سفرنامه‌ی قفقاز و ایران، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- بروگش، هنریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه‌ی حسین گردبچه، جلد اول، تهران: اطلاعات.

- بروگش، هنریش (۱۳۷۴)، سرزمین آفتاب، ترجمه: مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.

- بلاذری (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه: محمد توکل، تهران.

- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۲)، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوره‌ی قاجار، تهران: آرمانشهر.

- پرهیزکاری، مهرزاد (۱۳۸۶)، مهمان‌خانه‌ی بزرگ قزوین، تهران: روناس، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.

- حاجی آقامحمدی، عباس؛ و حمیدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، سیمای استان قزوین، قزوین: انتشارات طه.

- خواندامیر، غیاث‌الدین بن همام الدین‌الحسینی‌المدعوبه (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، مقدمه‌ی جلال‌الدین همائی، زیر نظر: محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.

- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۸۱)، سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن، قزوین: سازمان میراث فرهنگی کشور پژوهشگاه، اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین، حدیث امروز.

- دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۱)، ایران کلد و شوش، ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی مترجم همایون، تهران: دانشگاه تهران.

- ستوده، حسینعلی (۱۳۴۸)، «تاریخچه شهر قزوین»، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال چهارم، شماره‌ی ۵ و ۶، صص: ۲۱۰-۱۶۵.

- سرنا، مادام کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه‌ی مادام کارلا سرنا: آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

- سیاح محلاتی، محمدعلی حاج سیاح (۱۳۵۶)، خاطرات حاج



BASTAN SHENAKHT
SPECIAL SCIENTIFIC
BIANNUAL JOURNAL
Special Scientific Biannual
Journal Academic Institute
of Archaeology University
of Mohaghegh Ardabili

VOL. 5, NO. 8

Autumn-Winter

2019

8

- سیاح، به کوشش: حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- علی یزدی، شرف الدین (۱۳۸۷)، ظفرنامه تیموری، جلد ۱، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران، ترجمه‌ی حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۶۷)، روزنامه‌ی سفرگیلان، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: موسسه فرهنگی جهانگیری.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۷۰)، سفرنامه، به کوشش: محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، مترجم: میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکراحمد (۱۳۶۲)، تاریخ گزیده، به اهتمام: دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، مترجم: علینقی منزوی، جلد ۲، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- منهج سراج (۱۳۶۳)، طبقات ناصری، یا، تاریخ ایران و اسلام، تصحیح و مقابله و تحشیه: عبدالحی جیبی، جلد ۲، تهران: دنیای کتاب.

معماری و شهرسازی در دوره‌ی اتابکان لر کوچک

امیر طهماسبی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

kasra.tahmasebi@yahoo.com

پیمان شادل

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، واحد میانه، کارمند میراث فرهنگی بیله سوار

نسرتین حسنعلی‌زاده درخشان

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

از صص: ۷۶-۵۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

چکیده

شکل‌گیری قدرت اتابکان لر کوچک، در پی ضعف قدرت سلجوقیان و خاندان عباسی و کم شدن پایگاه نفوذ آن‌ها در میان بخش‌های مختلف سرزمین عراق عجم رویداد. از آنجا که این سلسله بیشتر حالت ایلی و تباری داشته‌اند، مرکز حکمرانی و سلطنت خود را در دژهایی که دسترسی به آن‌ها خیلی سخت بود، انتخاب می‌کردند؛ همچنان‌که از این دوران قلعه‌هایی باقی‌مانده است. در این دوران ما شاهد ساختن مقبره‌هایی برای بزرگان این سلسله هستیم. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا در این دوره شهرسازی پیشرفت کرده است؟ فرضیه‌ی این تحقیق این است که در این دوره با توجه به ماهیت حکومت این سلسله و حالت جنگ‌آوری آن‌ها بیشتر، ساختن قلعه‌ها رواج دارد و شهرسازی چندان رواج نداشته است. در این تحقیق که به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است، سعی بر آن شده که ویژگی شهرسازی و معماری این سلسله تا حدودی بررسی شود. روش تحقیق به صورت میدانی و مطالعات توصیفی و کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده‌ی آن است که بیشتر سعی و کوشش امرای این سلسله در توجه به ساختن قلعه و دژ بوده است؛ اما در بحث شهرسازی باید گفت که در این دوران شهرهایی ازادوار گذشته وجود داشته است، در این سلسله شهرنشینی چندان رونق نداشته و شهرها اغلب کوچک و محدود توصیف شده‌اند. اغلب این شهرها دارای حصار بوده‌اند.

کلیدواژگان: لرستان، معماری اتابکان، شهرنشینی، مقبره.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و شهرسازی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



مقدمه

تکاپوی مردم لرستان برای دستیابی به فرمانروایی بومی-محلی از آغاز سده‌ی ششم هجری قمری آغاز گشت (مستوفی، ۱۳۴۶: ۵۱). از سال ۵۵۰ تا ۶۵۶ ه.ق.، یعنی سده‌ی پایانی فرمانروایی عباسیان، در مرزهای خاوری دربار بغداد و در کوه‌های زاگرس، اتابکان لرستان کوچک به‌عنوان حکومتی محلی در میان قبایل لر در باختر ایران و در بخشی از عراق عجم سر بر آوردند و پایه‌های نیروی خود را با توجه به ضعف‌های دربار عباسی و سلطه‌ی سیاسی سلجوقیان در عراق عجم راه یافته بود، پایدار کردند. (قفس‌اوغلی، ۱۳۶۷: ۳۷-۲۹). درباره‌ی پیشینه‌ی اتابکان، نظرها گوناگون است و دو دیدگاه اصلی وجود دارد؛ برخی آن‌ها را منسوب به عباسیان و برخی دیگر به علویان و منسوب به عباس بن علی دانسته‌اند، ولی مدرک و سندی که این دو ادعا را تثبیت کند وجود ندارد. برخی منابع روزگار صفوی و گزارش‌های محلی مطالبی در انتساب آن‌ها به عباس بن علی بیان داشته‌اند (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۸۲: ۱/۴۷۰-۴۶۹؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۱۳۰؛ میر، ۱۳۸۷: ۶۳؛ خودگو، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱۶۷؛ فهمی، ۱۳۸۸: ۱۸)، (بهرامی و صلاح، ۱۳۹۰). نخستین سندی که در باب نسبت و نسب اتابکان خورشیدی لرستان سخن می‌گوید کتاب تاریخ‌گزیده‌ی حمدالله مستوفی است. وی در ذکر قبایل و تیره‌های لر که از کول مانرود منشعب شده و در جاهای گوناگون پراکنده شده‌اند، هیچ اشاره‌ای دال بر پیوند نسبی میان اتابکان لر کوچک و عباسیان ندارد. ولی در ضمن قبایلی که آنان را در شمار طایفه‌های لر بر شمرده از دو تیره به‌نام‌های «عباسی» و «ابوالعباسی» یاد می‌کند، البته منابع بعدی نیز به تبعیت از مستوفی همین نام‌ها را ذکر می‌کنند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۵؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۴۹؛ بدلیسی، ۱۳۴۳: ۵۷). سال‌های ۵۳۰ تا ۵۷۰ ه.ق. برای ولایات لرستان کوچک و ایلات و طایفه‌های آن، دوره‌ای بود که با همگرایی و خودآگاهی لرها و تلاش‌ها و تکاپوهای آنان برای نفوذ در امور سیاسی ولایات عراق عجم و کوه‌های لرستان و تلاش برای به‌دست آوردن منصبی در دربار فرمانروایان سلجوقی همراه بوده است (بهرامی و صلاح، ۱۳۹۰). شیوه‌ی زندگی و حکومتی اتابکان، ایلی و تباری بوده است. این سلسله مرکز فرمانروایی خود را در دژهایی که دسترسی به آن‌ها بسیار سخت بود بر می‌گزیدند. جنبه‌ی دیگری از هنر و معماری



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و معماری
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

اتابکان لرستان ساختن بناهای آرامگاهی بوده است. بیشتر این مقابر که در این زمان پدید آمده؛ یا به وسیله‌ی مردم عادی ساخته شد، یا به وسیله‌ی خویشاوندان برای رهبر خود می‌ساختند. اتابکان لر را ابتدا «ابوطاهر» تأسیس کرد، اما از آنجا که فرزند ابوطاهر به نام «هزاراسپ» بسیار به اتابکان اقتدار بخشید و از طرف دیگر توانست تأییدی برای حکومتش از خلافی عباسی بگیرد، در حقیقت تأسیس رسمی اتابکان لر به نام اوست؛ بنابراین بسیاری از منابع از «اتابکان لر» به نام «هزار اسپان» هم یاد کرده‌اند (ابراهیم اقبال آشتیانی، ۱۳۸۵: ۴۴۸-۴۵۲). هدف و ضرورت این تحقیق در این مورد خلاصه می‌شود که با توجه به این‌که در مورد این سلسله، تحقیقی راجع به ویژگی شهرنشینی و شهرسازی صورت نگرفته است، بتوانیم گوشه‌ای از زوایای تحقیق را روشن کنیم. در این راستا پرسش‌های پیش‌رو طرح خواهد شد:

- ۱- تفاوت اساسی بین معماری اتابکان لر کوچک و دوره‌ی قبل چیست؟
- ۲- مفهوم شهر و شهرنشینی در این دوره چیست؟

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، روش ترکیبی (پیمایشی و توصیفی-تحلیلی) است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین بررسی‌های میدانی، از قبیل بازدید از محل‌ها استفاده شده و در مرحله‌ی بعد، تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد بررسی قرار گرفته است.

وضعیت شهرنشینی در این دوره

در عهد اتابکان لر کوچک، شهرهای متعددی در این بخش از سرزمین وجود داشته است. حمد الله مستوفی در دو اثر ارزنده‌ی خود، یعنی تاریخ‌گزیده و نزهة القلوب که به ترتیب در سال‌های ۷۳۱ و ۷۴۱ ه.ق. تألیف کرده، فهرستی از آن‌ها را با شرح مختصری درباره‌ی هر یک از آن‌ها ارائه می‌دهد. وی از شهرهای شاپورخواست، بروجرد، خرم‌آباد، سیمره، کوه‌دشت، دهلران، و غیره در منطقه‌ی لر کوچک خبر داده، اما وضعیت اغلب را آن‌ها وخیم گزارش کرده است. او که در اواخر دوره‌ی حکومت ایلخانان می‌زیست، نام بسیاری از شهرهای پیشین را که خراب و فقیر و به دهکده مبدل شده بودند را ذکر می‌کند؛ به عنوان

مثال: به گفته‌ی وی در عهد او شهرهای پیش‌رو ویران بوده‌اند: «در عراق عرب: حیره و خالص و عکبرا و قادسیه و رومیهو نهروان، در عراق عجم: ری و سنقرآباد و سرجهان و فیروزآباد، دلیجان، در لرستان: خرم ضآباد و سیمره و کوه‌دشت و... خرابی شهرها کم و بیش موجب انحطاط کشاورزی آن‌ها نیز می‌گردیده» (پطروشفسکی، ۱۳۷۵: ۱۸۴).



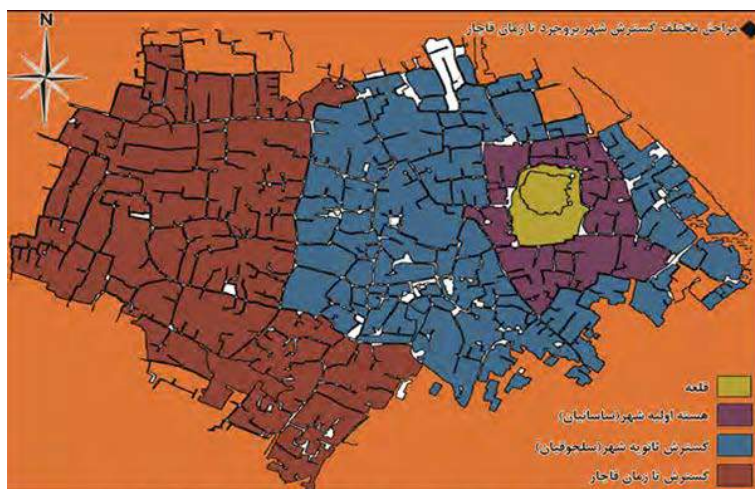
تصویر ۱. شهرها و قلعه‌ها و راه‌های مهم اتابکان لر کوچک (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

وضعیت و تشریح شهرهای اتابکان بروجرد

از پیشینه‌ی تاریخی بروجرد قبل از اسلام، آثار و شواهد مستندی در دست نیست؛ لذا با اتکاء به بناهای قدیمی شهر که مهم‌ترین آن‌ها مسجد جامع است، می‌توان دریافت که قبل از اسلام این شهر وجود داشته است. آنچه که در این رابطه در منابع و متون تاریخی آمده است، نقل می‌کند که بروجرد در زمان مادها به واسطه‌ی داشتن مراتع و زمین‌های سرسبز، یکی از مراکز سلطنتی به‌شمار می‌رفته و سالانه دوازده هزار اسب خاصه در آن تربیت می‌شدند و این‌کار در زمان ساسانیان نیز ادامه داشته است (بروجردی، ۱۳۵۱: ۹). بروجرد از شهرهای مشهور اتابکان لر کوچک در دوره‌ی اتابکان بوده است. در این دوره آمده است: «بروجرد از اقلیم چهارم است و شهر بزرگ طولانی و در دو جامع عتیق و حدیث بوده است. آب و هوایش وسط است و شرابش نیکوست و درو و زعفران بسیار بود» (مستوفی، ۱۳۶۴:



۷۸). شهر در ادوار گذشته، دارای حصار و خندق و باغات زیادی بوده است. قلعه‌ی مشهور «رومیان» در این شهر است. آنچه از این تپه باقی مانده است، نشان می‌دهد که آثار چندین تمدن را می‌توان در آن باز یافت. این قلعه تا قرن نهم، یکی از قلعه‌های مهم بوده است. این قلعه در زمان «ملک‌غزالدین محمود» آباد بوده است. در ظفر نامه نیز هنگام حمله‌ی تیمور در قرن هشتم هجری به لرستان، از آن به نام «قلعه وروجرد» نام برده که به فرمان تیمور، یکی از امرای او به نام «سیف‌الدین قلدش» به کوتوالی آن منصوب شده است (ایزدینا، ۱۳۷۳، ۵۱۴). شهر بروجرد به خاطر موقعیت ویژه‌ای که داشت، گاهی جزو قلمرو اتابکان لرستان و گاهی جز همدان محسوب می‌شد؛ ولی اتابکان به هر ترتیبی، سعی داشتند آن را برای خود حفظ کنند و در این راه بارها کشمکش‌ها و منازعاتی بر سر آن میان اتابکان و حکام همدان واقع شد (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۷). با توجه به توصیف شهر در کتاب‌های قدیمی و منابع مختلف و عکس‌های قدیمی، نشان می‌دهد که این شهر در آن زمان دارای برج و بارو، دروازه‌ها، در ورودی‌های شهر و حصار و خندق داشته است. با توجه به قلعه‌ی رومیان در این شهر، به نظر می‌رسد این قلعه در آن زمان پناهگاه مناسبی برای امرای اتابکان لر کوچک بوده است.



تصویر ۲. مراحل گسترش شهر بروجرد تا زمان قاجار (نصرالهی و پیرحیاتی، ۱۳۹۱: ۱۸۸).



تصویر ۳. دروازه‌ی ورودی و برج و باروی قدیم شهر بروجرد در که مربوط به سده‌ی ۱۰ ه.ق. می‌باشد (کیانی، ۱۳۶۵: ۳۹۳).



تصویر ۴. نمایی از قلعه رومیان (ایزدینا، ۱۳۶۲: ۵۶۶).

سیمره

از عهد باستان، محل بیلاق و قشلاق پادشاهان عیلامی و پایتخت دوم آن‌ها، یعنی محلی که اینک «دره‌شهر» نامیده می‌شود، بوده است. شهر ذکر شده در دوره‌ی ساسانیان نیز رونق داشته و بیلاق امرا و بزرگان ساسانی بوده است. پس از حمله عرب، سیمره‌ی حاکم‌نشین ولایت مهر جانقذق بوده و این ولایت حتی در قرن چهارم هجری قمری به کسرت نعمت شهرت داشت (ایزدینا، ۱۳۶۳: ۴۶۱-۴۶۲). سیمره با آن که در سال ۲۵۸ ه.ق. بر اثر زلزله ویران گردید (ابن‌اثیر، ۱۳۶۲: ۱۱۵)، ولی باز رونق سابق خود را به دست آورد، ولی در دوره‌ی اتابکان



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و مهندسی معماری
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



لر کوچک از اعتبار و اهمیت آن کاسته شد. چنان‌که مستوفی در این زمینه می‌نویسد: «سیمره، شهری نیکو است و اکنون خراب است درو و خرماست و در همه‌ی کوهستان غیر از آنجا خرما نمی‌باشد» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۸). یاقوت حموی مؤلف قرن هفتم هجری قمری در مورد شهر سیمره می‌نویسد: «شهری است از نواحی جبال از سوی خوزستان و آن را به نام مهر جانقدق خوانند و آن آبادان و دارای میوه‌ها و آب‌هاست، از منسوبان بدان: ابوتمام ابراهیم پسر احمد پسر حسین پسر احمد پسر حمدان سیمری از مردم بروجرد که اصل وی از سیمره، ولی رئیس بروجرد بوده... (حموی، ۱۳۶۲: ۱۲۵). در مورد این شهر اطلاع دقیقی در آن دوره در دست نیست و توصیفاتى که در مورد این شهر شده، بیشتر معرفی شهر است تا جزئیات شهرنشینی و معماری آن.

شاپورخواست

شاپورخواست، نام قدیم شهر خرم‌آباد بوده است، این شهر به گفته‌ی مورخان اسلامی در دوره‌ی ساسانی به همت شاپور اول ساخته شده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۶۴). در مورد عمران و آبادانی در دوره‌ی ساسانی اطلاع چندانی در دست نیست، ولی در دوره‌ی اسلامی یکی از شهرهای مشهور به حساب می‌آمده و نام آن در اکثر متون تاریخی و جغرافیایی آمده است. شاپورخواست در دوره‌ی سلسله‌های آل‌بویه و سلجوقیان یکی از شهرهای معتبر بوده است و مرکز حکمرانی سلسله‌های آل‌حسنویه و آل‌برسق بوده است. این شهر تا اوایل قرن هفتم هجری قمری پابرجا بوده است، ولی پس از این تاریخ به بعد از رونق افتاده و به تدریج خرم‌آباد جانشین آن شده است (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۲). عظاملک جوینی در کتاب خود، (جهانگشای جوینی) که در اواسط قرن هفتم هجری قمری آن را به رشته‌ی تحریر درآورده، آنجا که به شرح ورود سلطان جلال‌الدین محمد خوارزمشاه به این شهر و اقامت یک ماهه‌ی او در آنجا می‌پردازد، درباره‌ی شهر شاپورخواست می‌نویسد: «و شاپورخواست شهری بزرگ بوده است و مشهور و معروف و ذکر آن در تواریخ رسمی بیش نمانده (جوینی، ۱۳۳۴: ۹۳)». حمدالله مستوفی نیز در سال ۷۳۱ هـ. ق. در کتاب تاریخ‌گزیده در ذکر شهرهای آباد کوچک و همین‌طور شاپورخواست چنین آورده است: «و از شهرهای آنجا سه معمور است: بروجرد، خرم‌آباد و شاپورخواست و آن در اول شهری بود



و از جنس مردم در آنجا بودند و به غایت مردم معمور و آراسته بود و تحت‌تاج پادشاهان بود و اکنون قصبه است» (تاریخ گزیده، ۱۳۳۹: ۵۶۲-۵۶۱). مستوفی در اثر دیگرش، نزهةالقلوب که ده سال بعد به رشته‌ی تحریر درآورده؛ دیگر، نامی از شاپورخواست به میان نیاورده و تنها به خرم‌آباد اشاره کرده است. بنابراین آثار و شواهد گوناگون، شهر شاپورخواست در فاصله‌ی نه‌چندان دور، در جنوب شرقی خرم‌آباد قرار داشته و علت ویرانی آن به درستی روشن نیست، ولی آنچه پیداست در طول قرن هفتم هجری قمری این شهر از میان رفته و شهر خرم‌آباد به جای آن احداث شده است (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۳). آنچه از این شهر باقی‌ست دیوارهای بزرگ و پهنی است از سنگ و ملاط به سبک بناهای ساسانی که در سطح آن کوچه و معابر کاملاً معلوم است، پهنای هر دیوار بیش از دو متر است. در جنوب شرقی و مشرف به کوه «مدبه» بنای عظیمی از یک آسیاب، باقی‌مانده که امروزه به «آسیاب‌گیری» مشهور است. آب شهر و نیز آسیاب به وسیله‌ی نه‌ری نسبتاً بزرگ از رودخانه‌ای که امروزه «کرگانه» نامیده می‌شود، تأمین می‌گردیده است. در شمال شرقی این آثار چند حلقه چاه دیده می‌شود. در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ ه.ش. برای بناهای جدید، قسمتی از دیوارهای آن را کردند که از آن جمله چند ستون سنگی و یک پایه‌ستون بزرگ و مدور به قطر دو متر از خاک بیرون آمد که بر سطح یکی از ستون‌ها با خط کوفی جمله «برکه لصاحبه» نوشته شده است. در قسمت‌های شمالی، آثار ساختمان‌های آجری و سفال‌های لعابدار عصر سلجوقی دیده شد. در داخل یکی از چهار دیوارهای سنگی، قسمتی از اطاق و دیوارهای چند اطاق بیرون آمد. وسعت بناهای سنگی زیاد است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۱۰۴-۱۰۵). یکی از یادگارهای شهر کهن شهر شاپورخواست، قلعه‌ی فلک‌افلاک است که در آن زمان کاربری مقرر حکومتی برای اتابکان لر کوچک را داشته است. از تاریخ ساخت بنا یا بانی آن، آگاهی دقیقی در دست نیست؛ بنای اولیه‌ی آن را به زمان شاپور اول ساسانی در قرن سوم میلادی نسبت می‌دهند. فلک‌افلاک بر روی تپه‌ای بزرگ و سنگی، در میان شهر خرم‌آباد قلعه‌ی معروف و تاریخی فلک‌افلاک ساخته شده است. این اثر ارزشمند دارای هشت برج، دو حیاط مستطیل شکل می‌باشد؛ ارتفاع بلندترین دیوار تا سطح تپه ۲۲/۵ متر و مساحت کلی آن ۵۳۰۰ متر مربع است. پلان بنا به صورت هشت‌ضلعی



نامنظم است. ورودی آن در جبهه‌ی شمالی و در برج جنوب‌غربی ساخته شده که عرض آن ۲/۱۰ و ارتفاع آن ۳ متر است. در ساخت این بنا از مصالحی چون: خشت، آجر (قرمز و بزرگ)، سنگ و ملات استفاده شده است. از نکات قابل تأمل در این بنای استرگ، وجود چاه قلعه به عمق ۴۲ متر در حیاط اول و گریزگاه اضطراری در حیاط دوم، می‌توان اشاره نمود. از زمان برپایی بنا در عهد ساسانی تا دوره‌های متأخر، الحاقاتی به آن اضافه شده است (به خصوص دوره‌ی صفوی و قاجاری)؛ این اثر همان «دژ» معروف شاپورخواست می‌باشد که در منابع ذکر شده است. به‌لحاظ موقعیت استراتژیکی خود در قرن ۴ ه.ق. به‌عنوان مقر حکومت آل حسنویه و گنجور این سلسله در زمان آل بویه درآمد. از قرن ششم هجری قمری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم‌آباد، این قلعه نیز به‌نام «خرم‌آباد» معروف شد (سایت میراث‌فرهنگی لرستان).



تصویر ۵. نمایی از قلعه‌ی فلک‌افلاک (درگاه اینترنتی Wikipedia).

خرم‌آباد

متون محلی، هسته‌ی اولیه‌ی شهر خرم‌آباد را به قرن ۶ یا ۷ ه.ق. می‌دانند. تا پیش از شکل‌گیری شهر امروزی، خرم‌آباد دارای سابقه D کهن بوده است. پیش از آن، شهر شاپورخواست مربوط به دوره‌ی ساسانی در جای آن قرار داشته است. شهر شاپورخواست به‌دلایل نامعلوم از رونق افتاد و هسته‌ی اولیه‌ی شهر خرم‌آباد در شمال‌غرب آن، یعنی در غرب و شمال‌غرب قلعه‌ی فلک‌افلاک شکل گرفت (تصویر ۷). از شهر خرم‌آباد امروزی تا قبل از قرن هشتم هجری قمری نام و نشانی



تا کنون به دست نیامده است. در هیچ یک از کتب قبل از اسلام و اوایل دوران اسلامی تا قبل از قرن هشتم هجری قمری از خرم‌آباد نامی برده نشده است (مهجور و اسلامی‌نسب، ۱۳۹۰). قدیمی‌ترین منبعی که نام خرم‌آباد امروزی در آن آورده شده است، تاریخ‌گزیده‌ی مستوفی (۷۳۱ ه.ق.) است؛ وی سه شهر بروجرد، خرم‌آباد و شاپورخواست را با هم ذکر کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۸). اما مستوفی در دیگر اثر خود، یعنی نزهةالقلوب مستوفی که ده سال بعد به رشته‌ی تحریر در آورده دیگر نامی از شاپورخواست به میان نیاورده و تنها به خرم‌آباد اشاره کرده است (همان: ۷۸). مورخ دربار صفویه، «اسکندر بیگ ترکمان» نام این شهر را به صورت «خرم‌آباد» ذکر کرده است و می‌نویسد: «مجملاً طوایف لر کوچک در ولایت خرم‌آباد، خاوه، الشتر، سیمره... اقامت دارند» (اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۵۰). نام خرم‌آباد برای اولین بار بر روی سکه‌ای در یکی از تپه‌های اطراف خرم‌آباد یافت شده که در یک طرف آن خرم‌آباد و در طرف دیگر شیری در حال حمله به گوزن نشان می‌دهد که تنها مدرک باستان‌شناختی را در ارتباط با این شهر به دست می‌دهد (ایزدینا، ۱۳۷۶: ۲۱۰). نخستین بار نام خرم‌آباد، در زمان حکمرانی «جمال‌الدین خضر» (۶۹۲-۶۹۳ ه.ق.) دیده می‌شود. به نظر می‌آید اتابکان لر کوچک در این تغییر و تحول بی‌تأثیر نبودند، به طوری که با انتخاب قلعه‌ی فلک‌افلاک به عنوان مقر حکومتی و احداث شهر جدید در اطرف قلعه، موجب از رونق افتادن شهر شاپورخواست شده‌اند. شاید هم بعد از ویرانی شهر شاپورخواست به دست مغولان که حبیب‌السیر نیز بدان اشاره‌ای دارد (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱۴۴). اتابکان مجبور به احداث شهری تازه‌ای به نام خرم‌آباد شده‌اند که از حیث موقعیت و استحکام ممتازتر از شهر شاپورخواست بوده است. به هر حال، به رغم آنچه گفته شد، شهر خرم‌آباد پس از تأسیس به عنوان حاکم‌نشین امرای لر کوچک تحت عناوین مختلفی چون پایتخت اتابکان لر کوچک، دارالخلافه‌ی دولت آل خورشید، حاکم‌نشین و مرکز سعادت حکام لر کوچک، و دارالحکومه‌ی دولت لر کوچک شهری یافت. شهر خرم‌آباد در دوره‌ی مغول همچون سایر شهرهای ایران تا اندازه‌ی زیادی رو به ویرانی نهاد و از عمران و آبادانی آن کاسته شد (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۶). چنان‌که حمدلله مستوفی در توصیف آن نوشته است: «خرم‌آباد شهری نیک بود و اکنون خراب



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

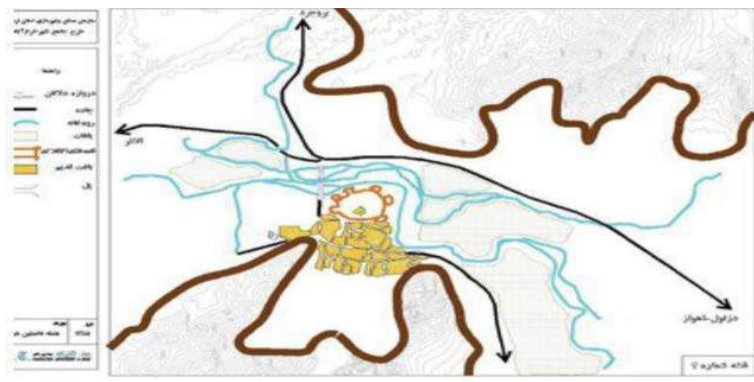


است و خرما بسیار دارد» (مستوفی، ۱۳۳۹: ۷۸). شهر خرم‌آباد در هجوم امیرتیمور به لرستان، سخت آسیب دید و بارها به تصرف امرای محلی و پادشاهان ایران درآمد، ولی به‌رغم تمامی این تهاجمات و صدمات تا به امروز به حیات و موجودیت خود ادامه داده است. در گذشته، اطراف شهر حصارى دیده می‌شد که در اصطلاح قدما بدان دیوار «شارستان» می‌گفتند. این بارو که دارای ۱۲ برج دیده‌بانی و دو دروازه به‌طرف شمال و جنوب بود، به ۱۲ برجی شهرت داشت و تا اواخر دوره‌ی قاجار همچنان دیده می‌شد، ولی امروزه دیگر اثری از آن باقی‌نمانده است (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۶). به احتمال، آب شهر شاپورخواست از طریق نهري که از دو قسمت شرقی شهر می‌آمده، یعنی رودخانه‌ی کرگانه، تأمین می‌شده است و شاید پس از خشک شدن این نهر از دلایل ترک این منطقه و اشغال بخش‌های شمال‌غربی و غربی، یعنی منطقه‌ای که هسته‌ی اولیه‌ی خرم‌آباد در آن شکل‌گرفته است (جوادی و برازجانی، ۱۳۷۹). به هرحال روی کار آمدن دودمان خورشیدی در واپسین سال‌های قرن ششم هجری قمری که خاستگاهی غیر از شاپورخواست داشتند، شاید می‌توانسته در شتاب بخشیدن به چنین تغییری در دره‌ی خرم‌آباد و انتقال شهر از جنوب شرقی به غرب آن مؤثر بوده باشند (مهجور و اسلامی‌نسب، ۱۳۹۰). دو مقبره از سلسله‌ی اتابکان لر کوچک در این شهر باقی‌مانده است، مقبره‌ی «شاه شجاع‌الدین خورشید» و مقبره‌ی «خضر». مقبره‌ی شجاع‌الدین، سرسلسله‌ی اتابکان لر کوچک در این شهر واقع است، پلان مقبره مستطیل‌شکل و پلان داخلی آن هشت‌ضلعی و هر ضلع آن ۲/۵ متر است. سبک معماری گنبد آن نار دو پوسته و مواد و مصالح آن سنگ گچ است؛ ارتفاع گنبد از سطح زمین ۱۲ متر است. این اثر به احتمال زیاد مربوط به سرسلسله‌ی اتابکان لر کوچک شجاع‌الدین خورشید است که به واسطه‌ی عدالت و دادگستری مقبره‌ی وی مورد احترام اهالی قرار گرفته است. مقبره‌ی خضر در میان گورستان عمومی شهر خرم‌آباد که در جنوب شهر واقع است؛ مقبره‌ای که به نام «خضر زنده» مشهور و در نزد مردم از قداست بالایی برخوردار است. این آرامگاه در کنار جاده‌ای که از خرم‌آباد به شهر کوهدشت راه دارد، نمایان است. بخش بیرونی و نمای ساختمان آن چندان قدیمی به نظر نمی‌رسد، ولی وضع داخلی آن قدمت بیشتری را نشان می‌دهد (ایزدینا، ۱۳۶۳، ۱۲۸). بنای مقبره، چهارگوش است که

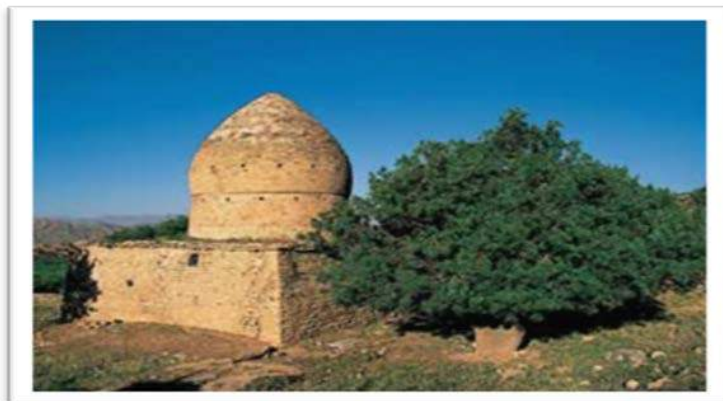
بر روی پایه‌ها ابتدا تاق‌های زنجیره‌ای زده شده و سپس بر روی پیوند تاق‌های زنجیره‌ای تاق اصلی استوار است. ارتفاع گنبد بیش از هشت متر است. روی قبر، معجر چوبی مشکی قرار داده شده است (همان: ۱۲۴). گنبد آن به شکل پیوسته کار شده است. مصالح آن: آجر، چوب، سنگ تراش خورده، خشت و گچ است. نقشه‌های به دست آمده از این شهر نشان می‌دهد که هسته‌ی اولیه‌ی این شهر در شمال غرب و غرب قلعه‌ی مشهور فلک افلاک شکل گرفته است.



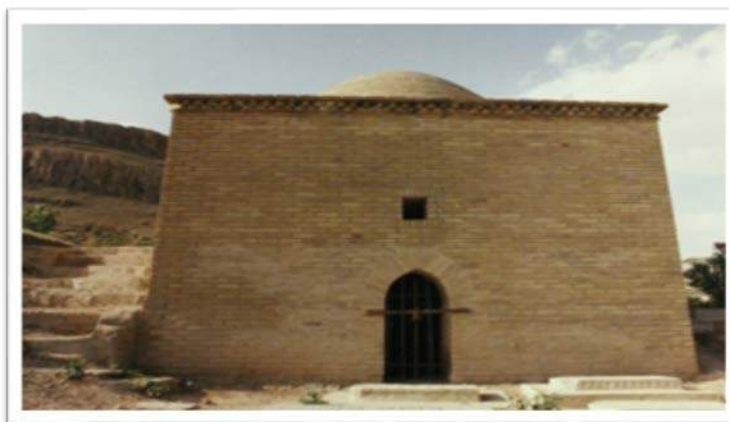
تصویر ۷. موقعیت شکل‌گیری شهر جدید خرم‌آباد نسبت به شهر قدیم شاپورخواست (Google Earth).



تصویر ۸. هسته‌ی نخستین شهر خرم‌آباد در غرب مجموعه‌ی فلک افلاک (Google Earth).



تصویر ۸. نمایی از مقبره‌ی شاه شجاع‌الدین خورشید (نگارندگان).



تصویر ۹. نمای جنوبی خاوری آرامگاه خضر (آرشبو سازمان میراث فرهنگی لرستان).

کوهدشت

کوهدشت از مناطق باستانی لرستان است، نام این شهر در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی بعد از اسلام آمده و از آن با عناوین «کورشت» یا «کودشت» یاد شده است. این شهر، گویا در دوره‌ی اتابکان رونق چندانی نداشته حتی در تاریخ سیاسی اتابکان نام آن اصلاً به میان نیامده، ولی از ناحیه‌ای در جنوب آن موسوم به «مانرود» یا «مایرود» بارها نام‌برده شده است؛ به طوری که برخی از مورخین اصل و منشأ تمامی لرها را از آن منطقه می‌دانند و گفته می‌شود زادگاه اتابکان نیز در مایرود بوده است (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۴۹). مستوفی در مورد

کوهدشت می نویسد: «کورشت، شهری بزرگ بوده و آن خراب است» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۹). همچنین مؤلف نزهةالقلوب از ولایتی در نزدیکی کوهدشت نام می برد که «سمسا» (سهما، سمها، سمیا) نام داشته که امروزه شناخته شده نیست؛ مؤلف مذکور اظهار می دارد: «سمسا ولایتی است از حساب مایرود سی پاره دیه است و درو قلعه ای است که دز سیاه خوانند» (همان: ۷۸۰). در تصویر (۱۰) موقعیت دشت کوهدشت و «قلعه ی چنگری» که زمانی مقر حاکمان لر کوچک بوده است، نشان داده شده است. در مورد این، بیشتر از مطالب یاد شده در دست نیست.



تصویر ۱۰. نمایی از دشت کوهدشت و خرابه های قلعه ی چنگری (نگارندگان).

الشتر

این شهر، از شهرهای کهن و قدیمی لرستان به شمار می آید. در گذشته به علت قرار گرفتن آن بر سر شاهراه باستانی ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده و در اغلب کتاب های تاریخی و جغرافیایی بعد از اسلام نام آن به صورت های «لیشتر»، «لاشتر»، «الاشتر»، و «اشتر» ضبط شده و در مورد آن اظهار نظرهای گوناگونی شده است. نام الشتر نیز در دوره ی اتابکان لرستان کمتر به میان می آید و در مورد میزان نفوذ و تسلط امرای لر بر این ناحیه اطلاع چندانی در دست نیست (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۵۰-۱۴۹). حمدالله مستوفی آن را جزو سرزمین کردستان آورده و در مورد آن می نویسد: «الیشتر، شهری وسط است و جای نزه و درو آتش خانه ای اروخش نام بوده است» (همان: ۱۲۵).

دهلران

در ناحیه‌ی لر کوچک، غیر از شهرهای فوق، شهر دیگری موسوم به «دهلران» بوده است. این شهر در تاریخ گزیده به صورت «دلرو ملاح و کرو ملاح» و در نسخه‌ای که در دست مینورسکی بوده به صورت «دلور» آمده و محل قشلاق شجاع‌الدین خورشیدی سر سلسله‌ی اتابکان لر کوچک بوده است. ایرج افشار در کتاب عیلام و تمدن دیرینه آن (۱۳۷۲: ۱۲۷)، درباره‌ی دهلران آورده است: «از آنجا که از گذشته‌های دور مردم ساکن این شهرستان را لران تشکیل می‌دادند، این سرزمین به «ده لر» معروف شد و به مرور زمان به «ده لران» و سپس دهلران تغییر نام داد. مؤلف نزهةالقلوب در مورد این شهر توضیح نداده و تنها نوشته است که قشلاق شجاع‌الدین خورشید بوده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۸). شهرستان دهلران، امروزه در جنوب شرقی استان ایلام واقع است، مرکز این شهرستان شهر دهران است.

گریت

از جمله شهرهای دیگری که در دوره‌ی اتابکان لر کوچک از معروفیتی برخوردار بوده، شهر گریت است. گریت امروزه از نظر کشوری یکی از دهستان‌های بخش پاپی است که شامل ۳۹ روستا و دهکده است. دهکده‌ی «سرتنگ قلا» مرکز گریت است. گریت در گذشته منطقه‌ی پر رونق و صاحب نامی بوده است و اوج ترقی آن مربوط به دوره‌ی سلاطین لر کوچک است. در کتاب‌های تاریخ از آن به نام‌های گریت و گاهی به نام شهر گریت یاد شده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۱۵۰). شهر گریت در قرن هفتم هجری قمری شهری آباد بوده، چنان‌که نخستین امرای لر کوچک از جمله شجاع‌الدین خورشید، سیف‌الدین رستم و عزالدین گرشاسپ، مرکز فرمانروایی خود را در این شهر قرار دادند. ولی از قرن هشتم هجری قمری به بعد این شهر رونق خود را از دست داد. حمدالله مستوفی آن را جزو شهرهای خراب منطقه‌ی لر کوچک ذکر کرده است و می‌نویسد: «از شهرهای آنجا سه شهر خرابند، گریت، لورش و سیمره» (مستوفی، ۱۳۳۹: ۵۶۱). شهر گریت همچنین دارای دژ مستحکمی بوده که مشرف بر شهر و راه‌ها یا اطراف بوده و امروزه نیز آثار آن بر روی کوهی به نام «سرتنگ» به چشم می‌خورد. همان‌گونه که در تاریخ سیاسی اتابکان گفته شد، عزالدین گرشاسپ و همسرش «ملکه خاتون» یک بار



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هفتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

برای خلاصی از دست «حصام‌الدین خلیل» به این دژ که در آن زمان به «قلعه‌ی گریت» شهرت داشت پناه آوردند (خودگو، ۱۳۷۸: ۱۵۱). در بازدیدی که نگارندگان از این دژ و شهر انجام داده است، موقعیت دژ و شهر را در تصویرهای ذیل نشان داده است؛ به نظر می‌رسد از دلایلی که باعث شد اتابکان لر کوچک به این منطقه توجه کنند موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی آن بوده است. شهر گریت به‌گونه‌ای ویران شده است که بازسازی ویژگی‌های معماری و شهری آن غیرممکن است، و به‌جز آجرهای فروریخته در سطح آن چیزی دیگر باقی‌نمانده است. اندازه‌ی آجرهایی که در شهر گریت و در قلعه‌ی آن به‌کار رفته ۲۰×۲۰×۵ بوده است. امروزه از قلعه‌ی گریت جز پایه‌های چند برج و داغ دیوارهای اتاق‌های آن چیزی دیگری باقی‌نمانده است، ولی موقعیت آن، به‌گونه‌ای است که از یک‌طرف راه نفوذ به داخل قلعه دارد، و همچنین موقعیت استراتژیک آن در گذشته دژ مستحکمی در مقابل دشمنان بوده است. امروزه شهر گریت باستانی، تبدیل به زمین‌های کشاورزی روستاییان شده است. به نظر می‌رسد در زمان آبادانی شهر و قلعه، مردم عادی در پایین دژ و سربازان و افراد بلندمرتبه در قلعه جای داشته‌اند.



تصویر ۱۱. نمایی از شهر گریت که امروزه تبدیل به زمین‌های کشاورزی روستاییان شده است (نگارندگان).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، فهرست شهرهای اتابکان که در کتاب‌های قدیمی که در آن زمان‌ها نگاشته شده، نام‌برده شده بود، آورده شد. این کتاب‌ها هیچ اطلاعاتی درباره‌ی ویژگی‌های شهرنشینی آن دوران ارائه



تصویر ۱۲. نمایی از موقعیت دژ و محدوده‌ی شهر گریت که شهر بیشتر به سمت غرب کشیده شده است (نگارندان).

نمی‌دهند و فقط به توصیف، گذرا از شهر کرده‌اند. با کاوش و مطالعات باستان‌شناختی در این شهرها می‌توانیم اطلاعات بیشتری کسب کنیم؛ ولی همین قدر روشن است که اتابکان لرستان در بحث شهرنشینی و معماری قلعه‌های خود تلاش بسیار داشته‌اند و بیشترین نمود ساخت و ساز آن‌ها در ساخت بناهای مذهبی و آرامگاهی برای بزرگان خود و همچنین ساخت دژها و قلعه‌های مستحکم بوده است. ولی با همین توصیفات شهرهای مذکور در این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که عوامل مختلفی در آن دوران موجب از رونق افتادن و خرابی شهرها شده بود که حتی امروزه شهری که بافت آن دوره را مشخص کند به دست ما نرسد؛ به نظر نگارندگان، یکی از عواملی که باعث شده بود اتابکان لر کوچک به زندگی شهری و بناهای عام‌المنفعه روی نیاورند، رشد و گسترش زندگی کوچ‌نشینی در این دوران بود که این زندگی نقطه‌ی مقابل زندگی شهرنشینی و یکجانشینی بود. دلیل دوم، ماهیت حکومت و سیاست آن‌ها بود. در آن دوران به دلیل جنگ و ناامنی و اوضاع کشور، و حملات مختلف به شهرهای ایران، این سلسله مرکز حکمرانی و سلطنت خود را در دژهایی که دسترسی به آن‌ها خیلی سخت بود انتخاب می‌کردند، مانند: قلعه‌ی گریت، قلعه‌ی منگره. دلیل سوم، از لحاظ اقتصادی بود که در آن زمان، در شهرها حکم فرما بود. در آن دوران به دلیل اوضاع ناامن کشور، امرای اتابکان قلعه‌های خود را برای مسکن اول خود انتخاب می‌کردند و این قلعه‌ها را با برج و بارو و دیوارهای مستحکم می‌ساختند. این قلاع در آن زمان، نقش مهمی در



جریانات سیاسی برای اتابکان داشتند و همواره مامن و پناهگاه امرای لرستان در مقابل تهاجمات بیگانگان بوده‌اند. از باقی‌مانده‌ی مقبره و قلعه‌ها روشن می‌شود که در این دوران، سنگ و ملاط گچ و ساروج از مصالح عمده بود که در ساخت شهرها نیز استفاده شده است. آجر و چوب هم در بعضی بناها استفاده شده است، مانند مصالح آجر در خرابه‌های شهر گریت. در این دوران در کنار هر شهری که در این تحقیق توصیف شدند، قلعه‌ای مستحکم ساخته شده بود یا از قبل وجود داشت که در این قلعه‌ها افراد بلندمرتبه جای داشت و مردم عادی در پیرامون قلعه جای داشتند، مانند قلعه‌ی گریت و شهر گریت در پایین آن، قلعه‌ی رومیان و شهر بروجرد در اطراف آن.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۲)، الکامل، ترجمه‌ی عباس خلیلی، به تصحیح: مهیار خلیلی، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپ و نشر کتاب ایران.
- اسکندر بیک ترکمان (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۱، به تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اکبری، مسعود (۱۳۹۱)، آثار باستانی و تاریخی لرستان.
- افشار، ایرج (۱۳۷۲)، عیلام و تمدن دیرینه آن، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، جلد ۱ و ۲، خرم آباد، نشر آگاه.
- ابراهیم اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۵)، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات بنگاه علمی و فرهنگی.
- بهرامی، روح‌الله؛ و صلاح، مهدی (۱۳۹۰)، «دولت آل خورشید و خلافت عباسی بررسی مناسبات سیاسی. اتابکان لر کوچک با دربار خلافت عباسی (۵۶۵، ۵۵۰ ه.ق.)»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، سال سوم (پیاپی ۱۱)، صص: ۷۷-۹۸.
- پطروشفسکی، ایلینا پاولویچ (۱۳۷۵). کشاورزی و مناسبات اراضی در ایران، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: انتشارات نیل.
- جوادی، محمدرضا؛ و نوروز برازجانی، ویدا (۱۳۷۹)، شناسایی تپه‌ها و معرفی غارهای دره‌ی خرم‌آباد، جلد ۱ و ۲، خرم‌آباد: مرکز اسناد

میراث فرهنگی لرستان.

- جویینی، عظاملک (۱۳۳۴)، تاریخ جهانگشای جویینی، به سعی و اهتمام: قزوینی، تهران: لیدن.

- حمزه‌ی اصفهانی (۱۳۴۶)، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیاء)، ترجمه‌ی جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- حموی، یاقوت (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه‌ی محمدپروین گنابادی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- خودگو، سعادت (۱۳۷۷)، اتابکان لر کوچک، خرم‌آباد: چاپ توحید، چاپ اول.

- زیدان، جرج (۱۳۵۲)، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه‌ی علی جواهرکلام، تهران،

- صدفی، رزق‌الله منقریوس (۱۹۱۷)، تاریخ دولال اسلام، جلد: ۱، مصر: چاپخانه هلال.

- فهیمی، مهدی (۱۳۸۸)، نقش میرهای سیمره در تاریخ لرستان در عصر قاجاریه و پهلوی، خرم‌آباد: چاپاول، انتشارات شاپورخواست.

- قفس‌اوغلی، ابراهیم (۱۳۶۷)، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه‌ی داود اصفهانیان، تهران: چاپاول، انتشارات گستره.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهةالقلوب، به سعی و اهتمام: محمد دبیرسیاقی، تهران: چاپخانه ارمغان، چاپ اول.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: چاپ امیرکبیر.

- مولانا بروجردی، غلامرضا (۱۳۵۱)، تاریخ بروجرد، تهران: انتشارات صدر.

- میر، نصرت‌الله (۱۳۸۷)، تاریخ پانصد ساله لرستان، خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست.

- مینورسکی، دودب (۱۳۶۲)، دوسفرنامه درباره‌ی لرستان، ترجمه‌ی اسکندر امان‌الهی بهاروند و لیلی بختیاری.

- نامعلوم (۱۳۶۴)، عالم‌آرای صفوی، تصحیح: یدالله شکری، تهران: چاپاول، انتشارات اطلاعات.

- نصرالهی، پیرحیاتی؛ و عبدالله، مهدی (۱۳۹۰)، «هسته‌ی تاریخی و روند گسترش شهر بروجرد در دوران اسلامی»، مجموعه مقالات اولین

همایش معماری و شهرسازی ایران، تبریز.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، منتخب التواریخ، تصحیح: پروین
اصطخری، تهران، انتشارات اساطیر.
- یوسف کیانی، محمد (۱۳۶۵)، نظری اجمالی به شهر نشینی
و شهرسازی درایران، تهران: ارشاد اسلامی با همکاری هواپیمائی
جمهوری اسلامی ایران هما.



BASTAN SHENAKHT
SPECIAL SCIENTIFIC
BIANNUAL JOURNAL
Special Scientific Biannual
Journal Academic Institute
of Archaeology University
of Mohaghegh Ardabili

VOL. 5, NO. 8

Autumn-Winter

2019

8



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و مینا
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

تأثیر روستاهای تاریخی در جذب گردشگران (مطالعه‌ی موردی: روستاهای استان اردبیل)

حمید خانعلی

دانش آموخته‌ی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس
hamid.khanali@modares.ac.ir

افراسیاب گراوند

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

مهران خالدی‌پاوه

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

از صص: ۹۰-۷۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

چکیده

گردشگری روستایی به‌عنوان شکلی جدیدی از گردشگری با هدف توسعه‌ی پایدار جوامع محلی در مناطق روستایی مطرح است. گردشگری روستایی یا همان فرهنگ قوی روستاها با تأثیرگذاری در سه بُعد اجتماعی، پایداری اقتصادی و محیطی، ضمن جلب مشارکت جامعه‌ی محلی در توسعه‌ی اقتصادی ملی با پتانسیل حفظ و حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست باعث پایداری محیط می‌شود؛ لذا با توجه به اهمیت توسعه‌ی پایدار و وجود یک رابطه‌ی قوی بین گردشگری روستایی با پیشرفت جوامع و با توجه به ویژگی بارز گردشگری روستایی به مثابه یکی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری، می‌توان انتظار داشت که این صنعت، از یک سو به رشد اقتصادی و تنوع فعالیت‌های روستایی و از سوی دیگر با جذب مازاد نیروی انسانی، به ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای ساکنان روستاها کمک کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، در جهت تدوین مبانی و داده‌های نظری بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد معتبر است؛ همچنین مشاهدات و گزارش‌های طرح‌های مرتبط در این پژوهش استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر روستاهای استان اردبیل در کنار جاذبه‌های طبیعی خود روستاها، بناهای تاریخی روستاها و فرهنگ‌های قومی در خود محل، نظیر: گویش و زبان ویژه، لباس و پوشش زیبای محلی، جشن‌ها و مراسمات خاص و صنایع دستی متنوعی هستند که در صورت معرفی این جاذبه‌ها و برنامه‌ریزی مناسب در زمینه‌ی جذب گردشگران داخلی و خارجی می‌توان زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی مناطق این روستاها را فراهم آورد.

کلیدواژگان: استان اردبیل، روستاها، گردشگری، فرهنگ قومی، توسعه.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین مشکلات در کشورهای در حال توسعه، مسائل و چالش‌های توسعه‌ی روستایی است؛ چراکه راهبردها و اهداف گذشته در زمینه‌ی توسعه‌ی روستایی موفقیت‌آمیز نبوده و نتوانسته است تا عمده مسائل روستاها را در حوزه‌ی معیشت پایدار و بهبود زندگی روستاییان را تأمین کند. این توسعه‌ی فضایی باعث شده است که در سال‌های اخیر، توسعه‌ی روستایی مورد توجه برنامه‌ریزان، نظریه‌پردازان و مجریان حکومتی قرار گیرد و در اهم موارد معطوف به اقدام، مدنظر باشد (حسین پور، ۱۳۸۹). امروزه استفاده از ظرفیت‌های نهفته در مناطق و نواحی روستایی با گردشگری هدف کمک به اعتلا و توسعه‌ی این نواحی و تسریع روند توسعه‌ی درون‌زای مناطق از ابزارهای اساسی برای تحقق توسعه‌ی پایدار مناطق روستایی به‌شمار می‌رود. مقوله‌ی گردشگری روستایی نیز در شمار اولویت‌های اساسی است. در طی سال‌های اخیر، گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صنایعی که از پتانسیل‌های لازم برای کمک به جوامع محلی در راستای توسعه‌ی فعالیت‌های اقتصادی برخوردار می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است (رضائی و رنجبران، ۲۰۱۱). استان اردبیل با طبیعت بی‌نظیر و با حفظ فرهنگ بومی و محلی، به‌ویژه در مناطق روستایی، یکی از استان‌های برتر و در حال رشد کشور در زمینه‌ی توسعه‌ی صنعت گردشگری روستایی بوده و هم‌اکنون روستاهای نمونه‌ی گردشگری اردبیل با تلفیق فرهنگ و سنن بومی با جاذبه‌های سحرانگیز طبیعت به مقصد گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شده است. امروزه یکی از شاخه‌های در حال توسعه‌ی صنعت گردشگری در دنیا، گردشگری روستایی است، این مهم با توجه به اهمیت در کشور ما نیز در حال توسعه بوده و بنا به آمارهای ارائه شده طی هفته‌ی اول سفرهای نوروزی سالیان اخیر، ورود گردشگران به مناطق روستایی بیش از ۷۶ درصد رشد داشته است؛ بر همین اساس استان اردبیل نیز با برخورداری از ۱۰ روستای نمونه‌ی گردشگری که ترکیبی از جاذبه‌های طبیعی بکر و دست‌نخورده و آثار تاریخی و باستانی است، می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم کشور در این شاخه‌ی گردشگری باشد؛ منوط به این‌که روستاهای هدف گردشگری استان معرفی و شناسانده شوند. در این مقاله تلاش می‌شود برخی از روستاهای دارای جاذبه‌ی گردشگری

طبیعی و نیز تاریخی، براساس موقعیت جغرافیایی، فرهنگی، آثار طبیعی و باستانی و... معرفی شوند.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با انجام مطالعات میدانی همراه است. ابتدا کلیات نظری پژوهش و مرتبط با گردشگری روستایی و تحلیل آثار آن در زمینه‌سازی برای توسعه‌ی روستاها تشریح شد. در ادامه به معرفی و آداب و رسوم روستاهای استان اردبیل که از لحاظ فرهنگ بومی مشهور بودند، پرداخته شد. در نگارش این مقاله از مطالعات کتابخانه‌ای و نیز روش میدانی به صورت بازدید از روستا و مشاهده جاذبه‌ها بهره گرفته شده است.

مفهوم توریسم روستایی

واژه‌ی مفهوم توریسم روستایی، مدت زیادی نیست که در دنیا مرسوم شده، اما با توجه به این‌که باعث رشد اقتصادی و ایجاد تنوع فعالیتی، اشتغال‌زایی و افزایش درآمد برای ساکنان روستایی می‌شود، از سوی جامعه‌ی بین‌المللی در سیاست‌های توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای برپتانسیل‌های، این امر بسیار تأکید شده است (مطیعی‌لنگرودی و نصرتی، ۱۳۹۰: ۷۰).

گردشگری در هر روستا بیش از هر چیز به سرمایه‌های جغرافیایی، کیفیت مناظر طبیعی و آثار تاریخی و فرهنگی بستگی دارد. گردشگری روستایی می‌تواند راهبردی برای توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی دولت از نظر اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی باشد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰). مسلماً گردشگری روستایی نقش اساسی در میزان توسعه و حفظ ذخایر، نواحی روستایی ایفا می‌کند. با فرض اهمیت گردشگری به‌عنوان فعالیتی گسترده و عمومی و تأکید روزافزون در حیطه‌ی سیاست‌های توسعه‌ی محلی و منطقه‌ای و با در نظر گرفتن این موضوع که تعریف مشترك و قابل‌قبولی از گردشگری روستایی وجود داشته باشد، توسعه‌ی گردشگری امری ضروری به نظر می‌رسد، به‌خصوص با توجه به این‌که ویژگی‌های این فعالیت در محل‌های خاص، به‌وضوح گردشگری روستایی را از شکل‌های دیگر گردشگری مجزا می‌نماید. در مجموع گردشگری روستایی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود:



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

«گردشگری روستایی، شامل هر نوع فعالیت تفریحی و گذران اوقات فراغت است با دریافت خدماتی از قبیل: غذا، محل اقامت و محصولات محلی از ساکنان محلی در مکانی که از نظر قوانین و مقررات جاری کشور یا از نظر ماهیت اقتصادی و فرهنگی، روستا محسوب می شود (افتخاری و قادری، ۱۳۸۱: ۲۸).

توریسم روستایی

روستاها، واحدهای همگن اجتماعی، طبیعی، اقتصادی و... هستند که در آنجا افرادی که دارای عقاید و افکار تقریباً مشترکی دارند، به سر می برند. روستاییان برای امرار معاش و گذران زندگی خویش، ناگزیر از انجام فعالیت هایی که عمدتاً شامل: کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و یا ترکیبی از این ها می باشد، را دارا هستند. در کشورهای جهان سوم، روستاییان و کشاورزان با وجود کار و کوشش فراوانی که انجام می دهند همواره جز. قشر کم درآمد جامعه به شمار می روند و در تأمین مخارج و هزینه های زندگی دچار مشکل هستند. در روستاها پتانسیل های فراوانی وجود دارد که می تواند منبع درآمد خوبی برای روستاییان باشد. توریسم روستایی می تواند به عنوان منبع جدید درآمدی برای روستاییان و به ویژه روستاییان کشورهای در حال توسعه باشد و تا اندازه های مشکلات آن ها را حل و یا لاقط تقلیل دهد. این امر مستلزم مدیریت و برنامه ریزی خاصی است. توریست ها افرادی هستند که ممکن است براساس حس کنجکاوی خود به روستاها سفر کنند، تا علاقمندی خود را برای خرید محصولات روستا از قبیل: صنایع دستی، محصولات محلی، غذاهای سنتی و... ابراز نموده و این به معنی افزایش درآمد روستاییانی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت دخیل هستند؛ علاوه بر این احداث راه اندازی هتل ها و رستوران ها و به طور کلی اماکن تفریحی و ورزشی با ایجاد اشتغال از طرفی باعث افزایش درآمد و کاهش بی کاری و فقر می گردد (هشیاری، ۱۳۹۱).

جاذبه های گردشگری روستا برای گردشگران

مهم ترین جاذبه های روستایی که گردشگران جذب روستاها می شوند را می توان با توجه به جدول ۱ بیان نمود.

جدول ۱. مهم‌ترین جاذبه‌های روستاها برای گردشگران (میراحسنی و حسنعلی‌ملاک، ۱۳۹۳: ۹).

شرایط طبیعی و مورفولوژیکی روستا	جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی روستا
شیوه‌ی زندگی، آداب و رسوم و فرهنگ روستا	صنایع‌دستی و محلی
خانه‌ها و اماکن روستایی مانند کلبه‌ها، خانه‌های سنگی و کاه‌گلی	جاذبه‌های بکر پیرامون روستا
حیوانات بومی و محلی روستا	جاذبه‌های اقتصادی
از دیگر انگیزه‌های گرد شگرها می‌توان به هوایی، زمینی سیاحت، ورزش آبی و... فعالیت‌های اکتشافی، فرهنگی و فعالیت‌های مربوط به سلامتی را نیز نام برد.	داشتن گیاهان خاص و کمیاب

معرفی روستاهای استان اردبیل

روستای آتشگاه؛ مرکز آیین‌های زرتشتی ساسانیان

روستای باستانی و بیلابلی آتشگاه از توابع دهستان سبلان در فاصله‌ی پنج کیلومتری شمال شهر توریستی سرعین برفراز تپه‌ی باستانی که امروزه خرابه‌هایی از آن باقی مانده است، نشان و یادگاری از رونق این منطقه در دوران تاریخی گذشته‌ی ایران و آذربایجان است. این روستا از باستانی‌ترین مکان‌های شهر سرعین و استان بوده و در حال حاضر بر اثر عوامل طبیعی در کنار سایر عوامل نظیر ساخت و سازها برفراز تپه‌ی باستانی باعث از بین رفتن تدریجی بنای آتشکده شده است. ولی تپه‌ی باستانی آن به صورت تپه‌ای مرتفع در داخل روستا به خوبی نمایان است. بر اساس روایت‌ها و اسناد تاریخی این مکان از مراکز مهم و مقدس آیین زرتشتی، خصوصاً در دوران ساسانیان بوده و معبدی هم در آنجا قرار داشته که از بین رفته و آثاری از آن باقی‌نمانده است؛ علاوه بر آن در داخل روستا و در دل زمین لوله‌های سفالی قرار دارد که قدمت آن مشخص نیست. در زیر تپه‌ی غاری به نام «کهل لر» با ورودی‌های متعدد وجود دارد که تعدادی از این مورد مسدود شده و از مجموع ورودی‌ها، دو مورد آن هنوز هم باز بوده و امکان رفتن به داخل آن را ممکن می‌سازد؛ هرچند به دلیل عدم مشخص بودن مسیر، تاریکی و ناشناس بودن هیچ‌کسی داخل آن نمی‌رود (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل، ۱۳۹۷).

این غار با توجه به موقعیت و شکل ظاهری آن شباهت زیادی به غارهای موجود در اطراف سرعین داشته و بنا به گفته‌ی اهالی این روستا، آثار باستانی شگفت‌انگیزی در زیرزمین و دور از انظار عمومی وجود دارد که تاکنون ناشناخته مانده است.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



شکل ۱. نمایی از روستای آتشگاه (نگارندگان، ۱۳۹۷).

روستای گلستان

روستای گلستان در فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری شهرستان نیر و چهار کیلومتری جاده‌ی نیر-اردبیل قرار گرفته و دارای طبیعی سرسبز و آب هوای خنک و معتدل بوده، اما آنچه این روستا را در بین روستاهای دیگر ممتاز کرده وجود غاری در دامنه‌ی جنوبی کوه نسبتاً بلندی موسوم به «قروچچی داغی» که نقش مهمی در زندگی مردمان دوران باستان در مواقع عادی و حمله‌ی دشمن داشته است، بررسی سفال‌هایی با لعاب قرمز رنگ و نخودی و ظروف سفالی حاوی غذا و قطعات اعضای گوسفند، بیانگر سنت تدفین قبل از اسلام و استقرار طولانی در دوران تاریخی قبل از اسلام در این روستا است. این غار و دژ نظامی زیرزمینی احتمالاً از متعلقات یک قلعه‌ی دوران تاریخی در روزهای مبادا و تسخیر قلعه به دست دشمن بوده است. غار و پناهگاه دارای مدخل‌هایی بوده که تنها ورود از مدخل غربی آن میسر می‌باشد. به‌طور کلی این غار و پناهگاه نظامی، دارای تالاری به ابعاد ۱۸ متر طول و ۴ متر عرض است. در این مجموعه، ۱۰ اتاق معمولی که دارای تاقچه‌هایی جهت قرار دادن وسایل روشنایی و سکوهایی جهت گذاشتن سایر وسایل است. همه‌ی اتاق‌ها دارای ورودی تونلی شکل هستند که همانند سقف اتاق‌ها، قوسی بیضی شکل دارند. در داخل این پناهگاه نظامی زیرزمینی هفت



عدد چاه شناسایی شده که برخی از آن‌ها چاه‌هایی جهت به دام انداختن مهاجمان احتمالی، برخی نیز مدخل گذرگاه‌هایی به منظور کنترل نمودن و نیز سخت کردن راه نفوذ کنندگان احتمالی، گنده شده‌اند. عمق چاه‌های منفرد حدود سه متر و عمق چاه‌های گذرگاه حدود دو متر است؛ همه‌ی این چاه‌ها دارای طرح و اندازه‌ی تقریباً یکسانی می‌باشند که با قراردادن درپوش مخصوص از بیرون و داخل در مواقع لزوم بسته می‌شده است. شکل این چاه‌ها همگی گنبدی شکل که اجزای بیرون آمدن را به فرد نمی‌دهد. این پناهگاه نظامی زیرزمینی، بیانگر هوشمندی و مهارت فوق‌العاده‌ی پدیدآورندگان آن در روزگار باستان است. ورودی‌های باریک که تنها منبع نورگیر آن می‌باشند، فضای تاریک داخلی همچنین وجود چاه‌های منفرد با کاربرد تله‌ای شکل آن و سایر فضاهای کشف نشده‌ی آن، استفاده از آن را برای بازدیدکنندگان بدون افراد آشنا به محل و تجهیزات ایمنی و روشنایی مشکل می‌کند. ولی با توجه به اهمیت و عظمت این مجموعه‌ی کنده شده در دل زمین، لزوم تهیه‌ی نقشه راهنما، تأمین روشنایی داخلی و تلاش در جهت کشف و شناسایی همه‌ی فضاهای کنده شده را ضروری می‌سازد تا علاوه بر کشف واقعیت‌های بیشتری در خصوص این مکان باستانی سبب استقبال گردشگران و محققان و علاقمندان بسیاری از این پناهگاه شود (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل، ۱۳۹۷).



شکل ۲. نمایی از روستای گلستان (همان: ۱۳۹۷).

دهکده‌ی سنگی و زیرزمینی ویند کلخوران

این روستا دهکده‌ای سنگی با مجموعه‌ای از خانه‌های سنگی منفرد به صورت یک پدیده‌ی معماری تاریخی و باستانی است که در حدود پنج کیلومتری جنوب و جنوب‌غربی سرعین و در نزدیکی جاده‌ی اردبیل-نیر قرار گرفته است. مناطقی که خانه‌های سنگی در آن قرار گرفته‌اند؛ قوردی‌قیه، تپه‌ی چله‌خانه، قره‌قیه و مسجدیری، نامیده می‌شود. بررسی‌های محدود و سفال‌های پراکنده در سطح و داخل خانه‌های سنگی مربوط به ادوار مختلف، از جمله دوره‌ی اشکانی و سفال‌ها و قوس‌های جناغی در کنده‌های صخره‌ای شبیه به آثار ساسانیان و دوران اسلامی، مانند: سلجوقی، تیموری و صفوی، حکایت از استمرار استفاده از این خانه‌های سنگی در طول تاریخ می‌باشد. بسیاری از این خانه و کنده‌های صخره‌ای، دارای پلانی مربع، مستطیل، بیضی‌شکل و غیرهندسی هستند که همه‌ی نوع زیستگاه اعم از اتاق‌های منفرد و مجتمع در ابعاد مختلف با راهروهای مرتبط به هم و سقف‌های هلالی‌شکل و قوس‌های جناغی، مسطح، با تاقچه‌ها، جاجرایی، جای رختخواب و غیره وجود دارند که در دل کوه‌ها و صخره‌های مذکور پراکنده‌اند و به لحاظ تعداد زیاد و تنوع آن‌ها و قابل توجه بودن از لحاظ تاریخی، باستانی و گردشگری می‌تواند به صورت یکی از کانون‌های علمی، تفریحی و گردشگری ممتاز درآید.



شکل ۲. نمایی از روستای دهکده‌ی سنگی و زیرزمینی ویند کلخوران (همان: ۱۳۹۷).

روستا و گورستان تاریخی اونار

روستای اونار در ۲۰ کیلومتری شرق مشگین شهر واقع شده و در آن از اوایل اسلام تا دوران معاصر، آثار فرهنگی بی شماری به چشم می خورد؛ از آن جمله: قلعه بربر، قبرستان اسلامی با سنگ افراشته و سنگ قبرهایی در اشکال و خطوط مختلف به نام «پیر»، درخت کهن سال چنار به نام «بابا چنار» با بیش از هزار و دویست سال قدمت در مرکز روستا و تپه های باستانی متعدد.

در روستای اونار مشگین شهر و در ۲۴ کیلومتری این شهر، گورستانی وجود دارد که سنگ قبرهای متنوع آن از نظر شکل و جنس و نبشته های متعدد جالب توجه است. روی سنگ قبرهای موجود در این گورستان نشانه هایی هم چون: ستاره ی شش پر، تصویر چکش ساده و جز آن دیده می شود. زیباترین این سنگ ها، یک جفت سنگ قبر افراشته به ارتفاع ۱٫۶۲ متر است که دارای نبشته ای است. در زیر سنگ نبشته ها محراب بوده و در بالای لچک آن دو گل هفت پر نقش یافته است. در بالای نبشته های ساقه و بالای آن کلاهکی با ۱۲ ترک، شبیه کلاه درویش وجود دارد و شهادتین با کلام «علی خلیفة الله» منقور است. در صورت ساماندهی قبرستان تاریخی اونار و جمع آوری سنگ قبرها و کتیبه های پراکنده در آن محوطه و تبدیل به موزه ی روباز و هم چنین احیاء دیگر آثار موجود در آن منطقه، از قبیل: قلعه بربر و امامزاده سید جعفر، واقع در مدخل روستا و نیز اهتمام به جنگل دره اونار در جهت توسعه و تبدیل آن به پارک جنگلی، می توان این منطقه را به عنوان یک مکان توریستی و گردشگری مهم به حساب آورد. آثار باستانی و تاریخی: دهکده ی اونار، مقبره ی سید جعفر، سنگ افراشته، قبرستان تاریخی، چنار کهن سال، قلعه بربر، مسجد جامع، مسجد حضرت علی علیه السلام، مسجد ابراهیم آباد و... است. آرامگاه مطهر سید جعفر بن موسی کاظم علیه السلام در شمال خاوری روستای انار از توابع بخش مشگین خاوری در وسط یک باغ سرسبز وسیع واقع شده است. این امامزاده، مسجدی بزرگ دارد که دارای سه درب است. قبر شریف امامزاده سید جعفر علیه السلام در ضلع جنوب خاوری مسجد قرار گرفته که در بالای آن بر سقف مسجد گنبدی بزرگ بنا شده است (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل).



دوفصلنامه ی علمی-تخصصی
باستان شناسی
نشریه ی انجمن علمی
گروه باستان شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه ی انتشار: باستان شناسی
شماره ی هشتم
دوره ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



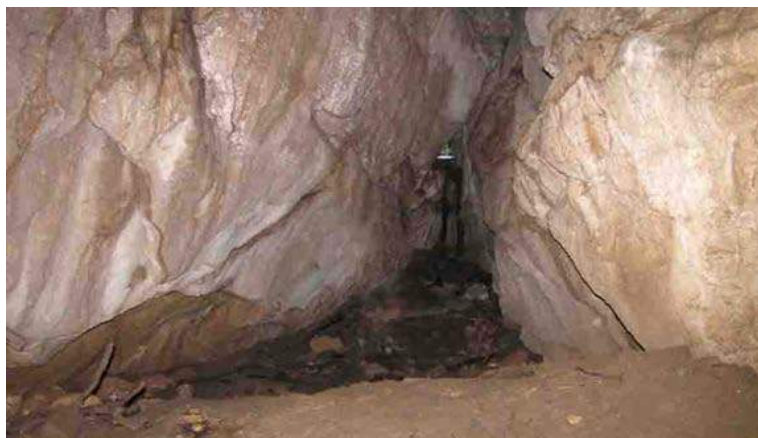
شکل ۴. نمایی از قبرستان روستای اونار (همان: ۱۳۹۷).

روستای ایلانجیق

روستای ایلانجیق که در ۹ کیلومتری غرب نیر در کنار جاده‌ی ارتباطی نیر به سراب قرار گرفته و دارای طبیعتی زیبا با باغ‌های بکر و طبیعی می‌باشد؛ رودخانه‌ی «بالقلوچای» که در امتداد خود از وسط شهر اردبیل نیز عبور می‌کند، از میان باغ‌های بهشتی این روستا عبور کرده و جاذبه‌ای سحرانگیز را در برابر چشم گردشگران ایجاد می‌کند. همچنین این روستا، دارای دو دهنه آبگرم معدنی به نام‌های «حمام دره‌سی» و «ایستی سو» است که این آبگرم‌ها از دسته آب‌های کلروسدیک و بی‌کربناته می‌باشند و درجه‌ی حرارت آن‌ها به ترتیب ۳۳ و ۴۸ است. این آبگرم‌های طبیعی و معدنی برای درمان دردهای عصبی و رماتیسم مفید است. این منطقه در سال ۸۸ به‌عنوان منطقه‌ی نمونه‌ی گردشگری با درجه‌ی استانی مورد تصویب دولت قرار گرفته است (همان: ۱۳۹۷).

روستای بیلاقی و باصفای بیله‌درق

روستای بیلاقی و باصفای بیله‌درق از توابع دهستان آبگرم در ارتفاع ۱۸۲۰ متر از سطح دریا در کف و دامنه‌های تپه‌های شمال و جنوب دهکده و در فاصله‌ی سه کیلومتری شمال سرعین قرار گرفته است. این دهکده بیلاقی با آب و هوای مطبوع و دلپذیر از جاذبه‌های توریستی منطقه‌ی سرعین بوده که به سبب برخورداری از مواهب طبیعی مانند



شکل ۵. نمایی از غارهای روستای ایلانجیق (همان: ۱۳۹۷).

آب‌های معدنی جهت استعمال داخلی و خارجی، دره‌ای زیبا با درختان و چمن‌زارهای پر از گل و گیاه، کندوهای عسل که در چمن‌زارها گسترانیده شده، جلوه و جذابیت خاصی به این دهکده بخشیده است. وجود محل‌های اقامتی، کافه‌ها و رستوران‌هایی با تخت‌ها و میز و صندلی‌های چیده شده در زیر برگ‌های درختان به صورت چتری بزرگ و سایه‌بانی طبیعی باعث استقبال گردشگران از جاذبه‌های این روستا می‌شود. از جاذبه‌های طبیعی این دهکده می‌توان به وجود آبشارهایی در طول مسیر رودخانه‌ی بیلهدرق اشاره کرد. این روستا همچنین دارای غارهای بزرگ و کوچک در دل کوه‌ها و صخره‌ها است که هر کدام از آن‌ها دارای جاذبه‌های خاص می‌باشد؛ از میان این غارها، غاری با دهانه‌ی بزرگ و عریض که از فراز تپه‌ی بیلهدرق نمایان است، مکانی طبیعی و مناسب جهت استراحت گردشگران مهیا ساخته است. آب و هوای خنک، اماکن اقامتی، تفریحی، خدماتی، جوشش آب معدنی، آبگرم، نوع بافت منازل مسکونی، بافت سنتی، صنایع دستی و محلی از شاخصه‌های این روستا است (همان: ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

مرمت و بازسازی روستاهای دارای هدف گردشگری، موجب تقویت نقش گردشگری روستایی شده و می‌تواند منافع بسیاری هم برای دولت و هم برای اهالی خود روستا مهیا سازد. امروزه گردشگری



شکل ۶. نمایی از غارهای روستای ایلانجیق (همان: ۱۳۹۷).

روستایی به‌عنوان یک فعالیت جهانی با توجه به سه اصل ایجاد اشتغال و درآمدزایی، رضایت گردشگر و حفظ محیط زیست اهمیتی دوچندان اقتصادی جوامع روستایی باشد، یافته است. معماری سنتی و بافت‌های تاریخی ساختمان‌های این روستاها که آثار آن در وضعیت موجود در روستاها نیز دیده می‌شود، متناسب با شرایط خاص اقلیمی و زیستی و توپوگرافی منطقه و نیز شرایط معیشتی مردم داشته است. سنگ و چوب به‌عنوان اصلی‌ترین مصالح بوم‌آورد منطقه، که در خود پیرامون روستا وجود دارند نقش اول را در احداث ساختمان‌ها، این روستاها برعهده داشته است.

روستاهای اردبیل به دلیل ویژگی‌های محیطی-اکولوژیک، گوناگونی جاذبه‌ها، پتانسیل بسیار مناسبی برای توسعه گردشگری را در خود جای داده است که می‌توان با توسعه گردشگری، زمینه و محیط را برای توسعه پایدار روستا را فراهم نمود. در این پژوهش، روستاهایی معرفی شدند که از لحاظ معماری بوم‌آورد، شاخص بودند که لزوم برنامه‌ریزی برای حفظ بافت آن‌ها از طرف مسئولین دولتی و خود مردم برای آن‌ها به‌کار گیرند.

روستاهایی که در این پژوهش معرفی شدند، با داشتن فرهنگ غنی بومی، می‌توانند در جذب گردشگران که از زندگی ماشینی خسته شده‌اند، به‌سوی خود بکشاند. بیشتر این روستاها دارای بافت قدیمی هستند که مسئولین می‌توانند در کنار توجه به فرهنگ بومی و احیاء

و باز زنده‌سازی آن‌ها، نوسازی و مرمت آن‌ها با حفظ بافت کالبدی روستاها پیردازد تا با این اقدامات زمینه‌ی هرچه بیشتر گردشگران را جلب کند.

راهبردهای پیشنهادی

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت بافت‌ها و معماری بومی که در روستاها وجود دارد، علی‌الخصوص روستاهای استان اردبیل می‌تواند بر صنعت گردشگری تأثیر بگذارد؛ در صورتی که امکاناتی و راهبردهایی در این روستاها ایجاد شود. در پایان پیشنهادات ذیل برای توسعه‌ی این صنعت در روستاهای این استان ارائه می‌شود:

- اهمیت دادن به بافت‌ها و معماری روستایی.
- توجه به آداب و رسوم نیاکان با برپایی همایش‌ها و سخنرانی‌ها در خود روستاها.
- گسترش روح تعامل و پیوند اجتماعی در بین ساکنان روستایی.
- فرهنگ بومی روستاها برای گردشگران ترویج شود، مانند معرفی اقلام غذایی محلی و صنایع دستی در داخل خانه‌هایی که استفاده کاربردی ندارند.
- مطلع ساختن گردشگران درباره‌ی روستاها که از لحاظ معماری و بافت تاریخی شاخص هستند.
- آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم در مورد ارزش‌های فرهنگی موجود در روستا و نحوه‌ی برخورد با گردشگران.
- با این اقدامات و همکاری همه‌ب نهادها، زمینه‌های احساس تعلق خاطر بیشتر به میراث فرهنگی در بین روستاییان به وجود آمده و همچنین از ایجاد تنش بین ساکنان محلی منطقه و گردشگران جلوگیری می‌شود.

کتابنامه

- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان اردبیل.
- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و اسماعیل قادری (۱۳۸۱)، «نقش گردشگری روستایی در توسعه‌ی روستایی (نقد و تحلیل چهارچوب‌های نظریه‌ای)»، مدرس، شماره‌ی ۲، صص: ۲۳-۴۱.
- رضائی، روح‌الله؛ و رنجبران، پریسا (۲۰۱۱)، «بررسی و واکاوی



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و بافت‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

اثرات مثبت توسعه‌ی گردشگری در مناطق روستایی شهرستان نطنز، مطالعه‌ی موردی: روستای ایبانه»، اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار.

- زمانی، جعفر؛ توتونچی، لقمان؛ و صمدی‌پور، شیدا (۱۳۹۴)، «گردشگری، توسعه‌ای پایدار؛ مطالعه‌ی موردی: اورامان تخت هورامان»، کنفرانس ملی ایده‌های نو در گردشگری، جغرافیا و توسعه بومی، بوکان، شرکت پیام خط نوین.

- میراحسنی، مهرداد؛ حسنعلی، فریبرز؛ و مالک، امید (۱۳۹۳)، «نقش گردشگری روستایی در ایجاد اشتغال بازاریکار (گردشگری)»، سال پانزدهم، شماره ۹۰۷، صص: ۹.

- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن؛ و نصرتی، ماهره (۱۳۹۰)، «امکان‌سنجی توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی از دیدگاه گردشگران (بخش کاگانرود شهرستان تالش)»، مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۱، بهار، صص: ۶۹-۸۴.

- مهدوی، مسعود؛ قدیری‌معصوم، مجتبی؛ و قهرمانی، نسرین (۱۳۸۷)، «اثرات گردشگری بر توسعه‌ی روستایی با نظرسنجی از روستاییان دره‌ی کن و سولقان»، فصلنامه‌ی روستا و توسعه، شماره‌ی ۲، صص: ۳۹-۶۰.

- هشیاری، رحمن (۱۳۹۱)، «توریسم روستایی و معرفی اماکن توریستی مناطق روستایی شهرستان سردشت با تأکید بر توسعه‌ی پایدار»، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه‌ی اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج.



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

توسعه‌ی گردشگری پایدار در شهرها

(مطالعه‌ی موردی: شهرستان خلخال و جاذبه‌های گردشگری آن)

حامد تقی‌زاده

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

فاطمه خوشکام

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

Khoshkamfateme12@gmail.com

پریناز بخشی

دانشجوی رشته‌ی مدیریت جهانگردی، دانشگاه محقق اردبیلی

از صص: ۱۰۳-۹۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹

چکیده

توریسم در دنیای ارتباطی امروز، یک حرکت جدید و یکی از عناصر مهم و اثرگذار ارتباطی بین تمدن‌ها تلقی می‌شود. صنعت توریسم، نقش بسیار قدرتمندی در روند توسعه‌ی کشورها به عهده دارد و دارای ابعاد گسترده‌ای است که مهم‌ترین زمینه‌های مورد توجه ملل مختلف ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ارتباط بین ملل و جوامع مختلف در تحقق این زمینه‌ها و شرایط، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در سال‌های اخیر، گردشگری منبع درآمد سرشار در تجارت جهانی و عنصر مهمی در بهبود و تنظیم موازنه‌ی بازرگانی بسیاری از کشورها شده است. شهرستان خلخال یکی از شهرستان‌های استان اردبیل است که با داشتن شرایط مناسب طبیعی برای پذیرش توریسم از جمله: آب‌گرم‌های طبیعی، جنگل‌ها، دریاچه‌ها، جاذبه‌های تاریخی و...، مخصوصاً در دوره‌ی گرم سال، پتانسیل‌های لازم را برای جذب گردشگر داراست؛ بنابراین شناخت توان آسایش زیست‌اقليمی منطقه و شناخت جاذبه‌های گردشگری می‌تواند به برنامه‌ریزی گردشگری کمک نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی است. در این مقاله پس از شناخت ابعاد چندگانه‌ی فعالیت‌های گردشگری در محدوده‌ی خلخال، اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل و مولفه‌های مؤثر بر توسعه‌ی گردشگری، تحلیل می‌شود. در این بخش از تحقیق نقاط ضعف قوت فرصت‌ها و تهدیدها مورد تجزیه و تحلیل واقع شد تا چهارچوبی جامع با ساختاری منطقی و عینی جهت ساماندهی اطلاعات کیفی ارائه نماید. **کلیدواژگان:** استان اردبیل، خلخال، گردشگری پایدار، برنامه‌ریزی.

مقدمه

گردشگری از مهم‌ترین فعالیت‌های انسان است که همواره با به‌وجود آوردن تغییراتی شگرف در سیمای زمین، تحولاتی بنیادی در شرایط اقتصادی و آداب و رسوم به‌وجود آورده است. بررسی وضعیت نواحی و سرزمین‌هایی که همه ساله و در فصل‌های مختلف مورد بازدید گردشگری قرار می‌گیرند، نشان می‌دهد تغییرات ناشی از گردشگری در آن‌ها بسیار چشمگیرتر و مهم‌تر از گسترش فایده‌های اقتصادی است. امروزه اهمیت این صنعت موجب شده است تا پدیده‌های متعددی از دیدگاه گردشگری مورد تحلیل قرار بگیرند. معماری همواره نقش اساسی در گردشگری داشته است. از نخستین پیدایش جاذبه‌ها تا خانه‌ها و کاروانسراها تا رسیدن به صنعت گردشگری امروزی، معماری و گردشگری در پیوندی پایدار بوده اند (Khaksar et al., 2010). گردشگری در بسیاری از کشورها نمادی از هویت فرهنگی و از منابع مهم درآمدزایی است. توسعه‌ی این صنعت برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون: بیکاری، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک‌محصولی مواجه هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از انگیزه‌هایی که گردشگران را به شهرها می‌کشاند وجود جاذبه‌های یادمانی و تاریخی در شهرهاست؛ مصادقی مانند: شکل شهر، ساختار شهر، فضاها و ساخت و سازه‌های عمومی، کاخ‌ها و محله‌های از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت تاریخی شهرها هستند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۸).

استان اردبیل در شمال‌غربی فلات ایران، با بیش از ۱۸ هزار و ۵۰ کیلومتر مربع، یک درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان از شمال به رود ارس، دشت مغان و بالهارود در جمهوری آذربایجان، از شرق به رشته‌کوه‌های طالش و بغرو در استان گیلان، از جنوب به رشته‌کوه‌ها، دره‌ها و جلگه‌های به‌هم پیوسته استان زنجان و از غرب به استان آذربایجان شرقی محدود می‌شود. این شهر، یکی از استان‌های ایران است که دارای آثار فراوان معماری و ابنیه‌ی تاریخی است. گردشگری تاریخی در استان اردبیل آن‌چنان‌که باید تقویت می‌شده، نشده است و سهم آن در جذب گردشگر در حوزه‌ی گردشگری معماری اندک است. در این تحقیق، نقش بناهای تاریخی را در جذب توریسم بررسی و راهکارهایی کارآمد، به‌منظور به‌هدف و رسیدن این تحقق و توسعه‌ی پایدار ارائه نماییم. به دلیل این‌که صنعت گردشگری



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

و توریسم یکی از درآمدهای اساسی برای هر کشور هست، معرفی هرچه بیشتر قابلیت‌های گردشگری جای‌جای ایران امری ضروری است؛ بنابراین این مقاله اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

- ۱- شناسایی و معرفی جاذبه‌های تاریخی و طبیعی خلخال، به‌عنوان یک قطب توریستی در شمال غرب کشور.
- ۲- توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی شهر.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و بنیادی است. روش پژوهش توصیفی و به‌صورت مطالعه‌ی اسنادی-کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر طرح‌ریزی شده است.

بیان نظری

لغت گردشگری Tourism از کلمه‌ی Tour به معنای گشتن گرفته شده که در لغت لاتین Turns دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد چرخش دارد، که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته است. در فرهنگ و سفر گردشگری به سفری که در حین آن مسافری به مقصدی انجام می‌گیرد و سپس بازگشتی به محل سکونت را دربر دارد. در فرهنگ لغت لانگمن «گردشگری» به معنای «مسافرت و تفریح برای سرگرمی» معنا شده است. در فرهنگ لاروس گردشگری به معنای «مسافرت برای تفریح (لذت یا رضایت)» آمده است (پاپلی‌یزدی و سقایی، ۱۳۹۲: ۱۹). گردشگری از بزرگ‌ترین، وسیع‌ترین و سریع‌ترین صنایع در حال رشد جهان است که یک منبع مهم افزایش درآمد، اشتغال و سرمایه که در بسیاری از کشورهاست. گردشگری یکی از ابزارهای رایج برای تحرک اقتصادی‌های بحرانی ارتقاء سطح توسعه از طریق مشاغل و سرمایه‌هاست که می‌تواند آن‌ها را پرورش دهد، بخشی از آن برگرفته از اشکال گوناگون گردشگری است و بخشی به دلیل توانایی‌های متفاوت مقصد یا جذب گردشگر و فراهم آوردن نیازهای آنان است.

«جهانگرد» را این چنین معرفی کرده‌اند: «جهانگرد کسی است که به‌منظور تفریح، بازدید از نقاط دیدنی، معالجه، مطالعه‌ی تجارت و ورزش به کشوری غیر از کشور که در آن اقامت دارد، سفر کند؛ مشروط



براین که حداقل مدت اقامت او از ۲۴ ساعت کمتر و از ۶ ماه بیشتر نباشد. گردشگران در دو گروه جای می‌گیرند: دسته‌ی اول، یعنی گردشگری عام، جاذبه‌های معماری می‌تواند بخش از برنامه‌های سفر گردشگران باشد. در این نوع گردشگری، تفریح معانی اصلی مسافرت است، و تنوع جاذبه مورد توجه قرار می‌گیرد. این سفرها به صورت سازمان یافته یا در قالب تور برگزار می‌شود، یا به صورت فردی، دوستانه یا خانوادگی. دسته‌ی دوم: هدف اصلی گردشگر بازدید از جاذبه‌های خاص معماری است. بازدید از سایت‌های تاریخی بناهای مناطق واجد شرایط معماری سفرهای آموزشی معنایی و غیره است. گردشگران این زمینه با اطلاعات و درک بالایی از موضوع سفر خود هستند. مطالعات بناهای تاریخی واجد ارزش معماری، یکی از اصلی‌ترین اهداف این دسته است. این نوع گردشگری از شاخه‌های اصلی و تخصصی علمی است. شهرهای زیادی در ایران وجود دارد که مقصد این نوع گردشگران است، مانند اصفهان و شیراز (حمزه و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

گونه‌های گردشگری

شخصی به نام «واتس اسمیت» از شش گونه‌ی گردشگری به صورت ذیل نام می‌برد:

گردشگری قومی: این نوع گردشگری به منظور مشاهده‌ی سبک زندگی افراد بومی و اقوام انجام می‌پذیرد. هدف گردشگری قومی، شناخت اقوام مختلف و شرکت در تجربه‌های آنان است

گردشگری هنری: گردشگری هنری، در پی شناخت هنرهای ملل دیگر و آگاهی از آنان است.

گردشگری تاریخی: این گونه‌ی گردشگری که «گردشگری میراث» نیز نامیده می‌شود، به بازدید از موزه‌ها مکان‌ها و ابنیه‌ی تاریخی می‌پردازد و امروزه بخشی عمده‌ای از گردشگری را به خود اختصاص داده است.

گردشگری طبیعت‌گرا: تأکید این نوع گردشگری بر جاذبه‌های طبیعی و محیطی در پناه بردن به آغوش طبیعت زیبا و تحسین و درک و لذت بردن از جاذبه‌های طبیعی است.

گردشگری تفریحی: توجه به این گونه از گردشگری، معطوف به شرکت در فعالیت‌های ورزشی، استفاده از چشمه‌های آب گرم معدنی



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و مینا شناخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



حمام و برخورد‌های اجتماعی در یک محیط دلنشین و راحت است. گردشگری کاری: مشخصه‌ی این نوع گردشگری شرکت در کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها، سمینارها علمی تحقیقاتی و تخصصی است (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۹۲: ۱۹).

موقعیت استان اردبیل در کشور

همسایگان استان اردبیل در شمال، کشور جمهوری آذربایجان، در جنوب استان زنجان، در طرف شرق استان گیلان و در طرف غرب استان آذربایجان شرقی نام دارد. شهرستان خلخال در منطقه‌ی آذربایجان در استان اردبیل قرار دارد. این شهرستان از جنوب به استان زنجان و از طرف غرب به استان آذربایجان شرقی، از شمال به قسمت جداشده از خلخال، یعنی شهرستان کوثر و از طرف شرق به استان گیلان محدود می‌شود. خلخال جنوبی‌ترین شهرستان اردبیل است که موقعیت چهارراه بین‌راهی چهار استان گیلان، اردبیل، زنجان و آذربایجان شرقی را دارد (سالنامه‌ی آماری استان اردبیل، ۱۳۹۷).

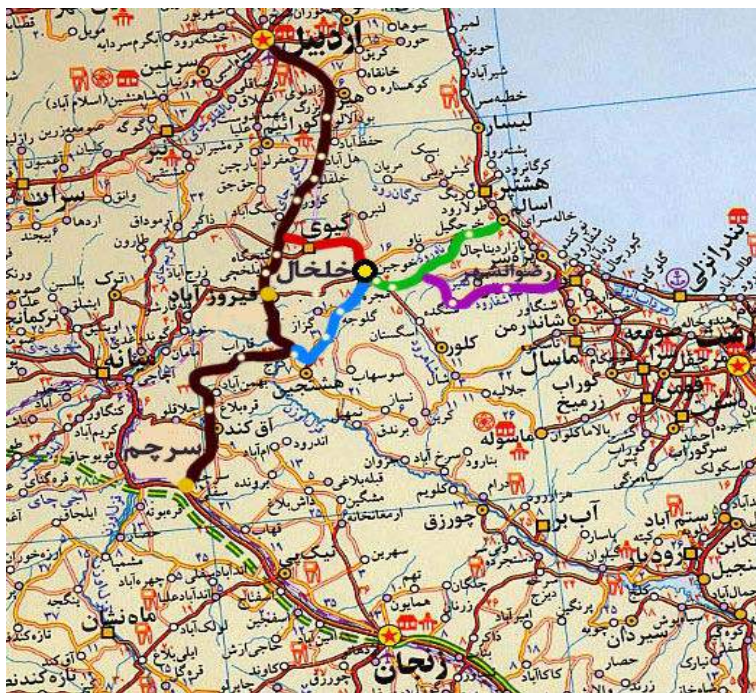


شکل ۱. موقعیت استان اردبیل و شهرستان خلخال.

جغرافیایی طبیعی شهرستان خلخال

خلخال در یک ناحیه‌ی کوهستانی در جنوب استان اردبیل واقع شده است. این ناحیه حدفاصل ارتفاعات تالش در شرق و قافلانکوه در غرب و بین استان‌های گیلان، آذربایجان شرقی و زنجان قرار گرفته است (مولائی هشتجین، ۱۳۸۲: ۵۳).

براساس آخرین تقسیمات اداری، این ناحیه ۴۰۹۳ کیلومتر مربع مساحت از مساحت کل استان را به خود اختصاص داده و مشتمل بر دو شهرستان خلخال و کوثر، پنج بخش، دوازده دهستان، چهار نقطه‌ی شهری و ۲۴۲ آبادی دارای سکنه است (استان‌داری اردبیل، ۱۳۸۶: ۱۰-۳۳). تمامی رودهایی که در خلخال جریان دارند، به بزرگ‌ترین رودی که از خلخال عبور می‌کند، یعنی قزل اوزن می‌ریزد. از مهم‌ترین رودهای شهرستان خلخال می‌توان به: شاهرود، دم‌دل‌چایی، کندره‌چایی و هروچایی را نام‌برد. رود قزل اوزن از کوه‌های چهل چشمه‌ی کردستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی



شکل ۲. نقشه‌ی جایگاه شهرستان خلخال در تقسیمات کشوری (khalkhalimiz.blogfa.com).



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و باستان‌ساخت
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

مسیر طولانی از طرف شهرستان میانه وارد خلخال می‌شود. پس از مشروب کردن زمین‌های جنوب خلخال به طرف زنجان می‌رود. زمانی‌که به منجیل می‌رسد، رود دیگری به آن می‌پیوندد و نام خود را عوض کرده و به سفیدرود تبدیل می‌شود و به دریای خزر می‌رسد (معاونت برنامه‌ریزی استانداری اردبیل، ۱۳۸۸).

امکانات ناحیه‌ی خلخال

الف) امکانات محیط طبیعی عبارتند از:

- قابل کشت بودن اراضی پیرامونی روستاها در صورت تأمین آب و سایر نهاده‌های کشاورزی.

- امکان توسعه‌ی منابع آب ناحیه، به‌ویژه آب‌های سطحی از طریق ایجاد سدها و بندهای چند منظوره برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی و تأمین آب شرب سکونتگاه‌های روستایی که اغلب با مشکل آب شرب مواجه هستند.

- موقعیت مناسب ناحیه از نظر گذران اوقات فراغت، به‌ویژه در فصل تابستان به جهت تعدیل.

ب) هوا و سرسبزی نسبی قسمت‌هایی از آن که عبارتند از: -برخورداری ناحیه از جنگل و حیات وحش که برخی از گونه‌های جنگلی آن نادر بوده و با عنایت به موقعیت ویژه‌ی جنگل‌ها در سطح استان از اهمیت خاص به‌عنوان پارک جنگلی برخوردار است (مولائی‌هشتجین، ۱۳۹۰: ۲۶).

گردشگری

نقاط دیدنی شهرستان خلخال به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. طبیعی، ۲. تاریخی و فرهنگی.

نقاط طبیعی دیدنی شهرستان خلخال در حالت کلی چشمه‌های پرآب کوه‌ها و رودها و غارهای موجود و جنگل‌های منطقه را دربر دارد.

چشمه‌ها

از چشمه‌های پرآب شهرستان خلخال، می‌توان به: چشمه‌ی ازنوخوجین، چشمه‌ی میرعادل اندبیل، و آبشار نزه‌گر، چشمه‌ی پقله‌خانی اسبو و ترکان بولاغی سوسه‌هاب، و هفتاد چشمه‌ی آق‌داغ و



شکل ۱. آبشار نزه‌گر در روستای اسبو خلخال (نگارندگان).

سیبیره‌خونی روستای لرد، چشمه‌های آبگرم روستاهای تیل، خوشنامه و گرمخانه را نام‌برد.

رودها

از رودهای دیدنی خلخال، بزرگ‌ترین رود منطقه، یعنی قزل‌اوزن را می‌توان نام‌برد. این رود با پیچ و خم‌های زیادی که دارد و همچنین وجود ماهی جهت صید در آب این رود، فصل‌های گرم سال گروهی را به طرف خود جذب می‌کند؛ ضمناً هر سال مسابقه‌ی ماهیگیری در کنار پل فلزی این رود در روستای مزرعه برگزار می‌گردد.

رودخانه‌های مهم خلخال

ازنوپایی: سرچشمه‌ی آن چشمه‌ی ازناو است که در جنوب شهر خلخال واقع است و پس از عبور از روستای خوجین و پدید آوردن باغ‌های زیبا در امتداد این رودخانه به شهر خلخال می‌رسد.
نورعلی‌چایی: که از دامنه‌ی کوه‌های باغرو تالش که در شرق



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و موزه‌شناسی
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



شهرستان واقع است سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از روستای اندبیل از سمت شرق وارد شهر خلخال می‌شود **قنز باخان چایی**: که از سمت جنوب غربی خلخال وارد شهر می‌شود و به علت محدود بودن حوضه، آب آن به صورت فصلی بوده و در بارندگی‌های شدید و به گفته‌ی اهالی امکان وقوع سیل نیز وجود دارد. **هیرو چایی**: سه رودخانه‌ی بالا در مرکز شهر خلخال به هم می‌پیوندند و رودخانه‌ی هیرو چایی را تشکیل می‌دهند که در امتداد جاده‌ی خلخال-اردبیل به سمت شمال غرب در جریان بوده و در اطراف خود باغ‌های زیبایی را به وجود آورده است.

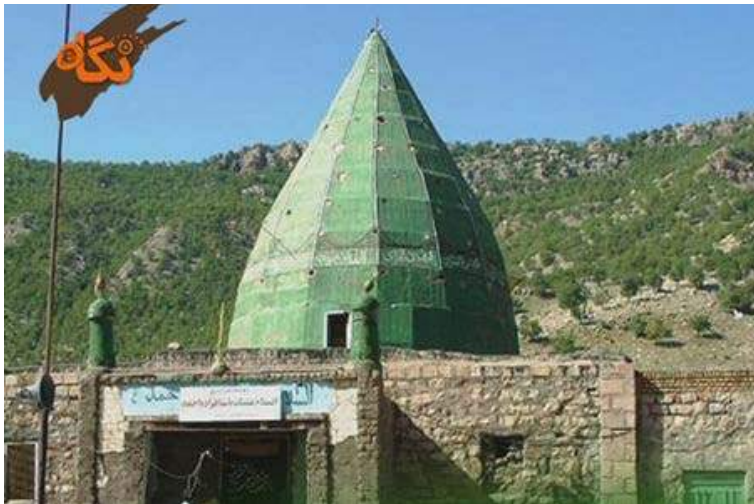
شاهرود: رودخانه‌ی شاهرود که در بخش شاهرود و به سمت جنوب در جریان است و پس از طی مسیر پرپیچ و خم خود به قزل‌اوزن می‌پیوندد. قزل‌اوزن معروف‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه‌ی شهرستان خلخال است که در قسمت غربی شهرستان خلخال و در بخش خورش‌رستم از شمال به جنوب در جریان بوده و به علت ارتفاع نسبتاً زیاد روستاهای اطراف آن، استفاده از آب آن برای اغلب روستاها میسر نیست. این رودخانه از ارتفاعات کردستان سرچشمه می‌گیرد که پس از گذر از مسیرهای پرپیچ و خم کردستان و آذربایجان شرقی، به حوضه‌ی خلخال وارد شده و پس از گذر از آن به سد منجیل می‌ریزد که در ادامه با نام سفیدرود به دریای خزر می‌ریزد.

غارها

از غارهای دیدنی شهرستان خلخال می‌توان به غاری‌ی دام در روستای گرمخانه، غار کوه ازنو در روستای خوجین، غار روستای جلال‌آباد در بخش شاهرود را نام برد.

تاریخی و فرهنگی

از نظر تاریخی آثار باستانی قابل ذکر که بتوان به آن اشاره کرد، کمتر دیده می‌شود؛ برای این‌که این آثار بر اثر گذشت زمان در زیر خاک دفن شده‌اند و اگر هم سر از خاک بیرون بیاورند نیاز به بازسازی و نگهداری دارند؛ مثلاً قلعه‌ی میرعادل در کنار چشمه‌ی میرعادل در مسیر جاده قدیم خلخال به گیلان در نزدیکی روستای اندبیل. از نظر فرهنگی وجود زیارتگاه‌هایی که از گذشته‌های دور به جا مانده‌اند را می‌توانیم نام



شکل ۲. بقعه‌ی سید دانیال در روستای خانقاه سادات (نگارندگان).

ببریم که هرکدام از این زیارتگاه‌ها پذیرای مهمانانی هستند که برای زیارت به آنجا می‌روند. از این زیارتگاه‌ها می‌توان بقعه‌ی سید دانیال در روستای خانقاه سادات، آرامگاه سیداحمدآقا معراجی در روستای ایسبو، و امامزاده کالار، امامزاده اسبو، امامزاده ابراهیم عبدالله در کلور، و امامزاده‌های دیگر در روستاهای شهرستان و مسجد شیخ محمد قریشی که متعلق به اهل سنت است، را در هشتجین نام برد.

تجزیه و تحلیل وضع موجود گردشگری در خلخال

پس از شناخت ابعاد چندگانه‌ی فعالیت‌های گردشگری در محدوده‌ی خلخال لازم است تا با دیدی منسجم اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه‌ی گردشگری به بوتله‌ی تحلیل گذاشته شود. در این بخش از تحقیق، نقاط ضعف قوت فرصت‌ها و تهدیدها مورد تجزیه و تحلیل واقع شد تا چهارچوبی جامع با ساختاری منطقی و عینی جهت ساماندهی اطلاعات کیفی ارائه نماید. این روش اهداف را روشن ساخته و وضعیت موجود را شفاف می‌کند و فرآیند برنامه‌ریزی و تدوین اهداف را حسب واقعیت‌های موجود ساماندهی و درنهایت نتایج و دست‌آوردها را مستند به عینیت درمی‌آورد؛ لذا در این مرحله بایستی کلیدی‌ترین عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه‌ی گردشگری در شهرستان خلخال مورد آزمایش قرار گیرد.

جدول ۱. تحلیل عوامل طبیعی (نگارندگان).

فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
<p>- وجود تله کابین در بیندری خلخال بسیار مناسب است.</p> <p>- اطلاع‌رسانی بیشتر باعث افزایش گردشگران در جاذبه‌های طبیعی به این منطقه می‌شود</p> <p>- ایجاد هتل‌ها و رستوران‌ها در بخش ازناو و وسایل تفریحی در این بخش</p> <p>- امکان جذب گرد شگر از طریق تلبیفات از شهرهای فوق‌العاده گرم ایران به خنکی شهر خلخال در همان زمان</p> <p>- معرفی قله عجم به‌عنوان منطقه کوه‌پیمایی و فراهم کردن امکاناتی مانند اقامتگاه‌ها و...</p> <p>- امکان برگزاری تورهای گردشگری مانند کوه حجاج و...</p>	<p>- هوای سرما و وجود کولاک‌ها و یرف و مه در جاده‌ها باعث شده که در زمستان از میزان گردشگران کاسته شود</p> <p>- عدم وجود امکانات مناسب تفریحی و پذیرایی در بیندری بلاغی روستای اندبیل خلخال</p> <p>- عدم پوشش اطلاع‌رسانی کامل مراکز گردشگری</p> <p>- عدم دسترسی مناسب به مکان‌های گردشگری از قبیل راه‌ها و جاده‌های نامناسب</p> <p>- فرهنگ سازی و توسعه گردشگری در خلخال به حد قابل توجه نمی‌باشد</p> <p>- عدم وجود ورزش‌های زمستانی</p> <p>- عدم بهره‌برداری از گیاهان دارویی در این منطقه</p> <p>- وجود ارتفاعات در جاده‌های خلخال-اسلام در زمستان که باعث ایجاد یخبندان و مسدود شدن جاده‌ها می‌شود</p>	<p>- برخورداری از گرندهای زیبای جنگلی خلخال به اسلام با زیباترین نماهای اکوسیستم طبیعی</p> <p>- وجود کوه ان‌رناغ در این منطقه با ارتفاع ۲۳۰۲ متر</p> <p>- وجود آبشار بره‌رگ در روستای آسبو و آبشار سفید آب روستای لرد و آبشار سخن شیر کلور</p> <p>- چشم‌انداز بیشه‌ها و ارتفاعات به‌خصوص در بهار و تابستان و پاییز</p> <p>- روستای اندبیل طراوت و زیبایی شسورانگیری دارد که گردشگران زیادی را جذب می‌کند</p> <p>- منطقه گردشگری گرند الماس که جزو دیدنی ترین جاده‌های ایران هستد</p> <p>- وجود مراتع طبیعی و پوشش گیاهی، بسیار مناسب در روستای اندبیل که دارای ارزش بصری خوراکی و درمانی دارد</p> <p>- وجود ازناو در خلخال به عنوان مکان توریستی خلخال</p> <p>- وجود آبگرم خلخال-گیوی مجیز به آب های درمانی و هتل‌ها و پاراها</p> <p>- برگزاری جشن رگاب در منطقه روستای کلور خلخال که از جای‌جای ایران گردشگران زیادی جذب می‌کند</p>

جدول ۲. تحلیل عوامل اقتصادی (نگارندگان).

فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
<p>- توسعه امکانات شهرستان تا گردشگران بتوانند نیازهای خود را فراهم کنند</p> <p>- با سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کلور نیز می‌توانند گردشگران زیادی را از بخش‌های داخلی و خارجی جذب کنند</p> <p>- اشتغال‌زایی با از بین بردن بیکاری افراد در سن کار</p> <p>- ظرفیت کشاورزی در شهرستان بالا بود</p>	<p>- غیربومی بودن اکثر فعالان در کارخانه‌های نئویان خلخال</p> <p>- بالا بودن میزان بیکاری در افراد در شهرستان و نواحی آن</p> <p>- عدم وجود سوپر مارکت‌ها در مناطق گردشگری</p> <p>- پایین بودن میزان درآمد نسبت به هزینه</p> <p>- عدم تبلیغ کافی باعث عدم جذب گردشگر</p>	<p>- وجود آبگرم خلخال-کوثر</p> <p>- وجود انواع جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای روستای اندبیل خلخال</p> <p>- پیروزی زنبور عسل قابل عرضه به گردشگران است</p> <p>- برخورداری شهرستان از غذاهای محلی و سنتی در جشن رگاب که برای مهمانان ارزش فراوانی دارد</p>

فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
<p>- برگزاری نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های صنایع دستی می‌توان به جذب گردشگر کمک کرد</p> <p>- امکان بازسازی بیندری اندبیل برای بازدید گردشگران</p> <p>- معرفی روستای کرج به‌عنوان ماسوله‌ای استان اردبیل</p>	<p>- وجود کوه عجم در خلخال</p> <p>- وجود موزه خلخال نصر مربوط به دوره قاجاریه</p> <p>- وجود قله پلنگا در کتار روستای دیز بخش شاهرود</p> <p>- وجود روستای گردشگری کرج</p> <p>- وجود روستای گردشگری کرج</p> <p>- وجود آرامگاه سید احمد آقاعمرای در روستای ایسیو امامزاده کلور امامزاده ایسیو امامزاده ابراهیم و عبدالله در کلور</p>	<p>- وجود کوه عجم در خلخال</p> <p>- وجود موزه خلخال نصر مربوط به دوره قاجاریه</p> <p>- وجود قله پلنگا در کنار روستای دیز بخش شاهرود</p> <p>- وجود روستای گردشگری کرج</p> <p>- وجود آرامگاه سید احمد آقاعمرای در روستای ایسیو امامزاده کلور امامزاده ایسیو امامزاده ابراهیم و عبدالله در کلور</p>



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
 باستان‌شناسی و مهندسی
 گسره باستان‌شناسی
 دانشگاه محقق اردبیلی
 زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
 شماره هفتم
 دوره پنجم
 پاییز و زمستان
 ۱۳۹۷

جدول ۳. تحلیل عوامل زیرساختی (نگارندگان).

فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
- امکان استفاده از ورزش‌های زمستانی در بیندیر اندبیل	- فقدان مراکز پذیرایی با نیروهای آموزش دیده	- برخورداری تمام روستاهای شهرستان از آب و برق و
- فراهم آوردن امکانات جهت صعود به قله‌ی عجم	- عدم وجود مسیرهای دسترسی مناسب به نقاط دیدنی و جذاب شهرستان و توابع آن	- وجود مساجدی برای استفاده گردشگران در همه‌ی روستاها و شهرستان‌ها
- امکان احداث تله‌کابین در بیندیر اندبیل	- عدم وجود امکانات مناسب در جاهای دیدنی	- وجود وسایل حمل و نقل و انتقال مسافر به شهرهای اطراف و شهر اردبیل
- ایجاد یک فرودگاه در شهرستان خلخال باعث جذب گردشگران زیادی می‌شود	- کیفیت نامناسب جاده‌ها	
- امکان احداث راه‌های دسترسی به جاذبه‌های طبیعی	- عدم وجود فرودگاه در شهرستان خلخال	
	- نبود سینما و سالن نمایش در شهرستان	
	- کیفیت پایین بودن سروس‌های بهداشتی	

نتیجه‌گیری

شهرستان خلخال را ترکیبی از جاذبه‌های طبیعی و انسانی شکل داده است؛ در قالب این ترکیب، دارای مجموعه‌ای از نقاط قوت و نقاط ضعف است که در ارتباط با فضای خود دارای فرصت‌ها و تهدیدها نیز می‌باشد. براین اساس، باتوجه به مجموعه مطالبی که درخصوص شهرستان خلخال بحث شد نتایج ذیل استخراج می‌شود:

- ۱- شهرستان خلخال ترکیبی از جاذبه‌های طبیعی و انسانی است که در جذب گردشگر مؤثر است.
- ۲- از نظر جاذبه‌های طبیعی از قبیل: آب و هوای مناسب، رودخانه‌ها، آبشارها و پوشش گیاهی دست‌نخورده نمایان می‌سازد.
- ۳- از نظر جاذبه‌های انسانی، غارهای باستانی و موزه‌ی دوره‌ی قاجار و امامزاده‌ها و آداب و رسوم‌ها حائز اهمیت است.
- ۴- گردشگری فقط در منطقه‌ی فصلی بوده است.
- ۵- میزان بیکاری افراد دارای سن کار در شهرستان و توابع آن خیلی زیاد است.
- ۶- پایین بودن فرهنگ سازی و توسعه‌ی گردشگری.
- ۷- عدم پوشش اصلاع‌رسانی.

کتابنامه

- استانداری اردبیل (۱۳۸۶). نتایج مقدماتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن به‌انضمام شاخص‌های انسانی گرایش عمران ناحیه‌ای.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶). هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران، تهران: مؤسسه نشر شهر.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ و سقایی، مهدی (۱۳۹۲). گردشگری



دوفصلنامه‌ی علمی-تخصصی
باستان‌شناسی و معماری
نشریه‌ی انجمن علمی
گروه باستان‌شناسی
دانشگاه محقق اردبیلی
زمینه‌ی انتشار: باستان‌شناسی
شماره‌ی هشتم
دوره‌ی پنجم
پاییز و زمستان
۱۳۹۷



(مفاهیم و ماهیت)، تهران: انتشارات سمت.

- حمزه، فاطمه؛ بی‌دریغ‌مهر، زهرا؛ و یوسفی‌میاندهی، حمیدرضا (۱۳۹۳). «تأثیر معماری در جذب گردشگر، مطالعه موردی: استان اصفهان»، اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه‌ی پایدار، تهران: مؤسسه‌ی ایرانیان، قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی پایدار گردشگری دانشگاه تهران، صص: ۱۹-۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اردبیل (۱۳۸۱). سالنامه‌ی آماری استان اردبیل.
- مولائی هشتجین، نصرالله (۱۳۷۶). «طرح توسعه‌ی فیزیکی هشتجین، پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد جغرافیایی.

-Khaksar, A.; Tahmouri, A. & Hosein Razavi, S., (2011), "The reciprocal of architecture and tourism:the sustainability approach". *Journal of Tourism, Hospitality & Culinary Arts*.

BASTAN SHENAKHT
Special Scientific Biannual Journal Academic Institute of
Archaeology University of Mohaghegh Ardabili
Vol. 5, No. 8, Autumn - Winter 2019

Field of Publishing: Archaeology

Concessioner: Scientific Community of Archaeology University of Mohaghegh Ardabili

License Holder (Publisher): University of Mohaghegh Ardabili

Councilor: Habib Shabazi Shiran / Manage Director: Khalilollah Beik Mohammadi /

Editor-in-Chief: Seyyed Mehdi Hoseini-Nia

Editorial Board:

Yaghub Mohammadifar

Professor, Department of Archaeology in
Bu-Ali Sina University

Reza Rezalou

Associate Professor, Department of Archaeology in
University of Mohaghegh Ardabili

Mohammad Ebrahim Zarei

Professor, Department of Archaeology in
Bu-Ali Sina University

Abbas Motarjem

Associate Professor, Department of Archaeology in
Bu-Ali Sina University

Habib Shabazi Shiran

Assistant Professor, Department of Archaeology in
University of Mohaghegh Ardabili

Karim Haji Zadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology in
University of Mohaghegh Ardabili

Morteza Hessari

Associate Professor, Department of Archaeology in
Art University of Isfahan

Amir Sadegh Naghshineh

Assistant Professor, Department of Archaeology in
University of Shahid Beheshti

Behroz Afkhami

Assistant Professor, Department of Archaeology in
University of Mohaghegh Ardabili

Ardashir Javanmardzadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology in
University of Mohaghegh Ardabili



No

8

Address: Department of Archaeology, Faculty
of Humanities, University of Mohaghegh Ardabili,
Daneshgah Street, Ardabil, Iran

E-Mail: Khalil_bm@yahoo.com

In the Name of GOD